

ن



اختصار وقایع مهم هفته

در کشور

بنیاد علی محمد داؤد رئیس دولت و صدراعظم ۱۱ ساعت قبل از ظهر روز چهارشنبه بنیاد علی محمدیونس نماینده خاص میرمن اندرا گاندی صدر اعظم هند را در قصر ریاست جمهوری پذیرفتند.

ریاست دفتر جمهوری اطلاع داد که طی این ملاقات بنیاد علی محمدیونس پیام میرمن اندرا گاندی رابه بنیاد علی رئیس دولت و صدر اعظم تقدیم نمود.

در این وقت بنیاد علی وحید عبدالله معین سیاسی وزارت امور خارجه و بنیاد علی سنگم سفیر کبیر هند مقیم کابل نیز حاضر بودند.

عیدی امین رئیس جمهور یوگندا گفت سه نهضت آزادی خواه انگولا موافقه کرده اند که يك حکومت اتحاد ملی تشکیل داد و اسیران جنگی را مبادله نمایند.

روز نامه های انگلیسی زبان چاپ دهلی جدید بطور عموم از فیصله ستره محکمه هند مبنی بر برائت میرمن اندرا گاندی صدراعظم آنکشور از فیصله يك محکمه اله آباد با خوشی استقبال کردند.

اوضاع در بنگله دیش رو به بهبود است ابو سادات محمد صایم رئیس جمهور جدید بنگله دیش گفت در ماه نوامبر ۱۹۷۷ در آنکشور انتخابات پارلمانی انجام خواهد شد.

دانیل صوی نیهان نماینده امریکا در موسسه ملل متحد گفت که هرگاه مجمع عمومی مو سسه ملل متحد فیصله نامه رادر باره این موضوع صادر کند که صیپو نیزم با تبعیض طلبی در يك صف قرار دارد، این امر رو يك امریکا رادر مقابل مو سسه ملل متحد متاثر خواهد ساخت.

اضافه از دوزاده هزار و هشتصد تن بخته دانه دار از شروع کمپاین تا ۱۵ عقرب امسال توسط نمایندگی های سپین زر شرکت از بخته کاران ولایات کندز، تخار و بغلان خریداری گردیده است.

ترمیم رواق مزار خواجه عبدالله انصاری در چوکات پرو ژه ترمیم آبادات وزارت اطلاعات و کلتور شروع گردید.

يك پایه ماشین جفل و تخم پاکی بایك سیت سامان ملحقه آن از طرف اداره پرو گرام های انکشافی ملل متحد در کابل به وزارت زراعت اهدا گردید.

قرار داد ساختن ماشین ها و تدویر مسلخ هرات شام روز ۹ عقرب بین ریاست انکشاف مالداري هرات و کمپنی کرچفلید جمهورییت اتحادی المان در کابل عقد گردید.

در خارج

وزرای دفاع ده کشور عضو اروپای غربی در هامبورگ راجع به تهیه مقدمات فر و ش مشترک اسلحه اروپایی به امریکا مذاکره نمودند. این مطلب را وزیر دفاع جمهورییت اتحادی المان اظهار داشت.



بنیاد علی محمد داؤد رئیس دولت و صدراعظم هنگامیکه بنیاد علی محمدیونس نماینده خاص میرمن اندرا گاندی صدر اعظم هند را در قصر ریاست جمهوری پذیرفتند.

بنیاد علی رئیس دولت و صدراعظم پنجاه و هشتمین سالگرد انقلاب اکتوبر را به زعماء حکومت و مردم اتحاد شوروی تبریک گفتند

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر داد که بنیاد علی محمد داؤد رئیس دولت و صدراعظم طی تیلیگرامی عنوانی بنیاد علیو لیونید بریژنیف سرمنشی حزب کمونسیت، نیکولای بودگورنی صدر هیأت رئیسه شورای عالی والکسی کاسیگین صدراعظم اتحاد جماهیر شوروی پنجاه و هشتمین سالگرد انقلاب اکتوبر را به زعماء حکومت و مردم اتحاد شوروی تبریک گفته اظهار داشته اند:

«ما به مسرت است که علایق دوستی و همجواری و تفاهم همکاری نزدیک و مثمر موجوده بین دو کشور بیشتر تقویت و استحکام می یابد.» بنیاد علی محمد داؤد بایاد آوری خاطرات و نتایج خوش مسافرت شان به اتحاد شوروی برای تقویة روز افزون روابط دوستانه و همکاریهای همه جانبه دو کشور به نفع مردمان افغانستان و اتحاد شوروی و دیتانیت و صلح جهانی و همچنان برای صحت و سعادت زعماء و مردم کشور همسایه و دوست اظهار آرزو مندی کرده اند.

قانون سیاحت بعد از تصویب مجلس عالی وزراء و منظوری ښاغلي رئيس دولت و صدر اعظم در شماره سیزدهم جريده رسمي نشر و نافذ گردید .

بموجب این قانون زیبا ست گرځندوی علاوه بر فراهم آوری يك سلسله تسهیلات در امر توزیم پلانهای انكشافی طویل المدت و قصیر المدت توزیم را در چوكات پلانهای انكشافی دولت ترتیب و بعد از منظوری مقامات صلاحیتدار در معرض تطبیق قرار خواهد داد .

قانون سیاحت بداخل هشت فصل و ۲۲ ماده تدوین شده است .

• • •

باساس مشی دولت جمهوری برای یکصد و شصت و هشت خانواده بی زمین در پروژه آبیاری کیله گی روز ۱۷ عقرب توسط ښاغلي محمد آصف پاس یو سفی و ا لسی بغلان زمین توزیع گردید .

يك منبع آتو لایت گفت در این پروژه یک هزار و یکصد و هفتاد و شش جریب زمین برای یکصد و شصت و هشت خانواده ایكه قبلا استحقاق شان تثبیت گردیده بود توزیع شد .

منبع اضافه کرد پروژه آبیاری کیله گی در و لسوالی دوشی موقعیت دارد و تاکنون برای دوصد و شانزده خانواده یک هزار و پنجاه و بیست و شش جریب زمین توزیع گردیده است .

پروژه کیله گی از دریای بلخمری آبیاری می شود .

دولت جمهوری افغانستان اصلاحات ارضی را برای منافع اکثریت مردم افغانستان یکی از اقدامات عمده در پروگرام اصلاحات بنیادی خویش در نظر خواهد گرفت .

(از بیانات ښاغلي رئيس دولت و صدر اعظم)

خریداری پخته از زارعان

پنجشنبه ۲۲ عقرب ۱۳۵۴ - ۹ ذی قعدة الحرام ۱۳۹۵ - ۱۳ نوامبر ۱۹۷۵

بمنظور کمک به زارعین پخته کار و فراهم آوری تسهیلات برای آنها دولت ۲۷۲۵ ملیون افغانی را برای خریداری پخته منظور نموده است .

سلسله خریداری پخته از چندی باین طرف در ولایات کندز ، تخار ، بغلان ، هرات ، بادغیس ، فراه و شیندند جریان دارد ، که پخته کاران طی همین مدت عوض پخته تحویل دادگی شان پول نقد از کریدت دولت اخذ نموده اند .

در گذشته ها مؤسسات نساجی ، پخته را از زارعین طوری خریداری میکردند که برای يك مدت پول نقد به دهقان پخته کار تحویل داده نمی شد .

بهمین ترتیب پخته سورت شده توسط این مؤسسات به نازلترین قیمت خریداری میشد که به نفع زارعین پخته نبود . در حالیکه اکنون دولت سورت های مختلف پخته را به قیمت های معینه هر سورت خریداری مینماید ، تا در زمینه برای زارعین پخته کمک نموده و حاصلات پخته توسعه و گسترش بیشتر یابد .

بهمین ترتیب برای حمل و نقل پخته از مناطق مختلف و سایر حمل و نقل توسط دولت فراهم میگردد که این موضوع نیز به نفع زارع بوده و تاثیر مستقیم در وضع مالی دهقان و بلند رفتن سطح تولید پخته دارد .

هدف ازین کمک به پخته کاران اینست که در آینده مؤسسات نساجی انکشاف یابد . چه بمقدار زیاد تری پخته در داخل کشور ضرورت خواهد بود .

فعلا مصرف نساجی های بلخمری ، گلپهار ، بگرامی و سایر مؤسسات بافندگی به ۱۲ هزار تن میرسد ، که با تاسیس فابریکات جدید نساجی ملی اعلام گردید .

هرات ، قندهار و توسعه نساجی بلخ و بگرامی مصرف پخته در داخل کشور به ۲۵ هزار تن بالا خواهد رفت .

چون پنبه یکی از حاصلات عمده را در کشور ما تشکیل میدهد ، توجه به توسعه و گسترش حاصلات پخته گذشته از اینکه ضرورت نساجی ها و مؤسسات بافندگی را مرفوع میسازد ، در ازدیاد صا درات پخته بخارج و بلند رفتن سطح عواید ازین ناحیه نیز نقش بسیاری دارد . روی همین ملاحظه است که دولت به این اقدام مفید و پر ثمر دست زد تا اهداف که در آینده در قسمت توسعه و ازدیاد تولیدات نساجی دارد ، بر آورده گردد .

بهمین اساس چندی قبل در پهلوی سایر اقدامات جهت از دیاد حاصلات پخته و کمک به زارعان ، یکتعداد مؤسسات نساجی در ولایات به منظور بلند رفتن سطح تولیدات نساجی ملی اعلام گردید .



وقایع سیاسی هفته

از شفیق راحل

مارش بزرگ

صحرای غربی

فرستادن بیش از دو صد هزار افراد ملکی غیر مسلح به صحرای غربی برای حل کردن يك معضله سیاسی توسط ملك حسن باد شاه مراکش در هفته گذشته یکی از اقدامات بی نظیر تاریخ بشمار میرود. تاحال در تاریخ دیده نشده بود که چنین بحری از انسان بر یکی از مستعمرات که قوای استعماری بحالت تیار سی و بصورت کاملاً مسلح نشسته سرازیر گردد. همچنین دیده نشده بود که رئیس يك دولت چنین امری را که در حقیقت يك سفر بری عظیم ملکی است بسرای مقابله بایك قوای مسلح دشمن صادر نماید. اطاعت به امر، توسط چنین يك كتله بزرگ با در نظر داشت حرارت و ریک شدید صحرا و خطر مرگ از تشنگی و گرسنگی نیز بر اهمیت مارش به صحرا که برای بیش از دو صد سال تحت استعمار

فرستادن بیش از دو صد هزار افراد ملکی غیر مسلح به صحرای غربی برای حل کردن يك معضله سیاسی توسط ملك حسن باد شاه مراکش در هفته گذشته یکی از اقدامات بی نظیر تاریخ بشمار میرود. تاحال در تاریخ دیده نشده بود که چنین بحری از انسان بر یکی از مستعمرات که قوای استعماری بحالت تیار سی و بصورت کاملاً مسلح نشسته سرازیر گردد. همچنین دیده نشده بود که رئیس يك دولت چنین امری را که در حقیقت يك سفر بری عظیم ملکی است بسرای مقابله بایك قوای مسلح دشمن صادر نماید. اطاعت به امر، توسط چنین يك كتله بزرگ با در نظر داشت حرارت و ریک شدید صحرا و خطر مرگ از تشنگی و گرسنگی نیز بر اهمیت مارش به صحرا که برای بیش از دو صد سال تحت استعمار

توقف

بعد از آنکه از (تانایا) و چند

نقطه دیگر در سرحد صحرای غربی، مانگی ما که بدسته های هشت هزار نفری تقسیم شده بودند به مارش آغاز کردند این خطر هر لحظه دیده میشد که ماین های نهفته شده را زیر پا نماید، قوای اسپانیایی موقتاً بداخل خاک مستعمره عقب نشینی کردند و به این ترتیب يك ساحه (تو متزلند) یا سرزمین خالی را خلق کردند تا مارش کنندگان بتوانند با فراخ خاطر به پیشروی ادامه دهند. موقعیت ماین ها نیز طوریکه بعداً معلوم گردید هفت کیلو متر بداخل خاک صحرای غربی قرار داشت. هم حکومت اسپانیایی و هم حکومت مراکش هراس داشتند که مبدا انفجار ماین ها شروع گردیده و باعث تلف شدن مارش کنندگان گردد.

با این هراس و هم خوف اینکه مبادا الجزایر و موریتانیا مداخله نظامی نمایند مراکش و اسپانیایی عاجلانه به موافقه رسیدند که مطابق آن ملك حسن دريك بیانییه رادیویی امر داد تا مارش کنندگان فوراً به نقاط تجمع واقع سرحدات بر گردند باینترتیب يك مارش بزرگ خاتمه یافت.

موافقه

متن موافقه نامه که مراکش و اسپانیایی در آن به توافق رسیده اند هنوز افشا نگردیده اما در حلقه های سیاسی حدس زده میشود که تفاهم موجوده روی چند پرنسپب ذیل استوار است.

اول - يك ریفرندم از (۷۵۰۰۰) باشند این مستعمره که از لحاظ ذخایر (فاسفیت) خیلی غنی میباشد اخذ شود.

دوم - در این ریفرندم طوری زمینه سازی خواهد شد که اکثریت رای دهندگان از تقسیم مستعمره بدو قسمت (مراکش و موریتانیا) رای دهند.

سوم - بعد از اخذ ریفرندم و تقسیم ساحه بدو قسمت و تسلیمی هر حصه به مملکت مربوط قسوی اسپانیایی کاملاً تخلیه خواهند گردید.

چهارم - مراکش و موریتانیا چهار صد ملیون دالر قیمت سرمایه گذاری فابریکات فاسفیت را به اسپانیایی خواهند پرداخت.

پنجم - این ریفرندم که به اساس حق تعیین سر نوشت صورت میگیرد و الجزایر خواستار آنست قناعت الجزایر و زعمای آن مملکت را نیز فراهم خواهد ساخت.

نکته اخیر الذکر قابل تا مل است زیرا امر واضح است که قناعت الجزایر از يك ریفرندم ساختگی که ماهیت تظاهر و روی وریای سیاسی را دارد بر آورده نخواهد شد و به کمک خود به نهضت آزادی خواهی صحرای غربی ادامه خواهد داد.

فرانکو

جاز و جنجال صحرای غربی وقتی آغاز شد که جنرال فرانکو رئیس جمهور اسپانیایی در بستر مرضی افتاده بود و (یوان کارلوس) جانشین وی به مجرد بدست گرفتن زمام امور مجبور بود فیصله ای در موضوع بنماید. سفر نابهنگام وی به صحرای غربی نشانه جدی بودن وی در موضوع صحرای غربی و توجه وی به امور تازه بدست گرفته شده بی دو لئی بود.

تأثیر تصمیم وی در موضوع صحرا يك نمونه از پالیسی و طرز کار یوان کارلوس است. اسپانیایی همین حالا آمادگی میگیرد تا با دوره بعد از فرانکو سازش کند و خط السیر آینده آن مملکت بصورت درست تثبیت گردد.

آنچه در موضوع صحرای غربی حقیقتاً تأثیر آور بود هما نابی مبالاتی کامل پارتی های ذی علاقه از تصامیم شورای امنیت در مورد عدم فرستادن مارش کنندگان به آن مستعمره بود.

پیام بخوانندگان

جهت کشف و تثبیت ذخایر معدنیکه بخصوص معدنیکه استخراج آن دارای اهمیت تجارتي میباشد مطالعات به شدت صورت گرفت . تفحصات در ساحة معدن طلا ، سیماب، مس کرومیت و ابرک ادامه یافته و پروگرام تفحصات در ساحة معدن مس لوگر که آینده خوبی را نوید میدهد، تشدید گردید. نقشه جیالوجی افغانستان به مقیاس يك بر ۵۰۰۰۰ تکمیل گردید. امور اکتشافی طلای سمتی خاتمه یافت و اقدامات جدی جهت استخراج آن رویدست گرفته شد .

پروگرام تفحصات نفت و گاز به منظور تثبیت ذخایر بیشتر آن ادامه و توسعه یافت و به اندازه تقریباً دو هزار متر برمه کاری اکتشافی و استخراجی مازاد بر پلان پیشبینی شده صورت گرفت. با افزایش در ذخیره گاز سلفر دار به اندازه (۱۵) میلیارد متر مکعب و استفاده از ذخیره سابقه قرارداد پروژه سازی فابریکه تجرید سلفر از گاز امضاء و کار آن عنقریب آغاز میگردد. همچنان با کشف ذخیره جدید نفت و توسعه فعالیت درین ساحة پروژه سازی فابریکه تصفیه نفت که در گذشته به ظرفیت ۱۰۰ هزار تن در نظر گرفته شده بود بظرفیت بیشتر در ساحة تطبیق گذاشته خواهد شد .

پایپ لاین هوایی گاز بطول ششصد و شصت متر بالای دریای آمو تکمیل و افتتاح گردید، از معدن بیرایت که در ماه اخیر سال ۱۳۵۲ افتتاح گردید به اندازه بیشتر از هفت هزار تن بیرایت استخراج گردید .

در ساحة صنایع در نتیجه افزایش مواد زراعتی بخصوص بخته و استفاده اعظمی از ظرفیت تأسیسات صنعتی موجوده و تثبیت ساعات کار و حداقل مزد کارگران در میزان تولیدات صنعتی بمقایسه سال ۱۳۵۱ افزایش قابل ملاحظه نمود .

جهت رفع قسمت بیشتر حواجی عامه در ساحة منسوجات نخی تجویز گرفته شد که فابریکه های نساجی افغان، بلخ و بگرامی بجای دوشفت در سه شفت فعالیت نمایند. این امر طوریکه گفته شده تنها در رفع نیازمندی مردم بصورت قابل ملاحظه کمک خواهد نمود بلکه زمینه استفاده را برای بیشتر از يك هزار نفر کارگر مهیا خواهد ساخت .

فابریکه کود و برق حرارتی بعد از تکمیل امور ساختمانی و تولید دوره امتحانی اخیراً افتتاح گردید .

تأسیس بانک صنعتی افغانستان از طرف حکومت جمهوری افغانستان به سرمایه مجوزه ۲۴۰ میلیون افغانی تأیید گردید . پروگرام مرحله اول پارک صنعتی بشمول تأمین تسهیلات مشترک از قبیل ورکشاپ ها و غیره بیشتر از شصت فیصد تکمیل گردید .

دین شماره

اورفی طلانی	ص ۶	نوشته احمد شاه علم
نمایشگاه آثار (ناناشورهایر)	ص ۸	دایوراز عزیز
رشته نقره یی بابین دوستگ	ص ۱۰	دایوراز نوری
۶۳ نفر دختر و پسر در لیسه موزیک	ص ۱۱	دایوراز رحیم بیشتاز
گزارش خبرنگاران از سراسر جهان	ص ۱۲	ترجمه برومند
هنر در لابلای قرنهای	ص ۱۴	نوشته : حامد نوید
زندگی انسانها در دل اقیانوس ...	ص ۱۶	ترجمه: از میرحسین الدین
داستان پولیسی	ص ۱۸	ترجمه : عبدالباقی هبء
آینده انقلاب و سایه مواصلاتی	ص ۲۰	ترجمه حبیب الله فرهنگند
کمپنی هستم و میباشم	ص ۲۲	گزارش از: الف. ز
شرایط عادلانه زیست و کار	ص ۲۳	نوشته : راحله راسخ
خوچه خس پول گرو	ص ۲۴	دالف الف زبانه
فایل بر معلومات	ص ۳۰	نوشته : جلال نورانی
یادی از پروفیسور غلام محمد مصور	ص ۳۱	نوشته : عنایت اله
دغابونو به داگری گبئی	ص ۳۴	دسرور زوی زبانه
شبه ای از فستیوال نیویارک	ص ۵۰	ترجمه : رهجو
زبان آریایی	ص ۶۲	از نیلاب رحیمی

عکس روی جلد: یکتعداد از دختران افغان بالباس های ملی .





نویسنده: احمد شاه علم

عکس هایی تمام هنر مندانيکه همراه باين
راپورتاژ به نشر رسیده است توسط خودشان
برای مجله ژوندون امضاء شده است.

راپورتاژ اختصاصی ژوندون

اورفی طلایی

دهمین سالگرد فستیوال اورفی طلایی قرار
معمول همه ساله در ساحل آفتابی بحر سیاه
(واقع در بلغاریا) مجلل تر، برازنده تر و با
شکوه تر از سالهای دیگر برگزار گردید.
در این فستیوال بزرگ خوانندگان برازنده
۲۳ مملکت پهلو به پهلو هم با هم رقابت

هنری دارند و برای ربودن مدال اورفی طلایی
هنرنامه‌ای می نمایند. هیات قضات و مسردم
منتظر افتتاح فستیوال اند.
رئیس هیات راسرژیسور رادیو و تلویزیون
بلغاریا آقای خچوبوچیف بر عهده دارد.
کامپوزیتور نامدار بلغاریا ویلی کازاسیان

ریاست هیات مدیره موسیقی دانان بلغاریا و
مرتب موزیک اورفی طلایی است. دیکورعالی
و پردیده اورفی طلایی انسان رادر عالم رویا
های شیرین میبرد. آرکستر بزرگ رادیو
تلویزیونی بلغاریا که مشتمل بر ۶۰ نفر است
خوانندگان بلغاریایی و خارجی را همراهی
میکنند.
ژورنالیست ها و عکاسان از همه اکتاف
جهان برای تهیه راپورتاژ از این فستیوال
بزرگ در ساحل آفتابی بحر سیاه جمع شده اند
تابخوانندگان، موزیک دایرکتر ها و مسوولین
فستیوال مصاحبه نموده و آنرا در اختیار اخبار



Merri Winter

a rising star
from
down under



RAYMONDE



JOLANTA
KUBICKA



CARITA



رادیو و تلویزیون ممالک خود بگذارند . از کانال دوم تلویزیون آلمان غرب می کند
نماینده، بی بی سی لوژ مخصوصی را برای (زید، دی، اف) .
خود فروغ کرده است . کارتخنیکی میکروفون وضبط صوت راگمیانی
لوحه دیگری درلوژدوم از تلویزیون آلمان سهپرس ینی ایطالیایی به عهده
شرق به چشم می خورد ، بطرف راست لوژ دارند. پسران پرانژی وچالاک ایطالیایی به
دوم لوحه ای به چشم می خوردکه نمایندگی سرعت کارمی کنند .

تلویزیون بلغاریا مخصوصاستودیوی نمره ۶ که به تلویزیون رنگه تخصیص دارد باجهار
کمره و ۲۰۰ کارگر فنی و مسلکی خود وارد ساحل آفتابی شده است ودر اختیار فستیوال
قرار دارد . این کانسرت و فستیوال نامدار تو سبط
تلویزیون ملی بلغاریا به تمام ممالک سوسیالیستی - فرانسه، انگلستان، هالینده،
آلمان غرب و بعضی ممالک دیگر اروپای غرب ریلی می گردد .
همه روزه بر تعداد توریستها و علاقه مندان
بقیه در صفحه ۱۳
صفحه ۷



چهره افغان هادر تابلو ها مایر بسیار عالی تجلی کرده است .

این پرتريت باستايل مخصوص بخود نانا شور مایر باظرافت خاصی کشیده شده است.

از: عزیز - بلیکا.

نمایشگاه آثار (نانا شور مایر)

در گویتة انستیتوت

در آثار نانا شور مایر که در گویتة انستیتوت بمعرض نمایش قرار گرفت نمایا نگر سبك خاصی از نقاشی مدرن است . نقاشی که بنابه گفته خودش آمیزه از سبك های مختلف نقاشی است.

خطوط و بکاربردن رنگها ارزش بسیار به آثار خود بخشیده است .

میرمن شکورولی عقیده دارد که این هنرمند در تزئین دادن طبیعت در تابلو ها خیلی بر قدرت است .

و اما در مورد شور مایر:

این هنرمند را از نزدیک دیدم زنیست جوان و باطراوت نام مکملش (نانا شور مایر - ویرنگ) است و زادگاهش شهر (هام) جمهوری ریست فدرالی آلمان او ابتدا در رشته باغبانی تحصیل کرده و بعد شامل مکتب هنری دور تمونند شده و بعد و بارجه بافی گرافیک و نقاشی را آموخته و در رشته دیزاین نساجی امتحان دولتی را گذرانده است .

موصوف به کارهای آزاد مشغولیت داشته و از سال ۱۹۷۴ بدینطرف در وصف رضا کاران آلمانی در افغانستان ایفای وظیفه میدارد .

نمایشگاههای متعددی از وی در شهر های مختلف جمهوری اتحاد آلمان برگزار گردیده ولی این نخستین باریست که نمایشگاهی از آثارش را در یکی از کشورهای خارجی بر پا کرده است . او پورتريت های را بمعرض نمایش

در اولین دیدار تصور میکند این تابلو های رسامی نیستند بلکه عکس هایست که از تابلو عایش برداشته شده . بعدتر حقیقت غیر از آنچه هست که در ظاهر انعکاس میابد یعنی بیننده در برابر يك واقعیت قرار می گیرد . این هنرمند در انتخاب رنگ ها خیلی موفق است زیرا باریک ها نیکه او نقش کشیده بیا نگر زرف نگری خاص اوست . مثلا در تابلو های که از جهان غرب کشیده همه اش باریک (سرد) و تابلو ها نیکه از شرق ترسیم نموده در همه اش از رنگ های گرم استفاده کرده است که این خود وارد بودنش را با همه واقعیت های شرق و غرب می رساند .

کپزاد مکتب میرمن (شور مایر) را میسان سوریا لیزم و اکسپرسیونیسم میگوید ولی او را بیشتر باریالیسم و سوریا لیزم نزدیک میداند . میرمن شکور ولی آثار این هنرمند را بخورده از هنر شرق میداند که اثرات هنر، هنرمندان اصیل هند را در خود نهفته دارد .

میرمن ولی از خطوط اساسی که در برجستگی های چهره هادر بسیاری از پورتريت های سور مایر دیده میشود خیلی به توصیف یادآوری کرد و بیان داشت که هنر این هنرمند با ایجاد

آفرینی چهره هادرست بر قدرتی دارد با سایل جدید خطوط و شیاهارا با مهارت بسیار میکشد که بانگستین نگاه ترسیمی از يك واقعیت را در دست میدهد واقعیت که پای زمان و حقیقت های زندگی را در خود دارد .

قبل از آنکه این هنرمند را ملاقات کنم نظر بعضی از نقاشان خبره مانند (سیهون شکور ولی)، (کپزاد) ، (طرزی) را در مورد نمایشگاه این هنرمند و پورتريت هایش بدست آوردم .

شاغلی طرزی پیرامون نقاشی های این هنرمند گفت: وقتی میشود به هنر این نقاش چیره دست پی بریم که خوب در آن منبهك شویم و ببینیم که با چه ظرافت خطوط را بهم وصل کرده و از آن چهره را که نمایانگر واقعیت يك محل و مردم آن را ترسیم نموده است به عقیده من این هنرمند يك سبك آزاد را که خاصه بسیاری از هنرمندان عصر ماست تعقیب مینماید و از جانی میتوان او را پیگر و مکتسب سوریا لیزم در نقاشی دانست .

وقتی با کپزاد صحبت کردم اول از همه او به باریکی کار و انتخاب رنگ ها توسط این هنرمند اشاره کرد و گفت: دقت نظر و مراعات باریکی هادر نقاشی (شور مایر) چنان است که بیننده



نانا شور مایر - ویرنگ با علاقمندی خاصی در مورد تابلو هایش صحبت می کند

روز ۱۴ عقرب نمایشگاهی از آثار میرمن نانا شور مایر رسام جوان آلمانی در گویتة انستیتوت افتتاح شد .

درین نمایشگاه که بیشتر از چهل پورتريت به نمایش گذاشته شده بود مورد علاقه همه دوستداران هنر که در آن محل اشتراك ورزیده بودند واقع گردید .

این هنرمند که هنوز سی و پنج بهار زندگی را سپری کرده آثارش چنان به پختگی رسیده که انسان در اولین برخورد تصور میکند با آثار هنرمند اقلا پنجاه ساله برخورد کرده . او که در نقاش

گذاشته که اکثریتش رادر ایام اقامت خویش در افغانستان بوجود آورده است .

در حالیکه از سبک نقاشی ریالیسم خوشش می آید ولی گاهی سبک سورئالیزم است او معتقد است که سورئالیزم پندار ها و واقعیت ها را همراه با جهان بینی و وسعت نظر هنرمندانه بهم آمیخته و اثری بوجود می آورد که زاده تصورات و برداشت اواز حقیقت است .

(ناناشور مایر) در حالیکه جامی را از روی میز بلند می کرد سور یالیسم را چنین تعریف کرد که همه می بینیم و هر کسی میتواند او را ببیند که این ریالیزم است وقتی من این جام را می بینم با افق که دیگران آنرا می بینند این سورئالیزم است یعنی چشم دید من با افق نظرم سورئالیزم را می سازد .

شور مایر معتقد است که همه آثارش متأثر از هنر هند است ولی او را مطلق شرقی نمیداند. وقتی از (نانا) پرسیدم که آیا آثار هنرمندان افغانی را دیده و نظرش در مورد نقاشان افغانی چیست ؟ بجواب گفت: من آثار هنرمندان فعلی را دیده ام که بسیاری از آنها خیلی بخته بوده و هم هستند آنها لایکه به تلاش و پشت کار زیادی ضرورت دارند تا آن بختگی را که لازم هنرشان است آورند .

وقتی در مورد هنر اصیل افغانستان (میناتور) (هرات) از او پرسیدم به پاسخ گفت: که بدبختانه تاحال موفق نشده ام از آن استفاده کنم زیرا کتبی که در ینباره موجود است تا حال بدستم نیفتاده اما میناتوری را که کم و بیش در پورتريت هایم می بینید تأثیر کتابی است که در مورد هنر اصیل هند که در آن از میناتوری هم بحثی فته و من سالها قبل آنرا مطالعه کرده ام. وقتی از طرز کار و سبک رسامی پورتريت هایش پرسیدم، گفت: باز هم میگویم که ریالیزم و سورئالیزم مکتب اساسی است که من آنرا تعقیب مینمایم ولی شما میتوانید کوبیزم و بعضا عناصر را از مکتب کلاسیک در پورتريت هایم بیابید که این نمایندگی از آزادی هنرمند میکند اما سبک کارم چنین است که اولاً پلان کار خویش رادر ذهنم ترسیم و بدنبال آن کار را آغاز میکنم که گاهی ممکن است روزها هفته ها و حتی ماه ها نتوانم پلانی را که طرح آن آرزویم است پی ریزی نمایم و درین مدت ممکن است يك دو و حتی بیشتر پورتريت ها را بوجود آورم ولی بطرح آن یکی بوفق نکردم ، و هم ممکن است طرحی را بریزم ولی آنچه در مغیله ام است با آن تطابق ننماید باز هم به آینده موکول میکنم و آن حد انتظارش را میکشم تا آنچه میخواهم بروی تابلویم نقش یابد .

ناناشور مایر که بیشتر از یکینم سال از عمر خویش را در افغانستان گذرانده زلدگی و چهره های واقعی مردم را از نزدیک دیده

رشته نقره‌ی یا بین‌دوستنگ

نمایشی بمناسبت سال بین‌المللی زن
از: گک ، تماشاچی

نگهدارد، به محیط کوچک و محدود دهکده خود محصور سازد و بر فراز فرزندانش نیز همان زندگی اشرافی را، که دوازده هیاهوی جهان امروزی است، تدارک کند. دوجوانی که تحصیل کرده‌اند و بامشغله شهرهای امروز انس دارند.

درمیان تردید برجای مانده‌اند و دوزن، دو عروس، دوسوی دیگر، درکفه دیگر نرازو، نقش‌هایی دارند، آن هاجدال گران دیگر این معرکه اند، آن زندگی باهیاهو، باکاربا هیجان می‌خواهند و بر ثروت و گوشه نشینی هیچ علاقه‌ی ندارند... مادر در تلاش است تا فرزندان را نگهدارد و عروس مادر تلاش‌اند تا به نیویارک، به شهر هیاهو برگردند... کارکنند و خود زندگی بسازند...

نام (درمیان دو سنگ) که دایرکتر، بر این نمایشنامه گزارده است و در حقیقت نام دوم اتر است، با مسما تر می‌نماید، چه از لحاظ عاطفی دو جوان درمیان دوستنگ تا پایان نمایش، خرد می‌شوند، می‌افتند و برمی‌خیزند. آنها از یکسویه زنجیر سخت و مقدس مادری بسته‌اند و از سوی دیگر، رشته انس و احساس پیوندشان را با همسران‌شان محکم کرده‌است. دو گروه به دوسوی می‌روند، دو قطب آتشی ناپذیر و درین میان دوجوان به هردوسو کشیده می‌شوند...

درین نمایشنامه، همه نقش‌های اصلی را دارند، نگاه و جفایی، پروین و زرغونه... پروین صنعتگر که باز بروی ستیز برگشته، باز در تیاتر می‌درخشد....

ترجمه این اثر که تو سبط (روح الله شیشه‌گر) شده، برگشته‌ی یی از انگلیسی به فارسی است، برگشتی خوب...

دایرکت آنرا جفایی کرده است، او تا حال ۹۰ درام را دایرکت کرده و در کابل ننداری و مرکز فرهنگی امریکا نمایش داده است. جفایی از ده سال به اینسو، در پهنای تیاتر دیده شده، او گاهی بازیگر تیاتر بوده و زمانی از پشت پرده بر نمایشنامه حکمروایی کرده ستار جفایی در دایرکت این درام نیز موفق است و هنر متداندان انگشت شما و نمایشنامه و بازی بصورت یک تیم، برین موفقیتش کمک کرده است...

بافصله سازمان جهانی ملل متحد، سال بین‌المللی زن در همه کشورهای و از جمله در کشور ما تجلیل میشود. همه موسسات فرهنگی درین راه تلاش‌هایی می‌کنند و پروگرام‌هایی خاص ترتیب می‌نمایند.

نمایش درام (رشته نقره‌ی یی یا میان دوستنگ) در ادیتوریم مرکز فرهنگی امریکا نیز از همین پروگرام هاست، پروگرام‌هایی برای زن، بران نمایانند موقف زن در گذشته و حال و برای تامین حقوق زن و تثبیت حس ابتکار، دانش و تعقل زن...

نمایشنامه رشته نقره‌ی یی اثر (سدنی هوارد) نویسنده معروف امریکایی است، این اثر درست پنجاه سال قبل از امروز نوشته شده است، ولی دایرکتر، در پیاده کردن آن بروی صحنه این فاصله زمانی را ازین برده است، او (گذشته) را، درین نمایشنامه به (حال) تبدیل کرده دیکور، دیکور ۵۰ سال قبل نیست لباس‌ها و پنجاه سال قبل را نمایش نمیدهند و دیالوگ‌ها از هیاهوی جهان امروز یادآوری می‌کنند، نه از دیروز و این برداشتن مرز زمانی کار بجایی است، چه زن امروز هم زیست میکند، همان پرابلم‌ها امروز هم وجود دارند، ستیز کهنه و نو، خرافات پستی و تجدد طلبی امروز هم به حد اعلائی خود رسیده است.

درین درام پروین صنعتگر، مقدس نگاه، زرغونه رفا، پروین هوساوستار جفایی حصه دارند، این چهره‌ها، قسما در تیاتر ما شناخته شده‌اند، چهره‌های از هنرمندان خوب تیاتر ما و هنر ما....

درام گوشه‌ی یی از یک زندگی امریکایی را نمایش میدهد، نیم‌رخ از چند زن امریکایی با ملکوره‌های گونه‌گون، ولی با ادامه آن مرز‌ها محو می‌شوند، در آن، تصویر جامعه غربی و شرقی با هم دیده میشوند، آسیا، اروپا امریکا و هر گوشه دیگر جهان، مشکلات خود را در آن می‌بینند، چه زن در همه جاهست... مادر در همه جا هست، همسر در همه جا هست و جدال یسک جدال عاطفی است.

زنی بیوه و ثروتمند باتکیه به دارایی خود، می‌خواهد دوفرزند خود را دوفرزندی که آنها را بزرگ کرده و به دانش رسانده بخود



از بالا به پایین :

پروین صنعتگر باز بروی پرده می‌آید...

جدال، جدالی بین دو ملکوره، بین کهنه و نو درین نمایشنامه دیده میشود.

«بین دوستنگ» نام با مسما تری است بر این درام

را که به سیستم نوت تهیه و ترتیب شده باشد در پهلوی آله اختصاصی خویش یاد میگیرد.

وی افزود:

فعلشاگردان لیسه مسلکی موزیک در شعبات پیانو، ویلن، گیتار، ترومپت، ترومبون، باریتون، کورنو و کلانت تدریس میشوند.

راجع به نواختن آلات حرف زدید اما نگفتید در هر رشته چند نفر دارید؟

در جواب میگوید:

در سال تعلیمی ۵۴ دو نفر شاگرد در شعبه پیانو، ۶۴ نفر شاگرد ذکور و اناث در شعبه ویلن، هفت نفر شاگرد ذکور و اناث در شعبه گیتار، شش شاگرد در شعبه ترومبون، پنج دیگر در شعبه باریتون، ۲ نفر در کورنو، ۱۴ نفر در شعبه ترومپت و یک نفر در پیکولو فلوت و همچنان ۱۲ نفر شاگرد در شعبه کلانت شا مل دروس عملی میباشد.

سوال میکنم شرایط شمول در

لیسه موزیک چگونه است؟

آقای و هاب اظهار میدارد:

شاگردانی که بحیث جدیدالشمول پذیرفته میشوند از کا میابان صنوف ششم مکاتب بوده که سن شان بین بقیه در صفحه ۶۰

میخواهم پرسیم که تدریس آلات موسیقی بکدام سیستم میباشد؟

بناغلی و هاب جواب داد:

تدریس آلات موزیک بقسم نظری و عملی تما ما به سیستم نوتشین بین المللی صورت میگیرد.

لطفاً در باره استعداد شاگردان

در آموختن موسیقی معلوم مادتدهید؟ استعداد هر شاگرد نظریه شعبه و آله مورد نظرش فرق میکند. اما در بضعی مواقع معلوم شده میتواند در سال ۵۳ يك شاگرد صنف هفتم که

در رشته موسیقی استعداد خارق العاده داشت جهت ادامه تحصیلات موزیک به کشور بلغاریا در رشته گیتار اعزام گردید.

پرسیده میتوانم که شاگردان مکتب موزیک چه آلاتی را نواخته میتوانند؟

آمر مکتب موزیک جواب گفت: شاگردان لیسه مسلکی موزیک نظر به ذوق و علاقه شان یکی از آلات موزیک را بقسم آله اختصاصی انتخاب مینمایند. بعد از سپری شدن مدت سه سال یعنی وقتیکه شاگرد به صنف دهم ارتقا نمود میتواند که یکی از آلات موزیک افغانی را از قبیل رباب، تنبور، دهل دوسره، وتوله



مکتب موزیک باسیستم نوتیشن شاگردان را در قسمت موسیقی تربیه می نماید

راپور از:

رحیم پیشتاز

۶۳ نفر دختر و پسر در لیسه موزیک مشغول فرا گرفتن موسیقی هستند

دو صد پارچه موسیقی اصیل افغانی بصورت تیپ شده در آرشیف این لیسه موجود است



شاگردان در رشته های مختلف موسیقی مشغول فرا گرفتن دروس عملی هستند.

موسیقی در پرورش روح انسان رول مهمی را بازی نموده جهت تداوی مریضان روحی امروز از موسیقی استفاده میشود. امروزه در اندیشه موسیقی است. موسیقی نوازان همیشه مورد استقبال بی نظیر علاقمندان شان قرار گرفته اند. امروز جوانه های این هنر شادی آفرین در قلب جوانان جان گرفته و بر تعداد هوا خواهان آن افزوده است. بناغلی غلام نبی و هاب مدیر موزیک را می آموزند.

گزارش خبر نویسان از سر اسر جهان

ربایندگان پیترو لورنس بدام افتاد

- یکی از مستخدمین بناروال شهر برلین که مصروف پاک کاری کتابت بیلر های کنار سرك بوداز بیلر کتابتانی که کنار منزلی گذارده شده بود چشمش به استاد و تعهد نامه های پاره پاره ای که در آن قول شرف داده شده بود افتاد، این مستخدم حساس که میدانست پولیس سخت دوتلاش دستگیری ربایندگان (پیترو لورنس) است کاغذ را به دستگاه پولیس تسلیم داد، فوراً چهار مرد مسلح و ماشیندار وارد خانه که بیلر کنار دروازه اش گذارده شده بودند و سه مرد را بنام (رالف رانیدرز) (جولیان پلامیک) و (رینگیت) که به ترتیب ۲۷-۳۱ و ۲۳ سال داشتند دستگیر گردیدند. و پس از تحقیقات مختصری بدین نتیجه رسیدند که رالف رانیدرز و رینگیت کلید این معمای پولیس اند که در (۲ جون) بهار امسال پیترو لورنس سیاستمدار معروف (سی-دی-ای) برلین را اختطاف کرده بودند.

گفته میشود که پولیس برلین قبلاً لیست اسمای کسانی را که درین قضیه مشکوک بنظر می آمدند ترتیب داده بود، دولت اشخاصی بنامهای فریتس تویفل، انگلا، لوتار، اندراس فوگل و نوربرت ادیش کرو لتر نیز شامل بودند و وقتی این اشخاصی که نام بردیم تحت تعقیب پولیس قرار گرفتند فرار کردند، به تعقیب آن پولیس شهر هامبورگ خبر داد که مردم بولی الهیوتی بمب رادرنزدیک خط آهن گور کرده بود که از اثر انفجار آن یازده تن مجروح گردیدند.

- اعضای مقامات سیاسی برلین در قطار راه آهن بودند که فریتس از دستگیری فریتس تویفل مرد ۳۳ ساله و گابریل رولنیک ۲۵ ساله مجرمین دیگر این قضیه به ایشان خبر داد، این دودمرد که با خود اسلحه حمل میکردند در واقع از متهمین سر سخت قضیه پیترو لورنس بشمار می آیند. در طول همان روز دستگاه (تی) پولیس برلین در اثر فعالیت های پیگیرانه خویش بالاخره موفق به کشف (۱۸۱) مرد دیگر این گروپ تروریست ها که به کمک کمپوتر ها و سایر اسباب تخنیک جریان بیرون رابه سایر اعضای باند در زیرزمینی ها و مخفیگاه ها مخپاره میکردند شدند، از بازداشت ها و تحقیقاتی که از مجرمین شروع شده معلوم میشود فریتس تویفل درین حادثه نقش اساسی و فعالانه دارد.

الفرد هیچکاک از تکلیف قلبی رهایی یافت

- در وزن الفرد هیچکاک تقریباً (۳۵) پوند کاهش بعمل آمده، این رژیم معروف که از چندین سال بدینطرف همواره تحت حملات قلبی قرار میگرفت درین نزدیکی ها بنابر اصرار دکتور معالجتش حاضر شد قیانه به وصایا و هدایات لازمه دکتور مذکور عمل کرده و مخصوصاً تصمیمی برای تقلیل وزن و جودش بگیرد زیرا در غیر آن قلبش از فعالیت بازمی ایستد.

- الفرد هیچکاک که اکنون (۳۵) پوند وزن و جودش را از دست داده مدعی است که هم تکالیف و حملات قلبی اش بکلی مرفوع گردیده، مخصوصاً پس از فوتوگرافی اطمینان بخش که بوسیله دکتور معالج از قلبش بعمل آمد بیشتر اطمینان خاطر یافت و پول قابل توجهی پرداخت. هیچکاک اخیراً بار دیگر بدین تشویش و دل واپسی و یاکدام تکلیف دیگر صحنی به کار ها یش آغاز کرد. اما قبل از همه خواست سری بدوگان خیاط بزند.



الفرد هیچکاک متوجه تقلیل وزن شد نش گردیده.



برتون و تایلور در یکی از مسافرتها ی شان

باز هم الیزابت تایلور و برتون اختلاف پیدا کردند

- الیزابت تایلور و ریچارد برتون که پس از دو سال جدایی و مفارقت بار دیگر ازدواج کرده اند بر تعهداتی که در ابتدای ازدواج مجدداً نموده بودند پایدار نماندند، آنها پیمان بسته بودند که گذشته های تلخ را یک قلم از یاد ببرند ولی اکنون برعکس عمل کردند باز هم اختلافات، جارجونجال ها و مشاجرات بخاطر هیچ، مبصرین هنری گزارش میدهند که برتون باز یاده روی و افراط در مشروب همیشه قیافه و وضع غیرعادی میداشته باشد، حالانکه تایلور این توقع را از او ندارد، بخاطر این حرکت برتون تا یلور فکراً احساساتی و هیجانی شده و مجبور میشود روش خشنانه ای شود.

هنر پیشه یا زده ساله ایکه- (۸۵۰۰۰۰) مارک را کمایی کرد:

(تاتول اونیا) هنر پیشه یازده ساله آمریکایی بخاطر ایفای رول هایی که در فلم (پایرمون) بوی سپرده شده بود از طرف فابریکه فلم سازی (۱۵۰۰۰۰) مارک دریافت کرد، همچنان با کارگردانی خود در فلم (بادنلس بیارز) که جدیداً تولید گردیده دستمزد او به (۸۵۰۰۰۰) مارک بالافت، درین فلم مصارفی که بالای دیکور و لباس (اونیا) شده بود به (۴۰۰۰) مارک بالغ میگردد.

اکنون (اونیا) یازده ساله مصروف کارگردانی



تاتول اونیا در فلم (نمره های اژهالیود).

فلم (نمره های اژهالیود) میباشد.

اوری و طلا

فستیوال افزوده شده می‌رود و همه بی صبرانه منتظر افتتاح آن هستند.

تکت های فستیوال همه فروخته شده است. الیوم مخصوص آغاز فستیوال ساحل طلایی از ده سال پیشتر به این طرف طبع و در دسترس مردم قرار گرفته است. شهرزادگلام و اعلانات فستیوال غرق در زیبایی و نور است. ساحل آفتابی چنانچه از نامش پیداست آفتابی و گرم است و همه رادر آغوشش قبول کرده است.

* * *

امروز ۲۴ چون است روز اخیر تمرینات عمومی. همه با احتیاط و هیجان زیادتری برای مسابقه بزرگ آخرین تارهای گلوی شان را آزمایش میکنند. یک سیاه پوست از هالیند و یک خانم زیبای کوبادر تمرینات مقدمانی از همه برتری جسته اند.

خواننده مشهور و ریابنده چندین مدال بین المللی بلغاریا اکتیریس برا زنده لیلی ایوانو نیز در این مسابقه سهم گرفته است. همه بلغاریایی ها چشم امید براو دارند تا لیلی بازم جام اوری طلایی را بیگانه نکند و درخانه خود یعنی بلغاریا نگهدارد. اما همه ای مسابقه دهندگان به همین امید وارد ساحل آفتابی شده اند.

* * *

امروز ۳ چون است. خبر رسیده که خوانندگان مشهور بلغاریا امیل دیمیتروف و می ایوانو که در وارسا پایتخت پولیند بودند بطور ناگهانی وارد ساحل طلایی شده و آمادگی و خبر اشتراک خود را در این مسابقه اعلان کرده اند.

بهر صورت مسابقه دهندگان زیاد اما جام یکی است.

تلویزیون بلغاریا نیز امروز از صبح تا ۵ بعد از ظهر کمره های خود را امتحان می کند. (تی.وی.بی) برای اولین بار همراه چهار کمره و یک بلو بوکس کانسرت رابه تماشاچیان بخش خواهد کرد.

انبوه عظیمی از مردم در عقب تیاتر منتظر ورود هنرمندان اند تا اولا آنها را از نزدیک دیده و ثانیاً از آنها امضا بطور یادگار بگیرند همه برچوکی های خود نشسته اند سالون غرق در زیبایی و عطر است.

رئیس شورای عالی تلویزیون بلغاریا درست سر ساعت ۸:۳۰ شب وارد صحنه گردیده و بانطق مختصر خود فستیوال را افتتاح کرد.

حال کمی راجع به ما هیت این فستیوال می‌خواهم خدمت خوانندگان بعرض برسانم که در ده سال اخیر بلغاریا به پیشرفت های

گرفته جمع شدند تا برای شناساندن و پیش موسیقی اصیل بلغاریا در دنیای غروب و همسایگان راه حلی جستجو و سراغ نمایند که البته این فستیوال حاصل زحمات و چاره سنجی آنهاست. این فستیوال روی چند منظوری دایر شده است:

۱- رواج دادن موسیقی بلغاریایی در دنیای خارج.

۲- تماس و شناسایی هنرمندان بلغاریایی با هنرمندان شرق و غرب.

۳- مقایسه موسیقی بلغاریایی با دنیای دیگر.

۴- دوستی و حسن همکاری مداوم با ملل مختلف.

۵- شناسایی با موسیقی ملل مختلف و طرز کار آنها.

و بالاخره دوستی با ملل مختلف باالسنه و کرکتر های مختلف.

اواضا ف کرده: ما توانسته ایم این فستیوال خود را همه ساله رونق خوبتری بخشیم و امسال که ده سال از عمر آن میگذرد، قراریکه مشاهده می کنید این فستیوال به صورت یکی از بزرگترین فستیوال شناخته شده دنیا و یکی از پردرآمد ترین منبع درآمد توریستی برای ماست.

پروکایف در جواب سوال دیگر که پرسیدم: امیدوارم این فستیوال مانند بعضی از فستیوال های دیگر نباشد که در اخیر جایزه رایبه خود یابه یکی از دوستان نزدیک خود می دهند گفت: هیت قضات متشکل است از نه مملکت مختلف و بلغاریا در آن فقط یک



نماینده دارد و یک رای.

در شب اخیر فستیوال که با جشن باشکوهی پایان یافت توانستیم با بعضی از خوانندگان فستیوال صحبت های مختصری نمایم.

آنها در جواب سوالم که اگر روزی از آنها دعوت شود که به افغانستان بیایند چه جوابی خواهند گفت همه به خونسردی استقبال کردند و حتی خواننده مشهور فرانسوی (ری مانه) عکس خود را با امضا برای مجله ژوندون فرستاده و گفت: افغانستان را از لابلای کتابها، فلمهای مستند و دیدن فلم سوارکاران و خواندن کتاب (ژوزف کاسل) می شناسد و یکی از آرزوهایش آمدن به افغانستان و دیدن بزکشی است.

همچنان خوانندگان هالیندی (جیمی واکر) ایرلیندی (کارتیا) فنلیندی (ماری و نتر) پولیندی (یو لانه کویسکه) و انگلیسی (فرانک هالدر) عکسهای خود را بفرس چاپ در مجله ژوندون به من تقدیم کردند.

اخیر مسابقه پرهیجان بود و همه منتظر سرنوشت بودند تا اینکه هیات ژوری دو ی صحنه آمده و نتایج را اعلان کردند. جایزه سوم به خانم کیویانی تعلق گرفت گر چه آنقدر خوشحال به نظر نمی آمد اما با آن هم باحرکات زیبای خود تعظیم بلند بالایی به تماشاچیان نمود که با کف زدن های ممتدی بدرقه شد. اوپیراهن زیبای رنگارنگ در برداشت. جایزه دوم راهمان پسر سیاه پوست هالیندی ربود. اواز خوشی در پیرا هن نمی گنجید و دوشیزهای را که جایزه را برایش آورده بود به هوا بالا کرد و غرق در بوسه ساخت.

برخلاف انتظار همه جایزه اول به یک پسر از اتحاد شوروی تعلق گرفت...

نوبت رسید به جایزه بزرگ یعنی اوری طلایی همه به یابرخواستند و سکوت بر همه جا حکمفرما بود. من که در عقب سالون و نزدیک هنرمندان بودم ترس و امید رادر سیمای هر یک از آنها مشاهده میکردم که ناگهان اسم (لیلی ایوانو) که عکسش را در صحنه اول مشاهده کردید سکوت جمعیت را شکست و نعره خوشی مردم و نام لیلی... لیلی به آسمانها برخاست. لیلی که اشک شادی در چشمانش حلقه زده بود دوان دوان وارد صحنه گردیده و کامپوزیتور مشهور بلغاریا رادر بغل گرفت و بانگاه های باسپاسی از او تشکر کرده مدال زیبای اوری طلایی را رقصان و دور زن گرفته به همه نشان می داد.

نطاقان به همه تبریکات عرض کرده و شب همه را خوش خواستند چراغها آهسته آهسته خاموش می شدند همه سالون و صحنه را ترک کرده بودند ناگهان من بخود آمدم و دیدم در تاریکی گرفتار شده ام. شاید فکر می کردم گاش مام جئین فستیوالی را میتوانستیم راه بندازیم.



مغز در لابلای قرن ها

بمنظور معرفی دوره های مختلف هنری سر از همین شماره صفحه جدیدی در مجله کشوده می شود، تادیرین راه خدمتی به ذوقمندان هنر کرده باشیم .
 کوشش عمده در نگارش این ، مبحث اینست تادوره های مختلف هنری با خصوصیت ها واژه های آن به خوانند معرفی شود. البته عوامل مؤثر دیگر که در ساختن و کرکتر بخشیدن يك دایره مد نیت در يك دوره معین تاریخی اهمیت دارند نیز شامل این بحث خواهد بود .
 مطالعه يك دوره تاریخی یا يك مكتب هنری وقتی بیشتر دلچسپ می گردد که موضوع بشکل مجرد ارائه نگردیده بلکه همراه با پدیده های مرتبط آن چه مادی و چه معنوی باشند تحت تدقیق قرار گیرد . هنر يك دوره معرف طرز تفکر و طرز دید ، وساختمان اجتماعی همان دوره است و خصوصیت های آن زاده پدیده های ، کیفی و کمی موجود در اجتماع مربوط می باشد .
 ازینروست که بر علاوه موضوع مورد بحث یعنی هنر نقاشی ، مجسمه سازی و مهندسی در دوره های مختلف تاریخ ضرورت بدان می افتد که بالای وضع اجتماعی ، سیاسی و اقتصادی و طرز تفکر و عقاید مذهبی جامعه مورد نظر نیز بحثی بعمل آید
 البته در تهیه این نگارش از منابع معتبر و آثار محققین مختلف استفاده گردیده تا موضوع به شکل عملی تر و صادقانه تر برای خواننده ارائه گردد .
 حامد نوید

هنر در دوره حجر و جوا مع، اولی

هنر پدیده ایست زاده خلافت انسان و برداشت او از محیط اطرافش ، این پدیده نه تنها یکی از روشهای جوامع امروزی است بلکه در دوره های مختلف تمدن های انسانی موجود بوده و همگام با تغییر پدیده های مرتبط ، خود نیز شکل داده است . حتی در جوامع قبل از تاریخ یعنی در دوره ای

لول سنگ تقریباً بیست هزار سال پیش از امروز هنر نقاشی و مجسمه سازی بین انسانهای مغاره نشین ، متداول بوده است .
 هنر نقاشی و مجسمه سازی هنگام با ضروریات دیگر انسانی هنگامی زاده شد که بزرگتر یں مشکل انسان بدست آوردن غذا بود . یعنی هنگامیکه انسانها هنوز به تربیه حیوانات نپرداخته و بزراعت

دسترسی پیدا نکرده بودند . یگانگ امید زندگی درین دوره شکار حیوانات و چیدن میوه های وحشی بود و اگر شکار ی بدست نمی آوردند ، مجبور بودند روزها را بگرسنگی بگذرانند و از شدت ضعف رهسپار مرگ گردند . گرچه دستبرد با آشیانه پرنده گان و یا شکار حیوانات کوچک و ماهیان تا اندازه می توانست جوابگوی ، معضله غذایی باشد ، اما قیمت عمده

تفکرات انسانی ایندوره متوجه شکار و آنهم شکار حیوانات بزرگ بود . شاید گوزن ، آهو و گاو وحشی بزرگترین ودیعه طبیعت برای انسان های ایندوره بشمار میرفت و بعضاً ترس از حیوانات درنده نیز آنها را مجبور به کشتن و از بین بردن این حیوانات می ساخت . به هر ترتیب انسان تا قبل از تاریخ او لین قانون

بخوبی برایش واضح است که این کار او صدمه به صاحب تصویر نمی زند اما ازین کار خود لذت میبرد و حساس آرامش می کند شاید همین تکیزه انسان او لیه را وا میداشته است تا با چوب بسکه جان تصویر های که خود از حیوانات اطرافشان کشیده بود مدبنا فتدو از اینکار خود احساس آرا مش کنند و یا یک لذت موقت بود البته این عمل باعث طرز دید دیگر در مورد این نقاشیها شد که پایه های گرایش انسان را بسوی جادو گری و استفاده از قدرت سحر انگیز نقاشی هارا تشکیل میدهد. شاید حاد نه کوچکی باعث تقویه این طرز دید گردیده باشد بدین معنی که شاید بعد از درآویختن با تصویر تصادفا همانروز شکار حیوان به آسانی میسر گردیده باشد و یا اینکه یکی از شکار چیان از کدبم خطر مرگ حتمی نجات یافته باشد و بدین ترتیب عقیده خلق گردیده که تصویر ها خاصیت جادویی دارند.

کند این حاد نه اولین ارتباط انسان از نگاه هنر با ماور الطبیعه است، در باره اینکه چگونه انسان او لیه متوجه این شد که به نقاشیهای خود تاثیرات جادوی بدهد. و نظریه مختلفی درینمورد موجود می باشد. پرو فیسور ایچ، دبلیو، جانسن استاد هنرهای زیبا در پوهنتون نیو یورک و نویسنده کتاب افسانه نقاشی عقیده دارد، که انسان اولیه همین احساسی را که در مقابل موجود زنده میداشته در برابر تصویر آن نیز حفظ کرده است. و از نگاه روانی هنوز قادر به تفکیک احساس خود، درینمورد خاص نبوده است. برقرار نظریه پرو فیسور جانسن تفکیک کار ساده نیست و حتی در جوامع امروزی نیز حوادثی نظیر آن بچشم می خورد بطور مثال بسیار واقع شده در موضوعات عشقی احساساتی، که از روی نفرت و یا حسادت سرویادختر جوانی تصویر کسی را که دیگر دوست ندارد پاره کند، بسوزاند و یا بدور بی افکندش. در حالیکه

گردد. پدیده ای که هنرمند بو جود، می آورد بریک رابطه دو جانبه استوار است، رابطه بین آنچه در اطراف او قرار دارد با آنچه در درونش، انگیزه شده و آنچه در مخیله، اوست.

خاصیت عمده ای که درین نقاشی ها به چشم می خورد اختلالات احساسی های متفاوتی چون خشم، نفرت و حتی دلچسپی برین حیوانات میباشد که بر ریالیزم قوی نقاشی آن بکار رفته سایه افکنده است، این انگیزه های متفاوت اساساتی را برای منظور، واحداث مختلف نقاشی حیوانات در دوره دوم سنگ تشکیل داد.

باساس نظریه اکثر محققین، انسان های اولیه کوشیده اند تا از تاثیرات جادویی سحر انگیز این نقاشی ها برای تسهیل در مورد شکار این حیوانات استفاده کنند، چه گمان میرود که انسان او لیه فکرمی کرده است که نقاشی ها تاثیرات سحر انگیزی دارد و از آنان باید استفاده

طبیعت را خوب آموخت باید مجادله کرد تا زنده ماند و این خاصیت در هنر انسان اولیه با قدرت هر چه تمامتر هویدا است، چه تمام نقاشی های مکتشفه ایندوره یک موزه، دارد و آنهم شکار حیواناتی چون آهو، گوزن و عموما گاو های وحشی است. ازینجا است که ما می توانیم به یکی از اساسی ترین علل پیدایش هنر بر بخوریم، شرایط محیطی مؤلف خلاقیت هنری است و هنرمند اولین برداشت خود را از شرایط محیطی اش می کند.

همچنان احساس افتخار و پیا لذتیکه انسان اولیه از شکار این حیوانات برده و یا ترسیکه در هنگام شکار دامنگیر وی گردیده انگیزه قوی دیگر را برای ترسیم این نقاشیها تشکیل میدهد. پس می بینیم که بر علاوه ضرورت اساسی عنصر او لیه در نقاشی عنصر دیگر نیز بر آن علاوه می گردد و آن عبارت است از خواسته های درونی و تصو رات هنرمند که بر حقیقت او لیه افزوده می



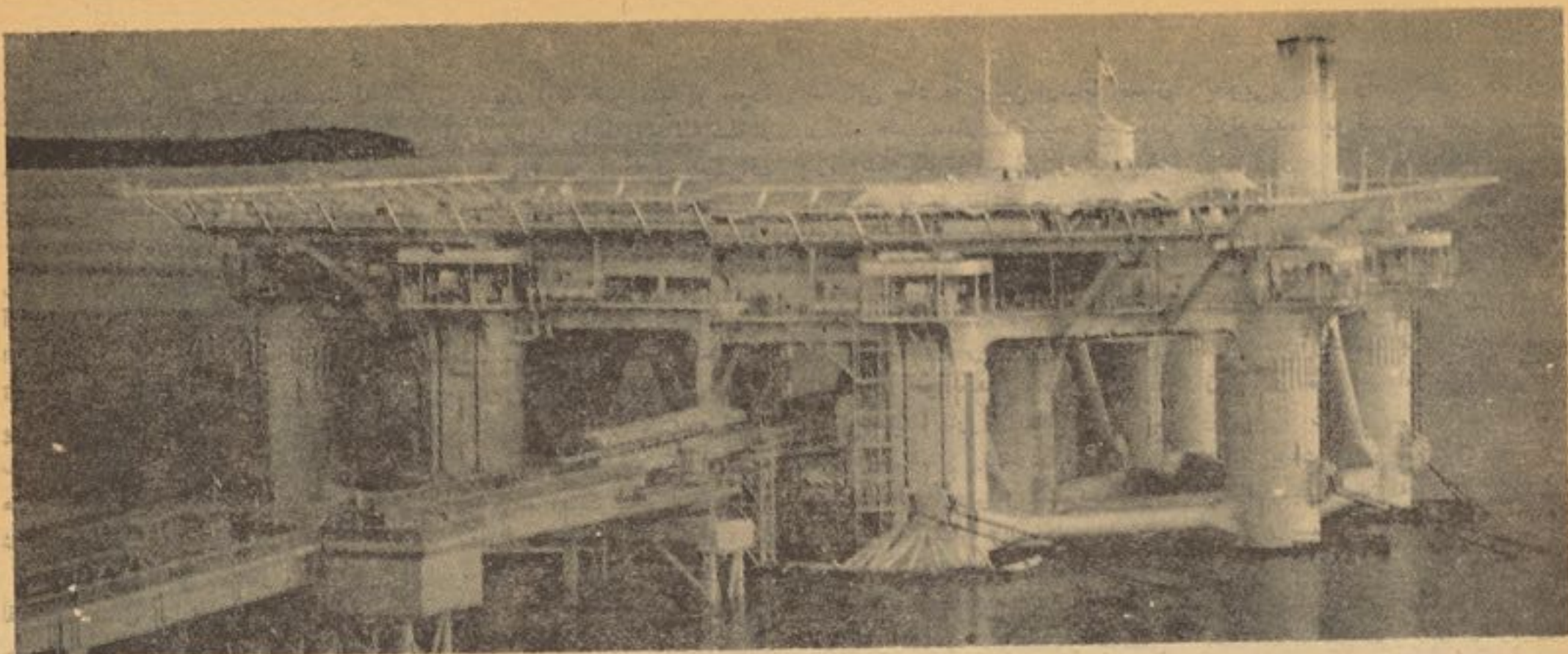
نقاشی مغاره : در حدود ۲۰۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح که در «لسکو درا دون» فرانسه کشف گردیده است. این نقاشی گله گاوها و اسب های وحشی را بایک تعداد گوزن ها در پس منظر نشان میدهد. اشکال بدون کدام انتظامی بالای هم دیگر قرار یافته اند بر علاوه یک تغییر فاحش در تناسبات یک حیوان نظر به حیوان دیگر دیده میشود. بزرگترین حیوان ترسیم شده به اندازه یک حیوان حقیقی است.



گاویکه پشتش را می لیسند: این اثر از قصبه «لامادالین» نزدیک «الی ایزیس» درون فرانسه بدست آمده که قدمت آن از ۱۵۰۰۰ الی ۱۰۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح تخمین گردیده و در موزیم ملی باستانی سنت ژرمن (فرانسه) محفوظ است این اثر که از شاخ حکاکی شده و طول آن به چار اینچ میرسد شاید توسط چاقو و یا تیغ تراش شده باشد و بیانگر وقت هنرمندما قبل تاریخ در بیکر تراشی است.



سر تر گاو : اثر بابلو پیکا سو ۱۹۳۸: بابلو پیکا سو نقاش مبتکر عصر ماشین بعد از وقت در نقاشی های ماقبل تاریخ و نقاشی های جوامع بدوی میلانی پیدا کرد تا از هنر «بر میتیف» الهام گیرد و این اثر را از هندل و زین بایسکل در سال ۱۹۳۸ بوجود آورد.



این بنای عظیم بحری اکوا پولیز نام داشته که در ساحه (۴۰) کیلومتر دیریکی از ابحار جا پان بامخارج بیش از يك مليار دالر بو سیله کیلو تاکی اعمار گردیده

زندگی انسان در دل اقیانوس ها و زیر ابحار بشر متمدن امروز در صد اعمار شهر های زیر آب است



حیوانات بحری به ذرایع مختلف رام میشوند

نامه نگاران جهانی گفت: این بنادر جاپان در چنان يك موقعیت بحری انتخاب گردیده که دورنوا حی آن بحر های بیشمار و بزرگی دیگر نیز قرار دارد طبعاً وقتی بنای عظیمی در سطح بحر ساخته میشود آب آن وفور نموده و به ارتفاعات چندین متر درروی زمین جریان پیدا میکند

ابتدا برای بشر تسخیر ماه و سایر کرات سماوی مشکل شده سرانجام بشر با فراست خسار قاعده خویش توانست فضا را تحت تسخیر خود بیاورد. اکنون بشر در صدد آنست تا شهر های زیر آب آباد کند و همه وسایل و ضروریات خود را تماماً از میان آب تهیه نماید. اینکه بشر تاجه حد به این اقدام خود موفق خواهد شد مربوط به زمان آینده است.

ورفت و آمد های قایق را نان و دریا نوردان است که با شنیده زیر آب هرگز احساسی دلتنگی و خستگی نمیکند.

درگر داگرد این بناغوا صان و دریانور دان عبور مینمایند داخل شیشه خانه ها اشاره میدهند. ماهیان، نهنگ ها و دلفین های بحر از مستقر شدن انسانها در بحر سخت در شکر فوجیرت بوده و زندگی خود را در خطر می یابند. بنظر «تاناکا» ثروتمند جاپانی و مالک این قصر بحری این امکان در انسانها موجود است که برای ادامه حیات و امرار معشیت زندگانی خود خانه های تحت البحری ساخته

«تاناکا» مرد جاپانی ثروتمند بالاخره خواست با واندیشه های دوران کودکی اش را بحقیقت پیوند داد. اکنون تاناکا روز های تعطیلش را با فامیلش یکجا در خانه های شیشه ای بزرگی که در سطح بحر در جاپان درست نموده میگذراند. این خانه درروی سطح بحر بنا و سائیلی که در مقابل آب برای قرن ها مقاومت خواهد داشت طوری ساخته شده که کشتی های مخصوص و اتوماتیک اشخاص را یکبار به سمت دره گاراج، آنجا راهنمایی میکند و همه وسایل خوراک و سایر ضروریات مورد ضرورت روز مره از بین بحر بوسیله کشتی مذکور تهیه و نذاریک میشود.

در ساختن خانه سالون این بنای زیر آب (۳۵۰) تن شیشه بکار رفته و تقریباً (۴۰) کیلو متر مربع بزرگی داشته و دارای پنجره های متعددی میباشد. ساختمان پنجره ها طوری تنظیم گردیده که چشم انداز آن موجودات قشنگ بحری



اتاق سالون «اکواپولیز» اتاقیست مجهز با مدرنترین موبل و فرنیچر که مخصوص سالونهای بحری ساخته شده



شاخه‌های نباتات وحیوانات بحری وسیع است و جو داتی چون ستاره‌های بحری، هزارپای‌های برقی و دلفین‌های بیشتر تو به بشر را بسوی بحر معطوف داشته. طبیعت فطرتا بزودی با انسان دوست می‌شود مخصوصا بحار که منابع سرشاری برای تغذیه دارند. بشر از فضا يك كيلو غذا هم یافته که توانست بهمین مقیاس در مهتاب و سایر سیارات باور نمیشود که مواد اولیه انسان آنجا پیدا شود. پس چنانسان غافل مانده و بحار را که (۷۰) فیصد سطح زمین را احتوا میکند در تحت تسخیر و سلطه خود نیاورد و انکشافش ندهد، در دل اقیانوس هاجرا الیش ممکن

این نوع با آبشارهای بلندی مجهز گردیده است و گلهای و نباتات ساحل بحارزش بنا بی اکواپولیز را دوچندان ساخته است.

جایانی‌ها میگویند اکواپولیز را منحصرتا مرکز و هسته قبول می‌نمایم زیرا تعداد کثرت نفوس بشر رو به تزاید است و عاقبت روزی بشر با مایه‌های عقیده و هم‌مفکوره خواهد شد تا خارج از برج‌های دیگری را سراغ نماند آنوقت ناگزیر بسوی بحر روی خواهد آورد تا هم‌زندگیش تا مین شود و هم‌وسایل خوراک و پوشاکش را از بحر تهیه کرده باشد. پس چرا از همین حالا بحر را بکار بندیم زیر طبیعت بزودی با انسان خونیگردد و در انسان نفوذ میکند برای فعلا در نزدیکی این بنا چندین حوض‌های بزرگ ساخته شده و غوامان در هر کجایی از بحر وقتی به خرجنگ‌ها، صدف‌ها و سایر موجودات بحری می‌رسند.

آنها را با نظر داشت نویمت آن در حوض‌های مخصوص جمع می‌کنند تا بعد از مورد طرز استفاده از آنها تصامیمی اتخاذ نمایند چنانچه تا اکنون دریکی ازین حوض‌های جدید هزار ماهی مختلف را جمع کرده‌اند. در بعضی از حوضها حیوانات کاملاً عجیبی که دارای پنجه‌ها و شاخه‌های متعدد می‌باشند آورده‌اند

و وقتی تعداد این‌ها زیاد شود آب ابحار بتدریج بلند آمده بحرهای را بهم پیوند میدهد و بشر آنوقت پس از الحاق ابحار که بدون شک چنین روزی فرا رسیدنی است برای تهیه و وسایل زندگی خود از طیاره‌ها و کشتی‌های بزرگ بحری استفاده خواهد کرد.

— با اساس نقشه کیکو تا کسی معمار جاپانی فارم‌های بحری، کلینیک‌ها، شفاخانه‌ها و غیره بر بنای اکواپولیز بوده و به اساس بلان مطروحه بایست همه خود را که هائز بحر تهیه شود.

— «اکواپولیز» اوکیناوا امروز منحصرتا یک نمونۀ برجسته موقعیتی را در بحر برای انسان تعیین کرده ولی اگر نقشه کیکو تاکی تعقیب گردد تا پنجاه سال دیگر بشر می‌تواند برای بقای حیاتش بسوی ابحار نیز روی بیاورد.

— جزیره اوکیناوا در طول قرون شاهد ماجراهایی بس عظیمی بوده ابتدا آنجا یک جزیره بزرگی بود که همواره میدان جنگ‌های خونین قرار داده میشد، این جزیره را امریکا بی‌ها بالاخره بجایانی‌ها تسلیم دادند اما امروز در مقابل این جزیره اولین مهد تمدن بحری بوسیله انسان‌ها اساس گذاشته میشود و اوکیناوا بنای بحری بنام اکسپو (۷۵) افتتاح



چشم انداز باشندگان بنای بحری موجودات کاملاً عجیب و تماشایی بحری است.

دانشنامه‌های پولیس

از لابلای دوسیه‌های جنایی تاریخ

معاشرت، پر خور دار بوده همه مردم او را محبوب و دوست می‌داشتند و خانم پسر نیز که در خانواده شریف تربیت شده بود از همه مزایای انسانیت و اخلاق نیکو بهره مند بود و او نیز با شوهرش در آن دستگاه مصروف کار میکرد.

رفته رفته مادر از وضع زندگی پسرش با خانم خود نا راضی گردید و سخن بجایی رسید که مادر پیوسته میخواست آنها منزل وی را ترک گویند و دیگر با او زندگی نداشته باشند و این مادر با مشروبات الکلی وقت خود را خوش میگذرانید و چون زیاد مشروب صرف میکرد، اکثر اوقاتش با اعصاب نا آرام و وضع غیر عادی پسر میرفت، ازینرو هر نوع قحش و ناسزا و سخنان توهین آمیز بر پسر و خانمش نثار میکرد، دوام این وضع محیط خانه را در نظر خانم پسرش چون دو زخمی ساخته بود او دیگر از ادامه وضع زندگی راضی نبود و بالاخره روزی به قصد خانه پدرش منزل را ترک

گفت و تصمیم گرفت که دیگر باز نگردد اما شوهرش در اثر اصرار و تقاضای های مکرر خویش دو باره خانمش را بخانه آورد ولی مادرش از بازگشت عروسش نا راحت گردید و رفتار خویش را سخت تر و شدیدتر از گذشته در برابر ایشان آغاز کرد.

درین وقت، دیگر مادر باندازه‌ای با مشروبات الکلی سرگرم است که تمام او قاتش در حالات غیر عادی پسر میرفت، در یکی از روزها به پسرش اخطار کرد که اگر در ظرف چند ساعت منزل و خانه او را برای دایم با خانمش ترک نکوید موضوع را بمراجع قانونی و به محاکم را جع خواهد ساخت، هنوز که ساعات معین پسر نرسیده بود پسر هنگام شب وارد اطاق مادرش میشود، ولی خلاف عادت مادرش را در یک حالت

ژوندون

ازین نوع اجراءات جزایی در روزگار قبل از انقلاب فرانسه که در اثر این قضیه فیلسوف بزرگ فرانسه «ولتر» بعنوان مبارزه برضد مقاصد قانونی و برضد فقدان عدالت در قانون جزایی قیام همه جانبه و وسیعی نمود وقوع این قضیه یکی از عوامل بزرگی بود که پیشا هنگام انقلاب فرانسه را

بعد ها و دار ساخت تا به الفای قسمت زیادی از نظام های جزایی آن وقت، مبادرت ورزند و قانون دیگری بنام قانون جزا در سال ۱۷۹۱ به منصه اجرا قرار بدهند، قانونیکه مبادی انسانیت در سراسر آن بطور بارز بشما هده میرسید.

این قانون جزا بحیث قانون ضد طفیان و خود خواهی های حکام عرض وجود نمود و روش های تعدیب و فشار و جزا های دایمی و مستمر را ملغی وانمود کرد و حریت فرد و احترام به ارزش های انسانی را در آن مؤکد ساخت.

ماجرای:

حوادث این ماجرا در شهر «سان اومیر» واقع در شمال فرانسه جنوبی در تابستان سال ۱۷۷۰ رخ داده است.

در یکی از منازل قسمت بالای دور ترین نقاط شهر خانواده‌ای بنام خانواده «مونیاپی» زیست داشت، این خانواده مرکب بود از مادری ۶۴ ساله و پسری ۲۸ ساله و عروس جوان و یک طفل کوچکش. این فامیل از محصول دستگاه دخیالتی که از مادر فامیل بوده و در دست پسرش اداره میشد، بخوبی امرار معیشت میکرد و از مدرک واردات آن زندگی آرامی داشت که حتی بسیاری از اشیاء و چیز های کار آمد را به قسم پس انداز و ذخیره نگهداری مینمود. در عین زمان مادر جبین گرفته و خویی خشن و درشتی داشت و بر خلاف پسرش و سایر اعضای فامیل از جبین گشاده و خلق خوش و حسن

قساوت و حشمت باری، جاری میکردید و جزای اعدام مرگ نیز به شکل فجیعانه و با عذاب های گوناگون عملی میشد.

از مشهور ترین مجازات بدنی و جسمی که باسناد حقوق جزایی پیش از انقلاب فرانسه معمول و مورد تطبیق بود عبارت است (از قطع کردن زبان با کارد، بریدن سر از تن بریدن بند دست، سوراخ کردن زبان با آهن داغ و سوزنده، نواختن زیاد با قمچین و شلاق، در آتشس انداختن و امثال اینها).

در قرن هجده متفکرین و فلاسفه، چون این وضع را ضد حیثیت و ارزش انسانی یافتند بایک قیام فکری، این نوع شیوه استبدادی را مورد انتقاد قرار دادند و سیاهست جزایی قابل تطبیق وقت را طرف تهاجم گرفتند و مطالبه نمودند تا مبادی انسانیت در قانون جزایی آنها گنجانیده شده و بدین ترتیب، نظام قضایی موجوده را اصلاح نمایند و نیز مطالبه کردند تا جزا های بدنی و جسمی و همه انواع عذاب و شکنجه، ملغی قرار داده شود.

این قیام فکری دانشمندان، اثر مهمی بجا گذاشت تا آنجا که حرکتی بزرگ و وسیع انسانی در تاریخ قانون جزایی آن وقت فرانسه بدنبال ایشان عرض وجود کرد و خواهان آن شد تا تغییر جزی و اساسی در اوضاع قضایی و نا گواری های ناشی از طرز اجراءات قضایی، به وجود آورده شود و مبادی انسانیت در سراسر حکم های قانونی جاگزین گردد و «ولتر» شخصیت بزرگ علمی فرانسه از آن جمله کسانی بشمار میرود که از وضع موجوده اجراءات قضایی آن وقت سخت انتقاد میکرد و عدم رضایت خویش را اظهار میداشت.

چند سطر بعد قضیه‌ای را از نظر میگذرانیم که خود شاهد خوبی است

قبل از آغاز انقلاب فرانسه، قانون جزایی آنجا بایک روحیه اغراط و قساوت، در محل تنفید و تطبیق قرار داده میشد، و این طرز اجرای قانونی در زمینه حقوق جزایی ناشی از آن بود که فکر میکردند هر اندازه که مجازات در قساوت و تختی، اجرا گردد، بهمان اندازه در تکرار جرایم تأثیر وارد نموده ساحة ارتکابات جرمی را محدود میسازد و یا جرم را از میان می برد.

زیرا وقتی مردم اینگونه مجازات را در مورد یکی مشاهده کنند دیگر جرئت نخواهند کرد تا به ارتکاب جرم مبادرت ورزند، چه ایشان میدانند که در آنصورت عین جزا در مورد آنها تطبیق خواهد گردید. در حقیقت قانون جزا در آن روزگار در میان ایشان دو هدف عمده و مهم را مورد نظر قرار میداد: نخست آنکه بانفاذ مجازات بالای مجرم او را به کیفر و جزای عملش میرساند و دوم اینکه با اجرای اینکار رعب وهراسی در دیگران می افکند تا با ملاحظه نحوه جزا از ارتکاب جرم جدا خود داری و اجتناب نمایند و طبعاً و قتی این ما مول بر آورده شود دیگر اعمال و ارتکاب جرمی از میان اجتماع رخت خواهد بست.

یکی از فلاسفه فرانسه بنام «منتجی» ازین طرز تفکر چنین تعبیر مینماید: « آنچه عدالت از ورای اجرای مجازات در نظر میگیرد، عبارت از هشدار و بر حذر داشتن دیگران از ارتکاب جرم است.

پس قانون با اجرای جزا بر شخص مجرم، تنها او را در نظر نمیگیرد بلکه هدف عمده و مهم آن، عبارت از اصلاح دیگران از طریق ارائه جزا های پر مشقت و طاقت فرسا میباشد.

روی همین طرز تفکر و به اساس این نحوه پندار، جزا ها بطور اغلب جزای بدنی و جسمی بوده و بسا

طبیعی و عادی می یابد، با او می خندد و با لطف و مهربانی حرف میزند و چندی بعد که خانم پسرش نیز وارد میشود باوی هم باقیافه کاملاً جدید و چهره خندان و گیسرا پیش می آید و در پایان صحبت او را تنها میگذارند تا بخواب رود و خود شان نیز باطاق خویش بر میگردند. فردای آن شب باز وضع غیر عادی بظهور میرسد زیرا مادر بر خلاف همیشه دروازه اطاقش هنوز بسته و سرو صدایی و جود ندارد پسرش دروازه را می گشاید و به صحنه عجیبی مقابل میشود، زیرا می بیند مادرش بگوشه ای افتاده و جراحات عمیقی در رخسار پیش بر داشته و آماس نیز در ناحیه سرش نمایان است و بحدی خون در روی خانه پاشان است که جای برای پا ماندن باقی نیست.

خانم پسر نیز وارد صحنه گردید و در دنیای حیرت و دهشت فرو رفت، بهر طرف صدا زدند مردم محل گرد آمدند و ضمناً دکتوری حاضر گردید و تحقیق نمود و در نتیجه ثابت شد که او زندگی را پدرود گفته است، ولی پسر پیوسته اصرار داشت در مورد مرگ وی تحقیق بیشتر صورت گیرد و بالاخره در پایان نظر دکتور باثبات رسید که مرگ او در اثر سکته قلبی صورت گرفته است و چون در اثر سکته بزمین سقوط کرده بی اختیار سرش بر صندوق اصابت کرده و جراحات و آماس بر داشته است. بدین ترتیب مردم همه منزل را ترک گفتند و رفتند... و اما پسر آن زن با خائمش در مورد چگونگی واقعه صحبت کردند و تبصره نمودند و در نهایت باین فکر رسیدند که در اثر خوردن مشروب زیاد او حالت عادی خود را از دست داده و این واقعه صورت گرفته است، او را دفن کردند و چندی گذشت که این موضوع بر سر زبان ها جا گرفت و تبصره هایی مختلف در باره بعمل آمد و حتی برخی سبب مرگ او را پسرش و همسر او وانمود کردند، زیرا مادرش او را مجبور ساخته بود خانه او را ترک بگوید و پسر بمنظور بدست آوردن میراث و دارایی زیاد دست باین عمل زده است.

رفته رفته این آوازه به محیط محکمه و مراجع قانونی رسید و مسئولین امور محاکم هرچه زودتر این زن و شوهر را جلب و بازداشت کردند.

تحقیق آغاز یافت و عده از اطباء نیز حاضر ساخته شدند تا در باره علت مرگ و چگونگی قضیه روشنی بیندازند. طبق نظریه اطباء، جسد مرده از قبر بیرون آورده شد و تحت تحقیق ایشان قرار گرفت در نتیجه آثاری از صدمه در بازوی آن بمشاهده رسید و مقداری خون بسته نیز در زیر جلد روی او کشف گردید و همچنان برخی از جراحات در قسمت های دیگر بدن در نظر ایشان آمد، از آنرو نظریه اطباء باین قرار گرفت که حتماً در وقوع این حادثه از آلات جارحه از قبیل کارد و غیره کارگرفته شده است.

این اطباء علاوه کردند که این اندازه جراحات و صدمه برای مرگ آن زن کافی نیست و حتماً خونریزی زیادی بوقوع پیوسته و سبب هلاک وی گردیده است و از طرف دیگر از بارز ترین دلایلی که دست داشتن این پسر و همسرش را درین واقعه قتل باثبات میرساند، خطاری است که مادرش قبل از مرگ به ایشان داده بود تا بزودی خانه او را ترک

بگویند و دیگر باوی زندگی نداشته باشند. این زن و مرد، بدفاع از خویش آغاز کردند و گفتند که در هیچ وقت و در هیچ حالتی و حتی در مواقعی هم که او با خشونت و مخالفت با ایشان پیش آمد داشت، کدام رفتار نا مناسبی در برابرش نداشته اند و همواره از احترام و بزرگداشت آنها برخوردار بوده، پس چه دلیلی در میان خواهد بود که ایشان باین اقدام دست میزدند، درحالیکه درین اواخر او از روش قبلی اش در برابر آنها صرف نظر کرده و از درسازش و خوشبینی پیش می آمد؟

زن و همسرش بدون اندک تفاوت وضد و نقیض گویی بیک سویه و یک منطق دلایلی برای اثبات برائت خویش، ارائه کردند و در عین زمان مردم شهر (سان اومیر) بطور عام در بیرون محوطه محکمه خواهان اعدام این زن و شوهر بودند و این شوهر که قبلاً در اثر داشتن اخلاق و روش نیک خود در میان اهالی آنجا محبوبیت کامل داشت و همه در هر موقع او را گرامی میداشتند، اکنون

هیچ يك از ایشان طرفدار وی نبوده و همه بصورت دشمن مشترک اعدام او را در جزای این عملش مطالبه مینمایند.

محکمه این اندازه را کافی ندید و خواست تا موضوع در حدود وسیعی مورد تحقیق و بر رسی قرار داده شود از آنرو فیصله شد تا قضیه در خلال یکسال بررسی شده و آن زن و شوهرش در آن مدت در زندان بمانند، لیکن نائب عمومی با این نظر محکمه قناعت نکرده و خواست موضوع به محکمه استیناف رجعت داده شود، بنا بران این دو متهم به محل استیناف نقل داده شدند.

محکمه استیناف پس از نظر اندازی در دوسیه قرار محکمه ابتدائیه رادر مورد دوام تحقیق فسخ نمود و دلایل موجود را در اتهام قاتل کافی دانست و حکم کُود تا در مورد پسر آن زن نخست به سوالات عادی و استثنایی پرداخته و سپس به اعدام وی اقدام نمایند، سوال عادی و استثنایی عبارت از آن نوع تحقیقی بود که آمیخته با جبر و عذاب های بقیه در صفحه ۴۵



توليدات خود بوجود بياورند و وسايط مذکور را طوری بسازند که انرژی کمتر ضرورت داشته باشد و موجب تشدید آلودگی محیط زیست نگردد.

يك دانشمند کاتادایی بنام هیمان بر سر یلانی را طرح کرده که با اساس آن با احداث يك تونل می توان بعد از یک ساعت از لندن به نیویارک رسید. وی راعیده بر اینست که با مصرف ۱۵۰ میلیون مارک آلمانی بطول ۶۰۰۰ کیلومتر و ۱۲۰۰ متر زیرآب ایتالیا می توان در يك ساعت ۲۰۰ نفر را از اروپای غرب به سواحل شرقی امریکا پیاده کرد.

شرکت دولتی ریل آلمان درصددانست که تا سال ۱۹۸۵ با مصرف ۱۲ میلیارد مارک خطوط جدید ریل را احداث نمایند که در يك ساعت ۳۰۰ کیلومتر فاصله را طی نماید. همچنان همین اکنون دانشمندان، کمپنی های وسايط نقلیه درصدد آنند تا ریل را بوسیله مگنیت برقی در فضا بحرکت بیاورند که سرعت فی ساعت ۴۰۰ کیلومتر باشد و لاری هایی را تولید نمایند که بدون درپور بحرکت آیند. در نواحی شهر هاگ سیستم کابین تاکسی (سی-آی-تی) تاسیس می گردد که دومتر از زمین بلند بوده و بوسیله کمپوتر کلیه اجزای آن تنظیم می یابد. این سیستم جدید نقلیه توسط اهل فن کنسرن دیماگ و کمپنی طیاره

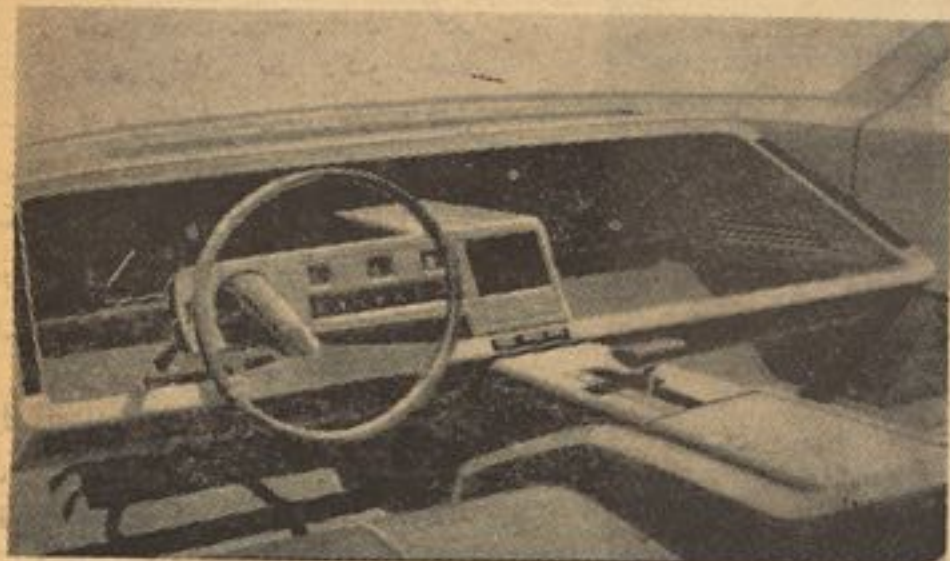


این شهر شتوتگارت آلمان است که ازدیاد نفوس و ترافیک را نشان میدهد

حبیب الله حبیب فرهنگ

آینده انقلاب

وسايط مواصلاتی



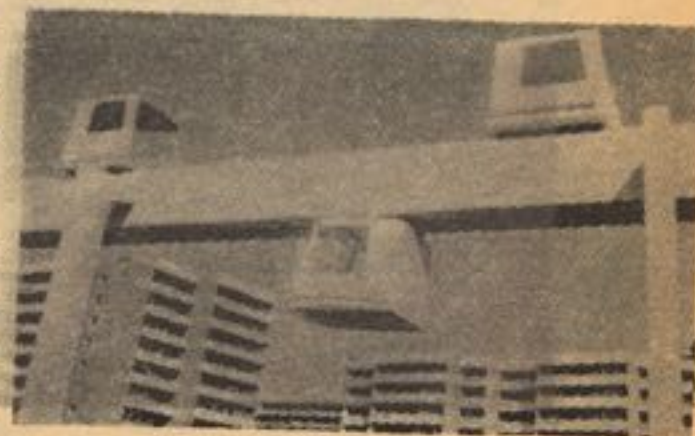
موترهائیکه با کمپوتر بسته ورهبری میگردد



وسيله مواصلاتی در جنگ اول جهانی در شهر برلین

شهر، همواره قلب تپنده جوامع انسانی، طلب فعالیت های مادی و معنوی و نمودار سطح تمدن يك ملت بوده است. انقلاب صنعتی قرن ۱۹ نخستین انقلاب شهری را بوجود آورد و شهرها بطور سریع و ناگهانی، صاحب نفوس و روزافزون شدند و دامنه وسایل ارتباطی نیز گسترش یافت. انقلاب صنعتی و الکتریکی بهر روزمان مراکز صنعتی را بادل مناطق مواد اولیه وصل نمود و آهسته آهسته تولید وسایل مواصلاتی و وسايط نقلیه رول بس ارزنده را در اقتصاد دول صنعتی، تشکیل نمود. امروز

امروز در اروپا و امریکا سعی می گردند تا صنعت وسايط نقلیه از نظرمهیت و تکامل و بتدریج وبه آرامی روبه پیشروی و توسعه برود. دانشمندان، تخنیک کاران، موسسات تحقیقاتی و کمپنی های وسايط نقلیه تلاش دارند تا هرچه زودتر تغییرات اساسی را در

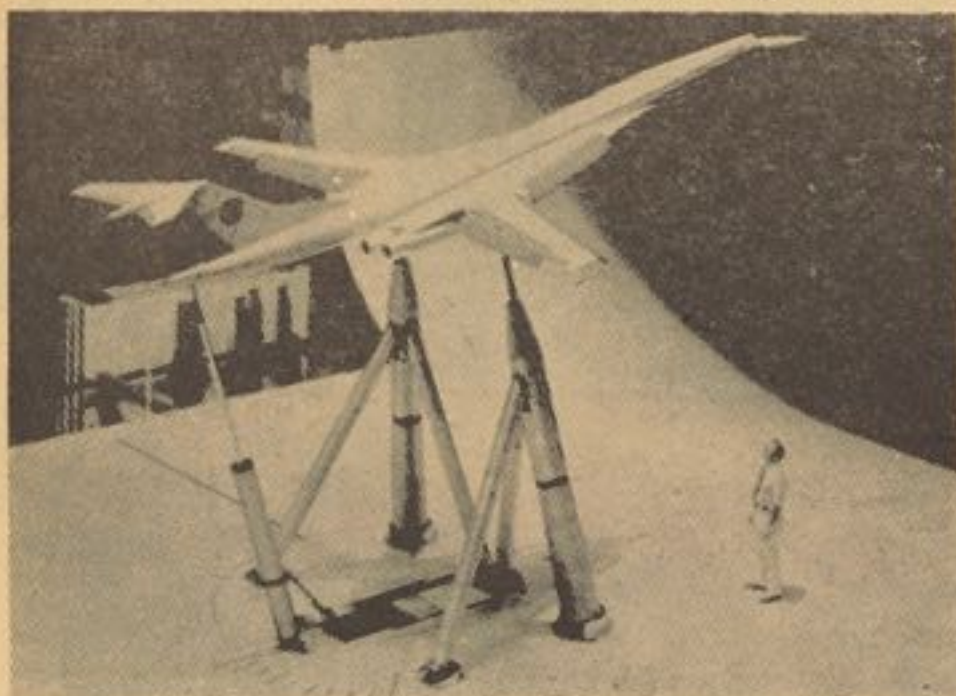


سیستم کابین تاکسی «کات»

صفحه ۲۰



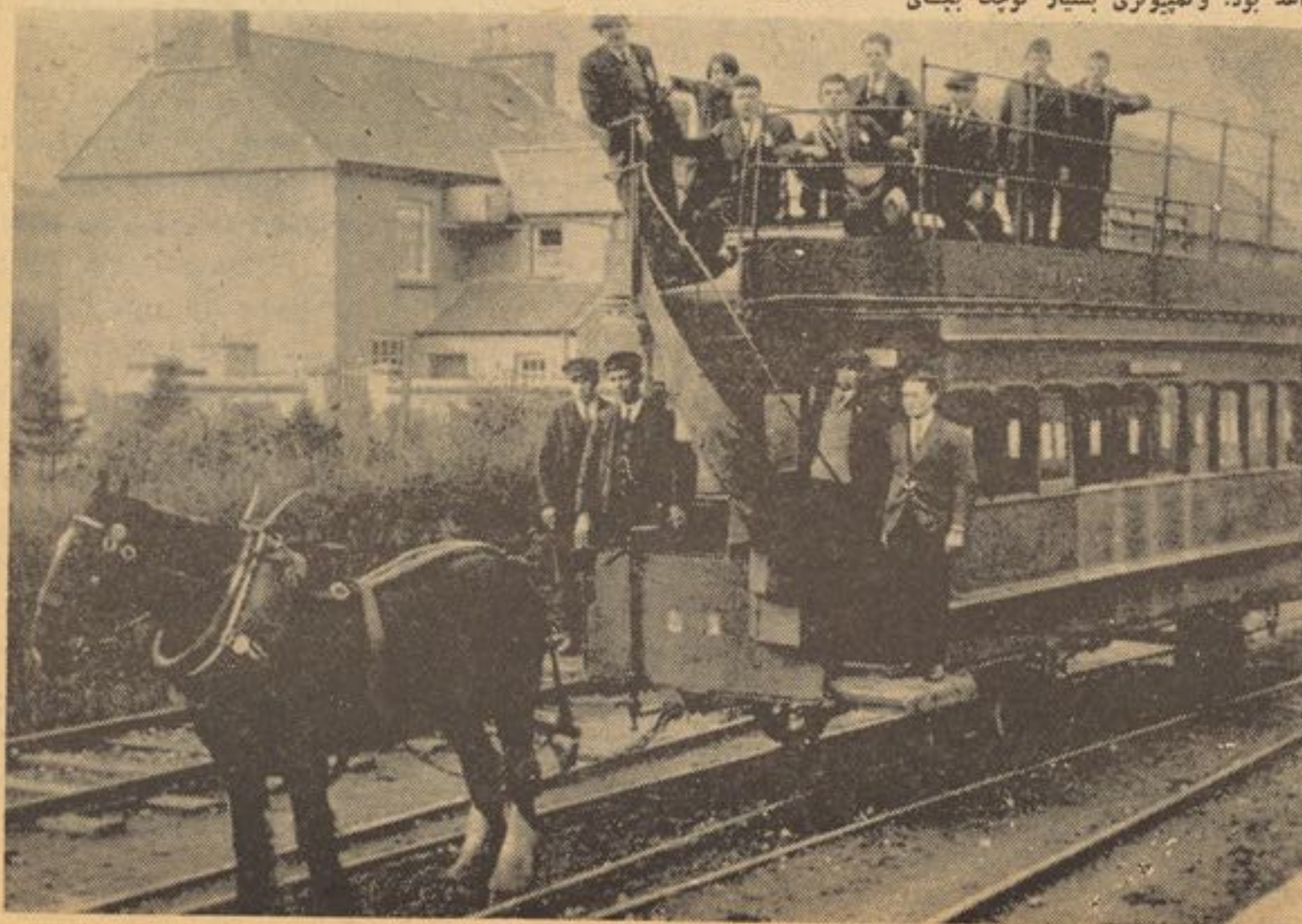
بوستکارت قرن ۱۹ که وسیله نقلیه و عنعنات آن وقت را نشان میدهد



آزمایش برای ساختمان طیارات آینده با سرعت ۶۵۰۰ کیلو متر در یک ساعت.

مغزان کار خواهد کرد. آزمایشگاه نیروی جت و انستیتوت تکنالوژی کالیفرنیا در این مطالعات جریان دارد و می توان گفت که در سال ۲۰۰۰ انقلاب عظیمی در سکتور وسایط نقلیه در جهان پدیدار خواهد گشت و سیستم کنونی ترافیک در جهان دگرگون خواهد گردید .

مغزان کار خواهد کرد. آزمایشگاه نیروی جت و انستیتوت تکنالوژی کالیفرنیا در این مطالعات جریان دارد و می توان گفت که در سال ۲۰۰۰ انقلاب عظیمی در سکتور وسایط نقلیه در جهان پدیدار خواهد گشت و سیستم کنونی ترافیک در جهان دگرگون خواهد گردید .



دهها سال پس از اختراع خط آهن ۱۸۰۷ بازم در بیلوی لوگوموتیف از اسپ نیز استفاده بعمل می آمد.



در سال ۱۸۳۳ موتوری که بقوة بخار حرکت کرد با ۴۴ نفر از لندن به بیرمنگم با سرعت ۶۵ کیلومتر در یک ساعت به حرکت پرداخت



در اطریش اولین خط آهن توسط اسپ کش میگردد.

آدم خودکاری سعی دارد که بوسیله اشعه لیزر و دودوربین تلویزیونی از قوه باصره برخوردار خواهد بود. و کمپیوتری بسیار کوچک بجای

سازی ام بی بی کمک می گردد. در جامعه صنعتی غرب بنابر موجودیت نظام پیچیده رفت و آمد، از وسایط نقلیه زیرزمینی نیز استفاده می گردد که مصارف زیاد و وقت کافی برای ساختمان آن ضرورت است. امروز بیشتر توجه به سیستم (ذیمی مترو) که یک قسمت روی زمین و بعدا زیر زمین را احتوا می کند، گردیده است. امروز در زمره صنعت ریل، ریل های سریع السیر نیز در حرکت اند که بکمترین وقت اشخاص و امته را انتقال داده می توانند.

گفته میشود که در سال ۲۰۲۵ عیسوی میدان هوایی پاریس شاهد طیارات غول پیکری خواهد بود که سرعت پرواز آن شش مرتبه بیشتر از طیارات امروزی می باشد. دانشمندان را عقیده بر آنست که سرعت طیارات مذکور در یک ساعت ۶۵۰۰ کیلومتر خواهد بود و ۳۵۰ مسافر را از پاریس بعد از سه ساعت به لاس آنجلس پیاده می کند.

در ده سال آینده، شکل و ماهیت موتور امروزی بکلی دگرگون خواهد گردید و کمپیوتر (ماشین متفکر) عمل تفکر را بوسیله پلانسی انجام خواهد داد.

سازمان فضایی امریکا (ناسا) دروازه ساختن



کمیدی

هستم و میباشم

خود را (انتوانت مرسیه) صاحب یکی از رستوران های بزرگ شهر پاریس معرفی می کند . اتفاقاً اسم خانم هوبرت نیز انتوانت مرسیه است .

انتوانت میگوید که میخواهد بایکی از همکاران رستوران خود عروسی کند . زمانیکه برای تهیه مقدمات عروسی به بلدی مراجعه میکند ، به او میگویند که قبلاً عروسی کرده است و شوهرش شخصی بنام هوبرت است و آدرس هوبرت را در اختیارش میگذارند . وحالا آمده است تا از موضوع پی ببرد . ضمناً اظهار میدارد که مدتقبل تذکره خود را گم کرده است .

در اینجا است که هوبرت می فهمد ، زنی که همراه او بنام انتوانت مرسیه ازدواج کرده بود انتوانت تقلبی بوده و انتوانت اصلی این خانم میباشد که او از تذکره این خانم استفاده نموده است .

حالا باید اول هوبرت طلاق انتوانت اصلی که اصلاً زنش نبوده بدهد تا بعد بتواند او با مرد دلخواه خود عروسی کند .

نمایشنامه در این حصه خیلی جالب میشود و تماشاچیان در حالیکه از خنده به خود میچند منتظر صحنه بعدی هستند . قیافه (کلود بلانشی) یکی از همکاران مرکز کلتوری در نقش هوبرت تماشایی است .

بقیه در صفحه ۴۵

لباس کار دینال رایک قبی سرخ بایک کلاه سرخ نسبتاً کوچک که در تالاق سر جا داده میشود تشکیل میدهد .

همین کلاه سرخ کار دینالی است که کنتس آرزوی بدست آوردن آنرا برای خواهر زاده خود ، برادر هوبرت ، در نظر دارد . همین ماجرا هست که نمایشنامه رادلچسپ تر ساخته و بیننده را منتظر واقعه بعدیکه به وقوع می پیوندد میسازد .

کنتس خانمی است نسبتاً خشن و بانضباط در قصر مجللی زندگی دارد و همیشه به نوکران خود اوامر ضد و نقیض صادر میکند . نوکرانش در تردد میمانند که چه کنند و کدام کار را باید اولتر انجام دهند .

کنتس سه نوکر دارد که یکی آن ژیزیل گنیز خاص وی میباشد . خواهر زاده کنتس هوبرت دل درگرو عشق ژیزیل می بندد ، اما از ترس نمیتواند موضوع را به کنتس حالی کند .

هوبرت خانمی نیز داشته که در همان اوایل عروسی یعنی ده سال قبل از قصر فرار میکند و اینان برای حفظ آبرو میگویند که خالسم هوبرت برای علاج مریضی که عاید حالش شده در سوئیس میباشد .

روزی خانمی وارد قصر شده و راساً در اتاقیکه هوبرت اقامت دارد داخل میشود و

منبع افزود: ماحدا کتر میگوئیم تا نمایشات دلچسپ و مفید را برگزار نماییم تا همه علاقمندان اعم از معلمین و معلمین لیسے استقلال، معلمین مرکز کلتوری فرانسه ، فرانسویان مقیم افغانستان و همه افغانانی که به زبان فرانسوی بلدیت دارند، از آن استفاده برند و ماناجاییکه سروی نموده ایم . همه دوستان را هر با علاقمندی خاصی نمایشات مارا تعقیب و مارا تشویق مینمایند .

موضوع نمایش در قصری در جنوب فرانسه میگردد . در آنجا منتظر شخصیت براننده چون کار دینال دوترامون هستند که وی جهت توقف مختصری به آنجا میاید . (کار دینال ها مربوط به طبقه روحانیون بودند که بعد از پاپ بلندترین مقام در روحانیت می باشد . کار دینال ها مشاورین و وزیرای پاپ هستند . آنها از تاریخ ۱۱۷۹ که پاپ اینوسانت سوم را انتخاب نمودند ، تا امروز تمام پاپ ها را انتخاب مینمایند . کار دینال اول از بین اسقف ها انتخاب میشوند ، بعداً توسط پاپ هابه و قلیفه کار دینالی تعیین میگرددند . در سال ۱۹۷۳ تعداد کار دینال ها در فرانسه به ۱۴۵ نفر میرسید . کار دینال دوترامون که در نمایشنامه (هستم ، میباشم) عرض وجود مینماید ، شخصیت برجسته و براننده ایست که همه به به او احترام خاصی دارند و از سخنانش سر پیچی نمیکنند .

کمیدی (هستم ، میباشم) اثر نمایشنامه نویسان مشهور فرانسه ، ر. ونسی و ژ. والمی از طرف مرکز کلتوری فرانسه در کابل روی ستیژ ادتوریم لیسے عالی استقلال به معرض نمایش قرار گرفت .

این نمایش که در سه پرده تهیه شده ، برای سه شب از طرف لیسے استقلال نمایش داده شد .

این کمیدی در حدود بیست سال قبل در شهر پاریس به رشته تحریر درآمده و درین اواخر در تلویزیون فرانسه نمایش داده شده ، که مورد توجه و علاقمندی یکمده زیاد از هنر دوستان واقع گردیده است .

یک منبع مرکز کلتوری فرانسه ضمن اظهار مطالب فوق به نامه نگار ژونون گفت : این نمایش به سلسله نمایشاتی است که از طرف این اداره ترتیب و روی ستیژ آمده . چندی قبل دودرام یکی (توپاز) و دیگری (طیبب اجباری) به همکاری متعلمین و معلمین لیسے استقلال و همکاران مرکز کلتوری فرانسه نمایش داده شده که توجه زیاد علاقمندان را جلب نمود .

درین کمیدی که به زبان فرانسوی است هشت تن از معلمین و همکاران مرکز کلتوری فرانسه نقش هایی به عهده دارند و تمرین و مشق آنان تقریباً دو ماه را دربر گرفته است .



شرایط عادلانه زیست و کار

نوشته: راحله راسخ

تکنالوژی و اهمیت نقش زن در این باره با ارائه احصائیه ها و ارقام ثابت گردیده، که زن در این ساحه نیز از مرد کمی ندارد. تعلیم و تربیت، فرهنگ مادی و معنوی فقط و فقط با همکاری و تساوی حقوق زن و مرد و در جوامع عاری از تبعیض و خرافات رشد می نماید درین باره در کنفرانس صحبت مفصل صورت گرفته د لایل منطقی ارائه گردید، خلاصه اینکه درین کنفرانس روی همه مسائل با وسعت نظر و دید وسیع نظری اندازی شده و تبادل افکار صورت گرفت که به یقین نتایج سودمندی ببار خواهد آورد.

آنچه بیشتر قابل دقت می باشد اینست که کشور های مختلف جهان درین مبارزه ضمن پرا بلسم های بین المللی با پرابلم های ملی نیز مواجه اند که برای همه کشور ها، راه های حل و اقدامات متفاوتی را می رساند.

گرچه در کشور های مترقی و عاری از تناقضات و تفاوت های اجتماعی، حقوق و امتیازات زن تامین گردیده مگر در اکثر کشور های جهان سوم این پرابلم تا هنوز وجود دارد که امید در رفع ظلم و بیعدالتی بر زنان، از اندوخته ها و تجارت زنان پیشرو و آگاه - جوامع مترقی حد اکثر استفاده برده شود، زیرا آنها در راه طی شده بقیه در صفحه ۴۷

بودند از قاره های آسیا، اروپا، امریکا، افریقا و نمایندگان ۲۲ سازمان منطقه ای و بین المللی. این کنفرانس با پیام بناغلی - بریژنیف رهبر حزبی اتحاد شوروی و بیانیه اولین زن فضا نورد جهان میرمن تراشکوا از تاریخ ۱۳ تا ۱۷ اکتوبر مطابق ۲۱ الی ۲۵ میزبان ادامه یافت.

در چهره بیانیه ها و خطابه های نمایندگان زنان پرابلم های محیطی و بین المللی زنان طرح شده که فشرده آن در اعلامیه نشر شده در ختم کنفرانس برجسته گردیده و توجه مبارزان نهضت زن را بخود جلب نموده است.

آنچه در قدم اول جلب توجه مینماید همبستگی بین المللی زنان و دختران است تا با پیوند های جهانی بر مشکلات فایق آیند و روابط ملی و بین المللی زنان استحکام هر چه بیشتر یابد.

نقش زنان در ایجاد شرایط زیست با همی و پایداری صلح گیتی و تخفیف تشنج یا (دیتانست) از موضوعات مهم دیگری بود که همه نمایندگان بنوبه خویش درین باره سخن گفتند.

در ساحه انکشاف ساینس و

و مهم بین المللی بشمار می آید که هیچ يك از کشور های جهان و موسسات ملی و بین المللی نمی توانند برین مسئله نه اندیشند.

به همین ارتباط، پیوست با مبارزه عادلانه زنان در راه تساوی حقوق حقه ایشان در طول تاریخ، صدای آزادی خواهی و عدالت پسندی زن در عقب سنگر های نبرد و پیکار، چنان جهانیان را تکان داده که همه با اعتراف از حق تلفی در مورد زن، سال ۱۹۷۵ را بنام زنان جهان تجلیل می نمایند و درین باره کنفرانس ها و پروگرام هایی ترتیب نموده و می نمایند و سعی و تلاشها پیگیر برای آنست تا زنان از زنجیر های حسارت نجات یابند و به حیث عضو متساوی الحقوق جا معه با مردان زندگی کنند از جمله کنفرانسهای

عمده بین المللی که در شهر های مکزیکو برلین، واشنگتن، بلغاریا و غیره دایر گردیده یکی هم کنفرانس منعقد ماسکو است که بشمول نماینده جمهورییت افغانستان (۱۱۲) کشور در ترتیب و تنظیم این کنفرانس بین المللی شرکت ورزیده بودند نمایندگان (۱۱۲) کشور مشتمل

سیر درنگ ناپزیر و پویان پیشرفت و ترقی، در عرصه های مختلف زندگی اجتماعات بشری دارای چنان ممیزات و مشخصات نیست که با همه خاص بودن و مشخص بودن از نگاه شرایط زندگانی اجتماعی کشور های دور و نزدیک، تأثیرات بین المللی را با خویش دارد، مطلب اینکه در جهان کنونی يك سلسله مطالب مورد غور و بررسی قرار میگیرد و موضوعات دیگری در پهنای زیست انسانی مطرح میشود که در باره تصمیم و اقدامات بین المللی می تواند اثر بخش باشد و پس، از جمله اهم مسائل جنگ و صلح، روابط بین المللی، مبارزه علیه استعمار و استثمار، تبعیض نژادی و مساله اثری در این سال ها در سر لوحه فعالیت های قرار گرفته که فقط فعالیت های بین المللی گره گشای مشکلات به حساب می آید که در ردیف همه پرابلم ها، ایجاد شرایط عادلانه (زیست و کار) برای زنان با مردان نیز شامل می باشد.

مسئله زن، از جمله مسائل مبهم

پنځمه برخه

دالف، الف ژباړه

خو چه خس ټول کرو

چه خنګه کليوال وروسته تردی چه مجبور کړی شول چه له کلی څخه ووځی نود رمله خوانه یی مخ کړه. خو وروسته یالو ته را وگرځول شول، خو کله چه هغوی یالو ته نژدی رسیدلی وویوه عالیرتبه منصبدار ورته وویل چاره نشته، ستاسو کلی محکوم شویدی.

عمواس هم څه بڼه چانس نه درلود، لکه چه طالع محمد کاظم ویلی دی دسپار به څلور نیمو بجو، اسرا- ییلی یونټونه کلی ته راغلل اسرا- ییلی فوخیان کورو ته ننوتل او خلک یی یو به بل بسی اړایستل چه دخوب له کالیو سره دکلی مرکز ته ولاړشی او هغوی چه خپل کورونه پر یښودل به تیره بیاسپین پیری او سپین سری او وروسته پاتی خلک، بی له خنده چارماری شول.

بیت نوبه دریم کلی وچه دمحکومو- شویو کلیو په کتار کی راغی او په همدی توګه وران او نشته شو. دغه واقعیتونه او ډیر نور دغو سرګند- شتو ته ورته پیښی دښاغلی هایکوک له خوا چه دملګرو ملتو دکار او مرستو داداری یو انگریزی نایب رئیس دی تایید شویدی.

هغه پخپلو مشاهداتو او کتنو کی لیکي، «وروسته تر جنګی عملیا تو یالو، قلقیلیه، عمواس، بیت نوبه، بیت اوا، بیت مرثیه، یابه بشپړه توګه او یاد هغوی ځینی پر خسی وران او نشته شوی. هغه بیت اوا، او بیت- مرثیه پخپله لیدلی چه په بشپړه توګه ددنامیت په وسیله وران شول دغه دوه ستر کلی نه وو ددری سوه کورنیو په دودو کی یی په همدغه کلی کی ژوند کاوه. نوموړی قلقیلیه هم لیدلی دی چه پوستر کلی او دولس زره تنه پکی اوسیدل. پدی کلی کی کم له کمه شپیتو او اویا کورونو ته ور- خیرمه وران شوی و. دیو شمیر کلی خلک یی لیدلی چه د خپلو کلو اوکو- رونو څخه آواره او شړل شویدی.

دغه خلک مجبور وو چه بی لږی چه پوه شی چیری څی، وڅو خپری او خپل کلی او کورونه پریردی.

ښاغلی هایکوک خبر ورکوی چه په موند اسکو پوس کی دملګرو ملتو دکار ددفتر مرکزی اداری هم دجګړی په اوږدو کی تاوانی شوی او بیا ورو- سته داسرا ییلی فوځ له خوا ونیولی شوی، دملګرو ملتو دبیرغ با وجود چه دمانی دپاسه ریښه، مامورین مجبور

ووچه دخپل کار کوتی پر یی دی او دتخنیکي ښوونځی ټولګیو ته شاتګ وکړی. ددغی اداری مامورینو دخپلو اعتراضاتو سره سره ونشوه کولی چه تر یوی نیمی میاشتی لایه زیا ته موده کښی په مونت اسکو پو سس کی خپل دفترونه بیرته ونیسی. په همدی مود کی دغسه ادا ری لوټ شوی، ښا غلی- هایکوک تاکید کوی چه د ودانی ټول ښمته سامان، دتایپ له ماشینو څخه نیولی تر کوچ او چو کیو او هډ- پرېښنا تر کړو پونو لوټ شوی او غلا شوی وو. اسرائیلی فو ځیا نو دغه شیان په خپلو لاری مو ترو نو لی وړی و. هایکوک پخپله هغه لاری لیدلی وی چه غلا شوی سامان یی لوټ کړی وو او جلاوه یی او کله چه مامورین بیرته خپلو دفترونو ته راغلل سر بیرته به ښا غلی هایکوک ښا غلی سا یح وای چه اسرا- ییلیان لیدلی و چه پاتی مالونه چه ل ښل قلمونو څخه عبارت و، غلا نوی. هغوی پولیسو ته خبر ورکړ، خو چه غله ونیسی او پو لیسو یوازی ډبر بی اهیته سامان له غلو څخه- اخیستلی شو.

... «خو ورځی وروسته داور شلیپ- نر نیولو اسرائیلیانو یوه ودانی چه د پونیم هکتار څمکه باندی ودانه وه، بولدو زرو په وسیله ورانه کړه او دغه ودانی په داسی سیمه کښی، وشوچه ډیره زیاته انسانی ګڼه ګڼه پکښی وه. دهغی سیمی دخلکو شمیر چه ورانه شوه له پنځه سوه څخه تر دوه زرو تنو پوری وو هغوی مجبور و، چه خپله سیمه پریردی اولالپانده او نواره شی او هغه کلی ته ولاړ شی، چه داور شلیپ به بل اړخ هیڅ- غبودی» کی پروت دی.

ښاغلی هایکوک وایی ... هغوی (د سیمی اوسیدو نکي) ته واخی- لوه کړی وخت ورکړی شوی وو چه خپل کورونه پریردی نو پدی اساس هغوی ته بیخی ناممکنه وه چه دخپل کور سامان او لوښی له خانه سرر یوسی.

... اسرا ییلی فوخیان په بیلو بیلو پلمو سره او پدی بله چه وسله لټوی دتفتیش د عملیاتو لپاره نوموړی سیمی (لویدیځ ساحل کمپو نو ته) ولاړل هغوی د «جریش» کمپ چه پنځه شپيته زره آواره ګان پکی وو بیخی تش کړ. دجریش به کمپ کی هغه بمباری چه دی کمپ په شاو-

خوا سیمو کی وشوه، دجریش- هستو ګڼ یی تر دری ورځو پوری په ویره او وحشت کی سبا تللی وو. دایوازی هغه څو نمونی وی چه اسرا ییلی پر غلګرو له خوا تر- سره شوی دی خو ورائی او پر غل لاتر اوسه په عربی سیمو کی دوام لری. دجز ییانو مفصله څیړنه- د بمباری شوو سیمو، په بو لدو زرو دورانو شوو کلیو په عکله دو مره ژرامکان نه لری. خود «صلحول قبیلی السموغ، عبسان، بیت فجار، بیت- حانون او نورو عربی سیمو ورا نی په ناپلوس، بیت اللحم الخلیل، ابریه چنین او غزه کی د عربی سیمو ورائی کولی شی چه ډیری وران کاری ثابتی کړی اودا عملیه تر اوسه پوری دوام لری او عربی سیمی ورځ په ورځ په ورائی او ترولو محکومی دی پدی عکله سری کولی شی یادونه وکړی چه د ۱۹۶۹ کال دجو لای تر لسمی نیټی پوری اوه زره یوسل او څلویښت دهستو ګڼی کورونه چه په عربانو پوری یی اړه درلوده ورا ن شوی وو خو سره لدی هم ورا نی او نشته کول په شخصی یا عمومی دنیوی تاسیساتو پوری منحصر وو سپیڅلی اومقدس ځایونه که په مسلما نا نو پوری یی اړه درلوده که په عیسویانو پوری په وحشت بارو نکي توګه وران شویدی که څه هم چه دژنیو مقاوله لیک بی له هیڅ ابهام څخه دمد عبی مراسمو دترسره کولو آزادی تضمین کوی خو لدی واقعیت سره سره دغسی مقدس ځایونه چه د لر غونی معماری ډیر ارزښتنا که آثار دی او په ټوله نړی کی ساری نلری ورا ن شویدی. دغه سیمی اصلا دژنیو د مقاوله لیک په خلاف چه ددغو ودانیو لپاره باید تضمین وی، ورا نی شویدی اود اسرائیلی فو ځیانو او یرغلګرو یو ټیو ټوله خوا یی څه خیال ندی ساتل شوی اود مد عبی ساتل شوی اود مد عبی مراسمو آزادی هم له خلکو څخه سلب شوی ده.

ښاغلی نعمة السمعان چه د عمان دکا تولیکی کلیسا اسقف، به څرګند کتنو کی چه لیرل شوی هیات ته یی کیسه کړیده ویلی دی چه مد عبی ځایونو به تیره بیاد «سنت آن» کلیسا ته سخت تاوان پیښ شوی دی. (پدی لړ کی هغه څه چه ډیر اهمیت لری هغه داقصی دجو مات سو زول دی چه صهیو نیستانو له خوا په ډیره



دول فعالانه گډون يې په دښمنيو کي ندی لرلی، هغه وسله وال قو تو نه چه خپله وسله يې پر خمکي ايشی وی، او هغوی چه ناروغی، آبی، کیدو او یا توقیف په وجه دجگړی له ډگره وتلی دی. . . . نشی رتلی کیدی. د شخص پر وجود تیری او قتل په هر وسیله چه وی او شکنجه او یساد غړو پری کول او غورخول، منع دی. خود لویدیځی ایشیا پدی دمو. کراتیکه سیمه کی له دغو بین المللی مقابلو او غړو فونو سره دغسی لوبی کیری چه نمونی یې مو پ تاسو ته لیکلی. دهر ا پولیس اسقف ښا غلی اگردیو دو روس پخپله دوه سیمو واجر موزیم اوبالی ذکرې ته ولاړ

نوریا

وی لیدل چه کوربی لوټ شویدی په داسی هیواد کی چه خپل مری په هماغه ورځ خښوی، دسلیمان مقل مری یې دری ورځی وساته اودغه مری دری ورځی په باغ کی پروت وو بیانو دانکلیکانو دسراسف دمداخلی په وجه اجازه ورکړی شوه چه مری خاورو ته وسپاری.

اسرا نیلی مقاماتو د هغو کسا نو د پیدا کولو لپاره هڅو څه اقدام ونه کړ چه دغه جنایت یې کړی و رپورند زیاتوی دایوزی دزر گو نو نو نمو څخه یوه نمونه وه چه د عربی خلک وویری. او هغوی دخپلو سیمو بریسودونه ارباسی دلته پکار ده چه دژنیو دمقوله لیک هغه ماده رانقل کړو چه وایی: «هغه کسان چه هیڅ

درلود. هغه د حضرت عیسی (ع) د مقبری متولی وهغه پدی مقبره کی له خپلی ښځی اویوی آلمانی پیغلی سره ژوند کاوه لس ورځی وروسته تر جگړی دهغه ښځه دریورند شفیق فاروق کورته په عمان کی پناه یوړه فاروق پوښتنه ترینه وکړه چه میړه دی چیری دی؟ خواب یې ورکړ چه هغه دجهودانو له خوا ووژل شو. او پیښه داسی وه. یوه ورځ وروسته تردی چه اورشلیم داسرا نیلی فوځ له خوا ونیول شو، دباغ دروازه. وټکول شوه. سلیمان مقل ور خلاص کړ هغوی یې لدی څنډه ډزی پر ورکړی او هغه یې له ښو وغورځاوه او بیا یې دمقبری په خوا ډزی ورکړی او بیا وروسته دمقل ښځی دخپل میړه جسد دباغ خواته پیدا کړ دلا س ساعت، قلم او هغه ایسی چه له هغه سره وی دسرا نیلی سپا یانو له خوا لوټ شوی و. او بیا ښځو له سپایانو څخه وغوښتل چه د جسد دپاره د خښیدو اود مذهبی مراسمو دسر سره کیدو اجازه ورکړی شی او سپایانو دهغوی غو ښتنه رد کړه. وایایی دواړه ښځی دصومعی خواته خیرمه بوتلی، هلته یې ډیری عربی کورنی مجبوری کړی وی چه دواټ په اوږدو کی لمر ته کښینی کله چه دغه دوه ښځی یې هلته خو شی کړی نو بیا راغلل اود هغوی کوربی لوټ کړ او چه هغوی بیرته خپل کورته راغلل

بی رحمی اوقساوت سره وشو. د اقصی جو مات دمسلمانانو لومړی کعبه بلل کیری) دسنت آن دکلیسا لرغو نوالی دصلیبی جگړو وخت ته رسیږی اودا د فلسطین یوه لرغونی ودانی وه ښاغلی نعمت السمعان وایی خو ورځی وروسته تر جگړی چه اسرا نیلیانو وغوښتل خپل ټانکونه دلرغونی ښار منځ ته بوځی، یوه سیمه په بشپړ توگه بمباری شوه او پدی توگه کلیساته پریمانه تاوان ورسید دغه کلیسا دیبا سمو ن او جوړښت وړنده.

ښاغلی عبدالحمید السایح ده. د اردن دمذهبی چارو او اوقافو وزیر وایی چه وروسته تراشغاله، د عمر جومات پردروازه باندی ډزی وشوی د ډزی دتوپ ډزی وی، اوداجو مات په بشپړه توگه وړان شو. دغه دروازه په خپله یوه منحصره بفرده دروازه ده د عمر جومات یوه مناره، هم په توپ باندی وویشته شوه دغو بمبار یود عمر اوراک جو ماتو نو ته ډیر سخت تاوان پیښی کړ. (۱۹۶۹) کال داگست په بمباریو کی ددغه جومات یوه برخه چه په ۶۹۱ میلادی کی ودان شوی دی، وړانه شوه. داسلامی تعمیر یو شا هکار دی دغه جومات ته اور ورته کړی شو. ددغه جومات په سوز ولو تومنی سړی په یوه مصنوعي محکمه کی محاکمه کړی شو خو بیا فیصله وشوه چه هغه کوم روحی مرض لری او په دی توگه ددغی کومیدی ته ورته محاکمی ښه قضیه پای ته ورسوله شوی).

ښاغلی سایح وایی چه اسرائیلی نیلی فوخیان او ښځی پدغو مقدسو ځایونو کی څر گندیدل او هلته یې شراب خښل، سگرت یې څکول، او غیر په غیر به گرځیدل او په دی توگه یې د مقدسو ځایونو سپکاوی اوتوهین کاوه هغه وایی چه اسرا نیلی فوخیانو، مسلمانان نه پرېښودل چه د صیرون جومات ته ولاړ شی او مذهبی مراسم او لمونځ پکی ادا کاندی. مسلمانان به پت پت په جومات نه تلل خو اسرا نیلیانو پدغه جومات کښی چه ۱۳۰۰ کاله دمخه جوړ شویدی دخپل واده مراسم جوړ ول تردی لاشنیه او کر کچنه پیښه هغه پیښه ده چه رپورند شفیق فاروق چه د اردن، سوری، او لبنان داسف نشینو کلیسا گانو دشورا اجرا یی منشی یې تشریح کوی هغه وایی: په اورشلیم کی یوسړی وچه په سر ښندنه او ایمان کی یې ډیر شهرت



اسپانیا، کشور یکه‌اکنون در آن بی‌نظمی داخلی حکم فرماست

سرزمین کاشفین بزرگ جغرافیا - مرکز بیاترین رقصهای جهان

وطن اصلی سیپورت معروف گاوبازی

سان باستیا یکی از شهرهای قشتال و بندر تاریخی اسپانیا بوده اکثر باسکو هادر آن سکونت دارند که خود را قدیمتر یسن مسکونین جزیره نمای ابریک میدانند آنها اقوام دلیر و شجاع بوده دایما حکومت اسپانیا بایشان دچار مشکلات بوده و شدیداً تحت مراقبت امنیه میباشند و این پروبلیمست که تاحال واضح نشده است که باسکوها اصلاً

اساسی زده است و امروز اسپانیا دارنده پنج پارک ملی بزرگ میباشد که اکثر در قسمت شمال کشور تجمع یافته اند و جمعا ۴۴۴ کیلو متر مربع را احتوا میکند و این امر سبب شده به تعداد توریست ها بدخل اسپانیا بیافزاید در حال حاضر اسپانیا مقام دوم را از رهگذر تعداد توریست های خارجی حایز است که سالانه به ۱۸ میلیون سیاح بالغ میگردد .

گردش ترک میکنند دایما کنار بارها، رستوران ها، پارکینگ ها و غیره جمع و گردش میکنند ولی کوه ها و تپه های قشتال گرد و نواحی شهر ها میتواندست بهترین محل تفریحگاه اهالی شهر نشین بشود . از همین سبب دولت اسپانیا به تعمیر عمارات در داخل جنگل ها و بوجود آوردن پارکهای ملی، پارکهای محلی جبل های مصنوعی و غیره دست بافادهات

همه میدانیم که اسپانیا در رقص و موسیقی خود خیلی معروف و زبانزد عام و خاص اند بر علاوه در عید مذکور دروادیهای سرسبز کوه ها به انواع بازیها از قبیل دوش بر قلل کوه ها، اسپ دوانی و نیزه بازی که از بازیها و سرگرمی های این عید میباشد می پردازند در عین زمان کنار جبل در روز مذکور مقدار زیادی از شربت و واین سبب بمصرف میرسد که در تمام اسپانیا بی مانند است. در دهات استوری اساسات عنعنوی زراعتی و اقتصادی تا امروز به است اولیه آن حفظ شده است که مهمترین و معروفترین آن پوست و خلال جوار است که بنام (اوسگویاز) یاد میشود و هر شام بالتوبه جوانان در منازل همسایگان جمع و خلال جوار را با سارق و موسیقی اجرا میدارند درختم کار بنوشیدن واین سبب، خوردن جارمقز و سایر میوهجات میپردازند لذایشترا عنعنات ملی نسبت به سراسر اسپانیا در استوریا حفظ و جمع شده است . استوریا دارای اقلیم خوشگوار و مناظر زیبای طبیعی بوده توریست ها اکثر در همین محل جهت استراحت می آیند .

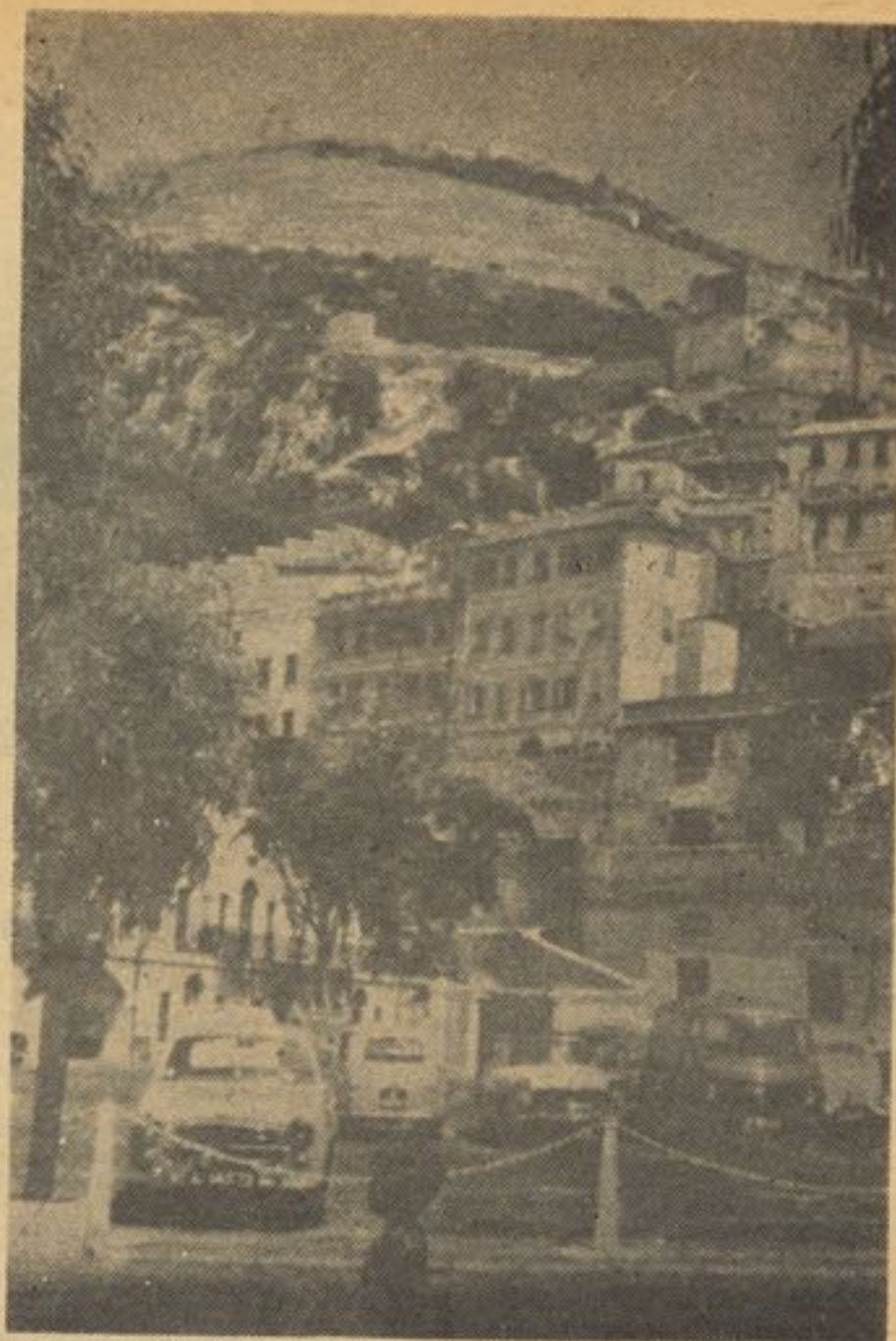
چندین سال قبل اسپانیا از رهگذر حفاظت منابع طبیعی کدام پروبلیم نداشت تنها توجه بصنایع بود ولی در سالهای ۶۰ تغییرات بزرگی در حیات اجتماعی و اقتصادی اسپانیا رونما گردید یکی از این پروبلیم ها مانند سایر کشور های انکشاف یافته حفاظت و بهره برداری از منابع طبیعی میباشد که دولت اسپانیا درین اواخر متوجه آن شده است هزاران نفر از اهالی مادرید که روز یکشنبه شهر را با موتور های خویش جهت تفریح و



ژوندون

شکل (فلا) را بخود گرفت در این عید رقص و خوشی سراسر شهر را فرا گرفته و تعداد هنریشان در حدود ۳۰ هزار نفر میرسد. فلا شکلی میباید که از چوب و کارتن ساخته میشود که مهارت آرتستی آنجا را نشان میدهد هر شکل از خود استاد مخصوص دارد، تا آنرا بسازد طرز ساختمان این مجسمه غول بیکر ابتدا از کج ریخته شده در روی آن کارتن سرش میشود سپس مودل مذکور را در چوب نصب میکنند چنانچه سال گذشته در مجسمه مذکور ۸۰ تن چوب، ۲۵ تن کارتن و ۵ تن سرش و ۳۰ تن میچ بکار رفته بود که قیمت مجموعی آن بیک صد و سی میلیون است. تمام شده بود. برای این کار هیئتی مرکب از نجاران، کارگران، دکانداران و اهل کسبه تشکیل گردیده تعداد آنها به ۲۲۰ عضو رسیده بود. بودجه این مراسم از اعانه ولا تریها تهیه می گردد بر علاوه در عید مذکور اطفال نیز اشتراک می ورزند. هیات مکتب و کودکانی از خود دارند تا اطفال کارگران و اعضای کمیته در آنجا تربیه شوند. عید شام ۱۳ مارچ افتتاح میگردد که در حقیقت کابره جاده هام محسوب میشود در روز آینده مجسمه فلا را جاده هایکه عمومی و مرکزیت داشته باشد و بر علاوه در تمام میدان و چهارراهی هانصب میگردد. حرکت وسایل نقلیه در جاده های که تنگ و هجوم مردم زیاد است منع قرار داده میشود اگر سیاحی از بی اطلاعی موثر خود را در گوشه ای از جاده هاپارکینگ کند احتمال ندارد تا یک هفته از موثر خود استفاده کند.

عید آنرا می سوزانند این رسم از قرن ۱۷ در اسپانیا شروع گردیده است در قرن ۱۹ (نیز) از کدام قوم ریشه گرفته اند در ادبیات راجع باین مردم نظریات مختلفی وجود دارد بعضی هایگویند که این قوم از اسرار ائلاتیک است همبولت علاوه میکند که این قوم از طایفه ابرام اندر خالیکه عده ای عقیده دارند که باسکوها از اقوام اروپایی و از نژادهندواروپایی میباشند و بیشتر زبان شانرا بزبان قفقازی مناسب میدهند. آنها دارای ساختمان جسمانی علیحده ای بوده قد بلند، موهای خرمایی و چشمان آبی میباشند و اساترین طریقه ستاسایی این اقوام کلاه بیری است که همه آنها بسر دارند و هنگام ورود در کافه و بار کلاه را از سر نبرداشته و اینها سیگاری بکنج لب دارند که از خصایص این مردم محسوب میشود تعداد آنها به ۸۰۰ هزار رسیده که ۲۵۰ هزار آن در امریکا و بیشتر در اروگوای، آرژانتاین، مکزیک و اوضاع متحده بسر میبرند. فلاسم یکی از اعیاد برجسته و مشهور اسپانیاست که صرف دوشهر تاریخی والنسیا برگزار و بجدل میشود این عید از ۱۳-۱۹ مارچ ادامه میداشته باشد. شهر والنسیا بشمول نجاران از عید مذکور استقبال گرمی می نمایند. هنگام بهار نجاران دکانین خود را پاک و پارچه های چوب را که سال تمام در دکانین شان انبار شده میسوزانند. نجار از چوب مجسمه بزرگ (نیز) را ساخته در روز



گوشه ای از مناظر زیبای اسپانیا

در شب ۱۹ و صبح ۲۰ مارچ در میدان مذکور نیم میلیون جمعیت والنسیا و بر علاوه مهاجران زیادی از تمام اسپانیا درین شهر جمع شده بودند کمره ی تلویزیون، عکاسان و نامه نگاران داخلی و خارجی نیز در میدان مذکور جهت جمع آوری راپور تاز دلچسپ آن مطالب جالبی برای خویش بدست می آوردند. پولیس و امنیه فوق العاده داخل فعالیت بوده آرامش و نظم را برقرار میکردند در این عید تعداد تصادمات زیاد بوده و امبولانس مسلسلًا مجروحین را بشفاخانه نقل میدهند. در شب مذکور بر علاوه ای آتش بازی و اجرای مراسم عید پروگرام دیگری نیز اجر میگردد که عبارت از انتخاب ملکه زیبایی است قسمیه بقیه در صفحه ۳۸

روز ۱۹ مارچ مهمترین روز این عید محسوب میشود. عید آنرا می سوزانند این رسم از قرن ۱۷ در اسپانیا شروع گردیده است در قرن ۱۹ (نیز) از کدام قوم ریشه گرفته اند در ادبیات راجع باین مردم نظریات مختلفی وجود دارد بعضی هایگویند که این قوم از اسرار ائلاتیک است همبولت علاوه میکند که این قوم از طایفه ابرام اندر خالیکه عده ای عقیده دارند که باسکوها از اقوام اروپایی و از نژادهندواروپایی میباشند و بیشتر زبان شانرا بزبان قفقازی مناسب میدهند. آنها دارای ساختمان جسمانی علیحده ای بوده قد بلند، موهای خرمایی و چشمان آبی میباشند و اساترین طریقه ستاسایی این اقوام کلاه بیری است که همه آنها بسر دارند و هنگام ورود در کافه و بار کلاه را از سر نبرداشته و اینها سیگاری بکنج لب دارند که از خصایص این مردم محسوب میشود تعداد آنها به ۸۰۰ هزار رسیده که ۲۵۰ هزار آن در امریکا و بیشتر در اروگوای، آرژانتاین، مکزیک و اوضاع متحده بسر میبرند. فلاسم یکی از اعیاد برجسته و مشهور اسپانیاست که صرف دوشهر تاریخی والنسیا برگزار و بجدل میشود این عید از ۱۳-۱۹ مارچ ادامه میداشته باشد. شهر والنسیا بشمول نجاران از عید مذکور استقبال گرمی می نمایند. هنگام بهار نجاران دکانین خود را پاک و پارچه های چوب را که سال تمام در دکانین شان انبار شده میسوزانند. نجار از چوب مجسمه بزرگ (نیز) را ساخته در روز



محتوای روغن سرخ کنید و سپس با باد نچسان رومی ای که از ماشین کشیده اید یکجا بالای گوشت اضافه کنید . و بگذارید بجوشد و نرم گردد. چلو را جداگانه دم کرده و یکجا با آن سرو نمائید .

کدوی درسته یاشکم پر

پختن کدوی شکم پراگرچه کمی مشکلی است و تا اندازه وقت لازم دارد اما آنقدر ظاهر جالب و گیرا دارد که به سفره رنگینی خاص میبخشد . البته در تهیه این غذا کدو حتما باید گرد باشد .

مواد لازم برای هشت نفر :

یک کدوی چار کیلویی - یک عدد نان دبل سیلو، نیم کیلو گوشت سرخی گاو یا گوساله نیم کیلو باد نچان رومی، دودعد پیاز بزرگ مقداری روغن یا مسکه تازه، کمی شیر، نمک و مرچ سرخ و سیاه .

طرز تهیه :

پیاز را نازک خرد کرده در روغن داغ بریان کنید، گوشت ماشین شده را با نمک و کمی مرچ با آن اضافه کرده بگذارید سرخ شود سپس با دنان رومی ماشین شده را نیز به آن علاوه کنید تا خوب بریان شود .

سرکدو را بدقت ببرید تا نشکند، تخم هاو الیاف داخل کدو را کاملاً خارج کنید . برش های نان دبل را که پوست کرده اید به قطعات خرد ببرید داخل شکم کدو را به ترتیب بایک ورقه ازین نان، یک ورقه کوفته پخته شده و مرچ و نمک بپوشانید و شیر و مسکه تازه را بالای آن ریخته کلاه آنرا (سربریده شده

کدو) به سرش بگذارید . اطراف کدو را با کاغذ آلومینیومی ویا اگر نباشد باخمیر پوشانیده مدت دو ساعت در داش قرار دهید. وقتی پخته شد گوشت کدو را بایک قاشق از پوست جدا کرده باقیه محتویات داخل کدو مخلوط کنید.



ژوندون

بخش آشپزی

درین هفته طرز تهیه دپونخ دیگر کدو را بشما تقدیم میکنیم تا از مواد مفید و مقوی آن معاد بیشتر برید .

کدو باچلو

مواد لازم برای چار نفر :

یک کیلو کدو، نیم کیلو گوشت گوسفند ، نیم کیلو پیاز، نیم کیلو باد نچان رومی، مرچ نمک و روغن بقدر ضرورت .

طرز تهیه :

پیاز را ریزه کرده در روغن داغ سرخ کنید، گوشت را که به پارچه های خرد خورده بریده اید با آن بیافزاید و بعد از کمی سرخ شدن در آن آب اضافه کرده بگذارید نیم پز شود. بعد کدو را که پوست گرفته و خورده شده اید در ظرفی

وخم و ناگواری بارمی آورد چنانچه بسیار اتفاق افتاده که طرف . از شنیدن یک خبر ناهنجار دروغی دچار ضعف، بهت زدگی و حتی سکنه گردیده است .

بنابراین، قسمیکه دیده میشود مزاحمت تلفونی نه تنها دوزخ آداب و تربیت سالم است، بلکه نهایت هم خطرناک و هول انگیز میباشد .

فراموش نگردد که در ایجاد این خطرات و دردسرهایی ناشی از آن ما خود دست داریم و خود باعث آن میگردیم که از چنین وسیله مهم و ضروری که فقدان آن مشکل آفرین است ، یک هیولا بسازیم .

وقتی تلفون اختراع شد هرگز تصور نمیرفت که شهرت و اهمیت امروزی را کسب کند . و اینقدر نقش عمده و مهمی را در دنیا بازی نماید. آنوقت معلوم نبود که با این آله بتوان با دورترین نقطه جهان تماس گرفت و مطالعه کرد.

تلفون از بدو اختراع تا امروز با تحولاتیکه نموده از وسایل فوق العاده کار آمد و ضروری زندگی امروز است . چنانچه روزانه بلیون ها بلیون مردم سراسر جهان چه در امور رسمی و چه شخصی از آن استفاده میکنند و محال است بدون آن به مشکل مواجه نگردند. اکنون تلفون حتی در دور افتاده ترین نقاط دنیایز راه یافته و مردم همه به کیفیت و کمیت ویژه یی اش پی برده اند. تلفون بیشترین فاصله ها را به کمترین فرصت میپیماید و از اتلاف وقت جلوگیری میکند . تلفون

مزایای تلفون بیشتر از اینها است و درین مختصر نمیشود همه آنرا یک یک بر شمرد . ولی متأسفانه هستند عده ای که تا هنوز هم باین ارزش و مزایای پی نبرده، تلفون را با بازیچه عوض گرفته اند و آنرا یک وسیله سرگرمی می دانند .

چه فکر میکنند، آیا این مسخره نیست که یک وسیله جدی و نهایت مهم امور زندگی را با وسایل بازی و سرگرمی عوض گیریم و فرقی آن نیست . بعضی این چنین مزاحمت ها عواقب آنرا را ندانیم !!

زندگی امروز

تهیه و نگارش : فریحه پرچوش اسحق

مزاحمت تلفونی

هرچه تلفون یکی از وسایل نهایت مهم و ضروری حیات امروزی است ولی ... ولی گاهی هم باعث دردسر میگردد ...!

چنانچه خانمی طی نامه مفصل و کلامیه آمیزش نوشته: «... از زنگ های پیهم و نیمه شبی تلفون منزل چنان به ستوه آمده ام که دیگر از هر چه خبر تلفون است بیزارم (۱) باور کنید آواز جریگ و شرنگ بی موقع و نیمه شبی تلفون چنان شوکم داده که اکنون شبانه سیم پلک آنرا می کشم تا راحت بخوابم و آسوده باشم ...

نمیدانم شما گاهی دچار چنین مزاحمت های مردم آزادان فضول گردیده اید یا خیر ؟ من یکی که دیگر حوصله ام سر رسیده و تاب و توانم باقی نیست که بیشتر ازین سکوت کنم ... از اینرو این نامه را برای شما نوشتم تا در مجله زیبا و خواندنی تان درجش کنید و ازین فضول باشی ها بخواهید تادری اصلاح خود باشند و ازین شوخی های بی مزه شان بکاهد و ازین مردم آزادی هادست بردارند... این خانم که دل پری از مزاحمت تلفونی دارد در نامه بلند بالایش تذکر داده که چگونه چند شب متواتر با آواز دلخراش تلفون در آن سکوت و سیاهی نیمه شب از خواب شیرین بریده و وقتی هراسان و شتاب زده گوشی را برداشته و با آواز خواب آلود پرسیده :

«بلبی بفرمائید ؟

از آن طرف چنین جواب گرفته :

« ببخشید خانم خواب بودید ؟ پس آرام بخوابید (۱)

و یا شب دیگر .

« بلبی ... فرمایشی بود ؟

« نه، فقط میخواستم بگویم خواب شیرین برایتان آرزو دارم (۱)

و همچنین شبهای دیگر

متأسفانه ازین مثالها و مزاحمت های تلفونی فراوان دیده شده و مثال فوق تنها موردی از آن نیست . بعضی این چنین مزاحمت ها عواقب

دوښتانو په باب یو لړ معلومات



۱- ناروغه وېشتان څرنگه با ید وېژندل شي ؟
 ۲- هغه وېشتان ناروغ بولوچه دوجوالی او غوړوالی خواص په کی و لیدل شي دغه ډول وېشتان تل په ریزش اخته وی او پنجه پیدا کوی ددغی وېشتانو رنگول ډیر سخت او خطرناک دی . کوښښ وکړی چه د خپلو وېشتانو داخلورو حالتو ته په ډیر غور توجه وکړی او بیایي د علاج چاره وکړی کله چه مودخیلو وېشتانو علاج وکړ هغه وخت به نو تاسو دښکلو ، روښانو اوسالمو وېشتانو خاوندان شی .

دزمانی په تیرویدوسره دپیغلی دسینگار مخ نیوی نړیوی اندازی پوری له منځه تللی اوډیری پیغلی دخیلی ښکلا اوشادابی دپاره سینگار کوی . مگر ځینی کورنی داسی عقیده لری ترخوچه یوه پیغله واده شوی نه وی نو باید چه خپله اصلی خبره وساتی .
 ځینی پیغلی دخیلو وېشتانو په مشکلاتو اخته دی اودخیل مشکل دحل لاره نشی پیدا کولای .

۳- دادی مونږ ددی مقالی په ترڅ کی ستاسو دویشتانو مشکل له منځه وړو ترڅو ستاسی وېشتان ښکلی اوسالم په نظر راشی .
 لمرنی قدم ستاسو دویشتانو په برخه کی دهغو پېژندل دی . ځکه کله چه یو ډاکتر غواوی لمری خپل ناروغ معاینه کړی او بیا ورته نسخه ولیکی همدارنگه تاسو هم باید دخیلو وېشتانو نوعیت وپېژنی بیا دهغو د علاج په غرض لاس په کار شی .

۴- ددی وېشتان څلور حالت لری .
 لمری دویشتانو سلامتیا، دوهم د وېشتانو وچوالی . دریم دویشتانو غوړوالی او څلورم ددغی وېشتان مشخصه علامه داده کله چه ډیر ژرته جوړیږی او که جوړ هم شی ژرله منځه ځی او هم دښخولو په وخت کی بخرگی پیدا کوی .

۵- ددی وېشتان څلور حالت لری .
 لمری دویشتانو سلامتیا، دوهم د وېشتانو وچوالی . دریم دویشتانو غوړوالی او څلورم ددغی وېشتان مشخصه علامه داده کله چه ډیر ژرته جوړیږی او که جوړ هم شی ژرله منځه ځی او هم دښخولو په وخت کی بخرگی پیدا کوی .

چگونه میتوان سالم و تندرست بود؟

۱- سلامت که اولین عامل به زیستن وشرط اولیه زندگی خوب وراحت است، خود عوامل و اصولی دارد که دانستن آن برای هر فردی ضرور است .
 ۲- گرچه عوامل تندرستی و سلامتی بیشمار است ولی عمل کردن به این چند اصل عمده و مهم آن که تاثیر بارزی درین امر دارند و ذیلا تذکار داده شده، خالی از مفاد نیست .

۳- سلامت و تندرستی چیست و اصول آن کدام است؟
 ۴- آیا تندرستی فقط (نداشتن کدام مریضی) و یا (فقدان بیماری) است یا مفهوم دیگری نیز دارد؟ نه، تندرستی نه تنها فقدان بیماری است بلکه وجودهم آهنگی و توازن در اعمال مختلف اعضاء بدن نیز هست . به این دلیل: ممکن است شخص مریض نباشد و در عین حال ۱ ز تندرستی کامل هم برخوردار نباشد .

۵- در تندرستی واقعی شخص هیچگونه ناراحتی جسمی احساس نمیکند و از یک انرژی سرشار شادی بخش برخوردار است . پس زندگی یک فرد تندرست هم بیدرد است و هم قریب سعادت و شادگامی .
 ۶- و اما عوامل اصلی تندرستی چیست ؟ سه عامل اصلی تندرستی عبارت انداز :
 خواب خوب، زندگی بر طبق قوانین طبیعت و برهیز از زیاده روی در مصرف دوا و دارو .
 ولی شرط اصلی سلامتی داشتن انقباضات محکم

۷- و اطاعت از قوانین سلامتی و کنترل عواطف منفی و داشتن رژیم صحیح غذایی است .
 ۸- نظافت یکی از عوامل مهم تندرستی است .
 ۹- شستشوی روزانه دست و پا و روی و دندانها و رفتن به حمام هفته دوبار یا حداقل یکبار کمک فراوان به سلامتی میکند . زیرا از طریق شستشو است که مسامات بدن باز شده و سموم بدن خارج میگردد .
 ۱۰- گردش و فعالیت در هوای آزاد و پاک بقدری از لحاظ سلامتی مهم است که میتوان آنرا یکی از ارکان مهم تندرستی شمرد چه خوب کار کردن جهاز تنفس که یکی از عوامل اصلی سلامتی است بستگی کاملی به این دارد که در اتاق هوادار و افتابگیر و تیر زندگی کنیم .
 ۱۱- ورزش نیز یکی از لوازم تندرستی است متنها نباید هدف از ورزش فقط کردن عضلات باشد، بلکه باید منظور اصلی ایجاد قانون بین فعالیت های مختلف اعضاء بدن و تحریک جهاز عاضه به فعالیت باشد، ولی باید متوجه بود که افراط در ورزش های ثقیل مہلک است .
 ۱۲- استراحت و خواب کافی هم از ضروریات است و باید خویش را به زود خوابیدن و زود بیدار شدن عادت داد . برای اینکه از خواب کافی برخوردار شویم باید شب کمتر غذا بخوریم و تا حد امکان بگوشتیم در غذای شب خوراکی های سبک بخوریم . و همچنان باید اتاق خواب آرام، تاریک، هوادار و معتدل باشد .



این سه مدلی را که در اینجا می بینید از بهترین و آخرین جاکت های عرضه شده مخصوص

این فصل است .

شماره ۳۴



نوشته: جلال نورانی

فامیل و معلومات

تایلندی است که جثه خورد و بشم فراوان دارد با هوش ترین حیوان شمپانزه امریکای جنوبی و با وفا ترین حیوان سگهای اسکمو بی است و. آنروز تا شام خسریم درباره حیوانات حرف زد و من گوش دادم. یکبار هم بچنگ خشویم افتادم دیدم نه... او هم در داشتن معلومات از کسی پس نمی ماند او طریق بختن کیک، دولمه آشک بفتک و همبرگر را برایم شرح داد و درباره انواع و اقسام دانه ها و حبوباتی که غذا را خو شمره می سازند برابر دوسه فصل کتاب جنگ و صلح تشریحات داد. برا در نامزد هر چه ورز شکار بود میدانست حتی نمره های فلان فو تبا لیست برازیلی و فلان گاوباز هسپانوی و نمره یخن معروف ترین سکی بازی سویسی را می دانست

بقیه در صفحه ۴۷

ژوندون

بخا طر بازی در هر فلمش چند هزار دالر میکیبرد و جنتی ما لا و راجکیور که برای تهیه فلمی پاریس رفته بودند در فلان هو تل اقامت داشتند... خلاصه نامزد پتده تشریحات میداد و من محو معلومات بی پایان او بودم یک روز هم با خود آقای پولدارزاده تنها ماندم، او هم هر چه معلومات داشت برخ من کشید. خسریم میگفت: فیل از حیث جثه و اندام حیوان بزرگی است ولی یک ریزش وزکام کافی است که او را از پا درآورد طوطی چهل سال و سنگ پشت سه صد سال و عقاب چهار صد سال عمر میکند مورچه چنین زندگی دارد و زنبور عسل چنان... بهترین پشک اسب فلان و بهترین پشک پشک

در اولین روز های نامزدی تصمیم گرفتم از معلومات همسر آینده ام مستفیض شوم بنا بر آن سر صحبت را با وی باز کرده از هر دوی سخن گفتم، در ضمن برای اینکه تو جهش را جلب کنم تا بداند من هم آدم پر معلوماتی هستم شروع کردم بگفتن حرفهای کلان کلان، دختر هم مثل اینکه وظیفه داشته باشد معلوماتش را برخ من بکشد یک لحظه لب فرو نمی بست و مرتب می گفت: مودمینی ژوپدر فلان سال بمیان آمد، طراح آن فلان نفر بود و فعلا تعداد طر فدارانش در هالیوود این قدر و در پاریس آنقدر ست سو فیل لورن اخیرا پیراهنی برای خود ساخته که در حدود سه صد هزار افغانسی ارزش دارد، موهای بر ژیت باردو را فلان نفر آرایش میکند دین مارتین

از مدت ها قبل اسم و شهرت فامیل «پولدارزاده» را شنیده بودم، چیزی که بیشتر از همه توجه مرا نسبت به این فامیل اسم و رسمدار جلب کرده بود، اولاً زیبایی و قشنگی دختر جوان آنها بود و ثانیاً شهرت معلومات عالی که هر یک از افراد فامیل مذکور بد داشتن آن معروف بودند فکر میکردم که اگر بتوانم افتخار دامادی چنین فامیل سرشناسی را حاصل کنم علاوه از اینکه نامم در روغن می افتد و مقام و رتبه ای پیدا میکنم از حیث معلومات هم خیلی پیش میروم. چه درد سر بد هم با هزار جان کندن و زیگو لو بازی دل دختر را بدست آوردم و چون او خیلی نازدانه و دردانه بود توانست بدون زحمت به فامیلش بقبولاند تا بنده را بحیث داماد خود بشناسند.

صفحه ۳۰

بقلم : عنایت الله

یادی از پروفیسور

غلام محمد مصور



پورتريت غلام محمد مصور که توسط شمیرانی نقاشی شده است .

دورهٔ شباب و جوانی:

غلام محمد جوانی هنرمند و باذوق، درآوان شباب سخت فعال و باعلاقه در هنر خود بود ، وی در این ایام اندک درعالم سیاست قدم می گذاشت ، چون او بخود اجازه نمیداد که موضوعات سیاسی را به الفاظ و کلمات بیان کند، بناء شور و احساس باطنی خود را از طریق هنر و هنریکه بعد پرستی آنرا دوست داشت انعکاس میداد، چنانچه که تادم مرگ هم هنر را بهترین یار و مونس خویش قرار داد. از آنجائیکه دورهٔ جوانی دورهٔ کار و فعالیت است وی به استفاده از این موقع و بنا بر قدرت نبوغ خود آثار ارزنده، پرارزش و فنا ناپذیر از خود برای آیندگان یادگار گذاشت و به غنای فرهنگی ما افزود .

ورهٔ بعد از جوانی:

استاد غلام محمد بعد از این در افغانستان یعنی بداخل کشور پیش از حد شهرت یافت و توان و قدرت هنری او همه راتحت تاثیر قرار داد، و هیچ قدرتی در مقابل قدرت هنری او قدامت نکرد، به اجازهٔ حکومت آن زمان راه خارج به پیش گرفت، و خواست رنگها و زیبایی های طبیعت افغانستان را ب مردم خارج معرفی نماید. باین اساس در سال ۱۹۲۱ به آلمان رفت و برای مدت دوسال در آنجا رحل اقامت انداخت و مضامین عالی روی مفکورهٔ خود، علاوه از آثار هنری در آن دیار نوشت .

حکومت آلمان به اثریافت عالی و استعداد و قدرت هنری او، او را بحیث پروفیسور سبک کلاسیک قبول و شناخت . پروفیسور بعد از بازگشت بوطن یعنی در سال ۱۹۲۳ مکتب صنایع نفیسه را در کابل تاسیس نمود و خود بحیث مدیر آن مکتب انتخاب گردید. بقرار فرمودهٔ یکی از اولین شاگردان آن وقت یعنی استاد خیر محمد بیاری پروفیسور به تعداد سی نفر شاگرد را حسب خواهش ایشان در سین مکتب شامل ساخت و مرحوم عبدالغفور و استاد علی احمد بشمول خود مدیران مکتب درس میدادند، موقعیت آن مکتب، در حصهٔ پل آرتن موجوده در کوتی مشهور به لندنی

ادامه دارد

صفحه ۳۱

مجله ژوندون بخاطر بزرگداشت هنر و تعداد از نقاشان و رسامان پیشین کشور و یاد آوری از هنر والای ایشان از بناغلی عنایت الله، استاد هنر های زیبای پوهنتون کابل خواهش نموده است تا در زمینه برای خوانندگان ارجمند مجله و دوستداران هنر نقاشی یادداشت ها و معلومات هاییکه دارند، به دسترس نشر سپارند . بهمین سلسله درین شماره درباره زندگی پروفیسور غلام محمد که یکی از نقاشان ورزیده و چیره دست کشور بوده اند . نبشته زیر تقدیم میگردد :

مضمون دیده شده است .

باراه یافتن غلام محمد بدر بار امیر عبدالرحمن خان واستعداد عالی و نبوغ هنری اش از طرف همه هنر پروران و هنر شناسان شناخته شد ، بناء استاد میرحسام الدین خواست، او را تحت تربیه خود قرار دهد، تا اینکه او را سرآمد هنرمندان افغانستان ، بعدها معرفی بدارد . تابلوهای غلام محمد درآوان طفولیت تحت تاثیر رسم های استادان وقت آمد و سالهای زیادی یابه اسلوب استادان و یا اسلوب خاصیکه خود انتخاب کرده بود مصروف هنر نمایی و هنر جویی گردید .

اسلوب و طرز کار استادان آن وقت از استاد میرحسام الدین ، تذهیب کاری، منقش ساختن قلمدانها، دیزاین های دیواری و میناتور بود. استاد عظیم ا یکم نیز بشکل کلاسیک و ریا لیزم تابلوهای خود را رسم مینمود (بنده یکی از تابلوهای پسنلی او را که تصویر امیر دوست محمد خان را نمودار می سازد در وقت حیات شخصیت برجسته وطن مرحوم استاد عبدالغفور برشنا چند سال قبل دیده بودم). جان گیری نیز هنر انگلیس را با خود آورده بود و سبک کاری یگونه ریا لیزم می نمود و یکتعداد آثار ایشان در موزهٔ کابل هنوز موجوداند .

غلام محمد گرچه در اول زیاد تحت تاثیر استاد خود آمد، اما به اثر مشاهدهٔ آثار دیگران و ابتکار شخصی اوسبک خاص و مختصی بغود اختیار و بعد آنرا دنیال نمود، تا اینکه بعد از اخیر دوره جوانی لقب قهرمانی کلاسیک را در افغانستان حاصل و تابلو های جاویدان خود را که حقیقتا عالی و زیبا و پر کیفیت بودند به نسل افغانستان یادگار گذاشت .

غلام محمد طفل هوشمند گرچه در ظاهر مثل اطفال دیگر خود را جلوه میداد، اما در باطن نبوغ واستعداد خدادادی را که در نهاد داشت و بوی ارزانی شده بود، مصروف مطالعه و تفکر دربارهٔ زیبایی های طبیعت بود، گرچه با مردم شهر تماس های مستقیم داشت .

با ایشان حیات بصری برد. معاملات طفلانه با رفیقانش داشت و بازی ها با ایشان انجام میداد و شب در خانه واپس می آمد، اما در دل و باطن خود طبیعت و زیبایی های آنرا مطالعه میکرد . روزی از روز ها که هرگز هوای کابل را در فکر خود نداشت و بادوستان خود سخت انس گرفته بود، او را بنا بر عللی بکابل آوردند، که درین وقت هنوز سن او هفت سال را تکمیل نکرده بود و میخواست الفبا را در نزد ملای مسجد یاد بگیرد .

درین وقتی که غلام محمد بکابل آورده شد زمام امور مملکت بدست امیر عبدالرحمن خان ضیاء الملت والدین بود، او چون شخص هنر دوست و هنر پرور بود، چنانچه در آن وقت چند نفر از رسامان مثل استاد میرحسام الدین ، استاد محمد عظیم ا یکم و یکنفر انگلیس بنام (جان گری) بدر بار او مصروف هنر نمایی بودند . امیر از اینکه استعداد عالی او را در قسمت هنر ملاحظه فرمودند امر داد تا تحت تربیه گرفته شود، و شاید برای بار اول تابلو های کوچکی از قبیل مرغ و ظروف ساده را رسم می نمود و آنها را بزرگان میدیدند، چنانچه بگمان اغلب یکی از تابلوهای اوایل رسمی او یک مرغ است که سبزه و اندازة خیلی خورد دارد و به رنگ آبی کار شده و برای اینکه ازین نرود بالایش و رنس استعمال نموده اند. آن تابلو بدست باز ماندگانش توسط نویسندهٔ این

در ماه مشهور سرطان ، امسال استادان پوهنتون کابل طبق سالهای گذشته، برای اینکه به ترفیعات علمی بالاتر ارتقاء نمایند، کنفرانسهای بخصوصی دربارهٔ موضوعات تخصصی شان ایراد نمودند . از جمله بناغلی امان الله حیدرزاد هیكل تراش معروف وطن دریکی از کنفرانسهای خود در باره پروفیسور غلام محمد مصور که از شخصیت های معروف وطن ماست بیانیه ای را در محضر یکعهده استادان پوهنخی ادبیات و علوم بشری و محصلان شعبه نوتاسیس هنر های زیبای آن پوهنخی ایراد نمود .

بناغلی حیدرزاد ضمن گفتار خود گفت: که پروفیسور از شخصیت های نامی و بین المللی قرن اخیر افغانستان می باشد، باید آثار پروفیسور جمع آوری گردد و در موزیم کابل محلی را بنام او تخصیص داد، وی علاوه کرد که میخواهد، برای آغاز این موضوع یکی از تابلو های پروفیسور را خریداری نموده و آنرا بموزیم کابل اهدا نماید، تا به اثر آن سایر هنر شناسان و خد متگاران هنر کار های بعدی وی اقدام نمایند .

اینجانب نویسندهٔ مضمون گرچه دربارهٔ حیات پروفیسور و آثار او، اندک معلوماتی در دست داشتم، ولی بازم کوشیدم در پهلوی آن تا حدی در زمینه کنجکاوی نموده و دربارهٔ موصوف معلومات مزید حاصل نمایم، اینک برای اینکه او یکی از شخصیت های طراز اول کشور در هنر نقاشی است خواستم از طریق این مجله مشهور کابل که خوانندگان زیاد دارد او را بوطنداران عزیز معرفی نمایم .
تولد و آوان طفولیت:

در خانوادهٔ عبدالباقی مینگ باشی (مینگ) بزبان ترکی هزار را گویند) متعلق بیکی از خانواده های میران میمنه واقع شهر میمنه (فاریاب)، در تیر ماه سال ۱۲۵۲ طفلی بهمان آمد که نامش را غلام محمد گذاشتند، چند سال محدود باید یکجا بسر برد و هنوز از محبت پدر بهره کافی نگرفته بود، که پدرش را از دست داد، و طفل صغیری سرپرست ماند و همانند اطفال شهر خود بصری برد .



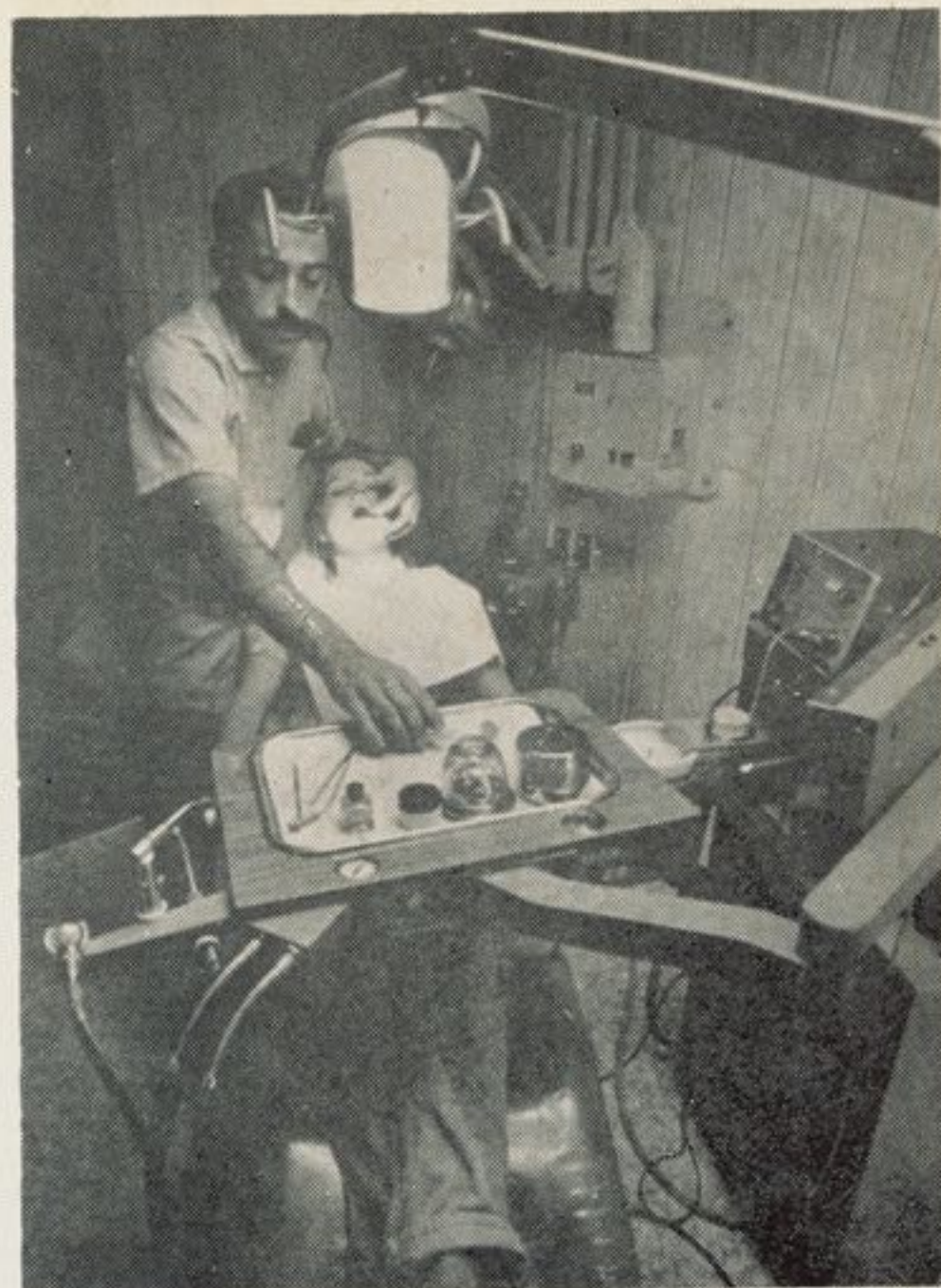
تاسی کله کله دخپلو غاښو نود
ډاکټر سره کتنه له اندازی زیا ته
څنډ وی ځکه چه هغه کتنځی ته د
خپل وروستی ورنگ ناوړه ځا طره
ستاسی له یاده نه وی وتلی اود هغه
ډاډ په نسبت چه ستا سی زا من
یی دغاښو نو دردنه پرته دمعا لجو
په باره کی تاسی ته درکوی څه شک
اوتردید لری تراوسه پوری مسود
غاښونود ډاکټر دسوپ کتنځی چاپیر-
پال له یاده نه دی وتلی اوتر اوسه
پوری له ټولونه هغه دردونکی آواز
چه بریښنا دبرمی په وسیله ستاسی
دغاښ دسوری کولو په وخت کښی
پورته کیده ترڅو ستاسی عصب ته
ورسیږی اوهم ډاکټر آواز چه په
پرله پسې ډول یی ویل «خلاص شو»
ستاسی په غوږونو کښی څپې وهی.
نن کله چه دغاښونو ډاکټر د-
کتنځی دروازه خلاصول غواړی د
هغو ورځو له یادولو څخه ناآرامه
کیږی خو کله چه کتنځی ته وردنسه
کیږی داسی فکر کوی چه لاره مو
غلطه کړیده خو قدمه په خپل اخیل او بیا
دکتنځی ددروازی په منځ تابلو لو لی
اوله دی وروسته متو چه کیږی چه
لاره مو غلطه کړی نه ده دکتنځی
دیوالونه په ښکلو او په زړه پوری
عکسو نو ښکلی شوی، دکو ټسی
غولی په ښکلو غالیو پټ شوی اود
موسیقی نرم آواز دکتنځی فضا نیولی
ده تاسی چه دغه په زړه پوری بدلون
جذب کړی یاست یوه شیبه دانتظار
په کوټه کښی چه کو چنیا نو دپاره
دلوبو سامان اود لو یانو دپاره
دلوستلو وړمواد په کی ایښول شوی
دی کښینی ترڅو ډاکټر درته غږ
وکړی هغه یوځوان سړی دی اوحتی
دهغه څه نه زیات ځوان دی چه
تاسی یی تصور کاوه له تکلیف نه
پرته په ښه خوی اوداسی ښه چه
ددی سبب کیږی چه تاسی ډیر ژر
په خپلی ویری بری ومومی په داسی
حال کښی چه تاسی په څو کی باندی
آرام ناست یاست هغه ستا سی څو
غاښو نه په داسی مهارت او هوښیاری
ډکوی چه تاسی اصلا هیڅ پری نه
پوهیږی.

وروسته بیا تاسی دخپلی روغتیا
متصدی ته چه یوه مو قره او جذابه
ښځه ده معرفی کوی او هغه تاسی ته
دخپلو غاښونو دڅارنی دپاره نوی
لارښوونی کوی.
لومړی هغه تاسی ته د غاښو نود
څارنی دطریقی په باره کی یوه لنډه
وینا کوی اود با کتر یو څو
میکرو سکو پی رنگه سلایدو نه تاسی
ته در ښی چه ستاسی غاښونه اووړی
احاطه کوی. وروسته بیا دخپلو
غاښونو دویښلو سمه لاره زده کوی
اوپوهیږی چه مثلا پنځو س کا له
دمخه ستاسی دغاښونو دویښلو
طریقه غلطه وه وروسته بیا یو کوچنی
کیف تاسی ته در کوی چه یو
مسواک دغاښو کریم دخو لی آینه،
مخصوص ص تا بلیتونه اود لار ښوونی
یوه کتابچه پکښی وی او من نرو
تاسی دامریکی دغاښونو دنداوی
په انقلاب کښی چه لس کاله دمخه
پیل شویدی په عملی ډول گډون کړی
دی. په داسی انقلاب کی چه دامریکی
دخلکو سره مرسته کوی ترڅو خپل
غاښونه وساتی.

دغه تحول تراوسه پوری بشپړ
شوی نه دی ځکه چه د غاښونو ټو لو
ډاکټرانو هغه نه دی اجرا کړی خو په
چټکی سره مخ په پراخیدو دی او س
دازیری ورکوی چه خلک به تر ددی
وروسته ډیر لږ دغاښونو په درداخته
شی اود غاښو نو ناروغی به زیاتی
کمی شی.

دغه په زړه پوری بدلون په یوه
کلمه کښی لنډ یداشی او هغه د-
مخنیوی څخه عبارت دی په داسی
حال کښی چه دغاښونو دپخوا نیو
ډاکټرانو کار معمولا
دغاښونو اصلاح کول، ډکول ایستل
اویاد غاښونو دناروغیو کمول و.
دغاښونو اوسنی ډاکټران هڅه
کوی چه دغاښونو دناروغیو مخه
ونیسی.

دجارج تاون دپوهنتون دغاښونو
ډاکټری دپوهنځی رئیس ډاکټر
جوزف بر نیشر وایی زمونږ ل-
هدف باید داوی چه خپل بازار پرا څه
کړو یعنی دغاښو نو دناروغی مخه
تردی اندازی ونیو له شی چه دغاښو
ډاکټر ته نوره اړتیا نه وی تر هغه وخته
پوری لا ډیر وخت شته چه دغاښونو
ناروغی بیخی له منځه لاړی شی، خو
هدف یو واقعینانه هدف دی د غاښونو
نننی ډاکټران دغاښو نود ناروغی
داساسی علتونو دعلمی پیژندنه په
باره کی خبری کوی دهغو ناروغیو
په باره کښی چه دکو چنیانو دغاښو
ددرد اود لویا نود غاښونو ایستل
سبب کیږی دغه نوی پوهنه په هغو
اوبو کښی چه امریکا بیان یی څښی
اوهغو خورا کونو کښی چه خوری یی
په هغی طریقی کښی چه خپل غاښونه
وینځی او غه راز دغاښو نو په
معالجه اوهغو لار ښوونو کښی



په داسی حال کښی چه جولی ټولان په څو کی باندی آرام ناست دی ډاکټر
رابرت فراید دهغه دغاښ دډکولو دپاره خپل ځان تیاری

دسرورزی ژباړه

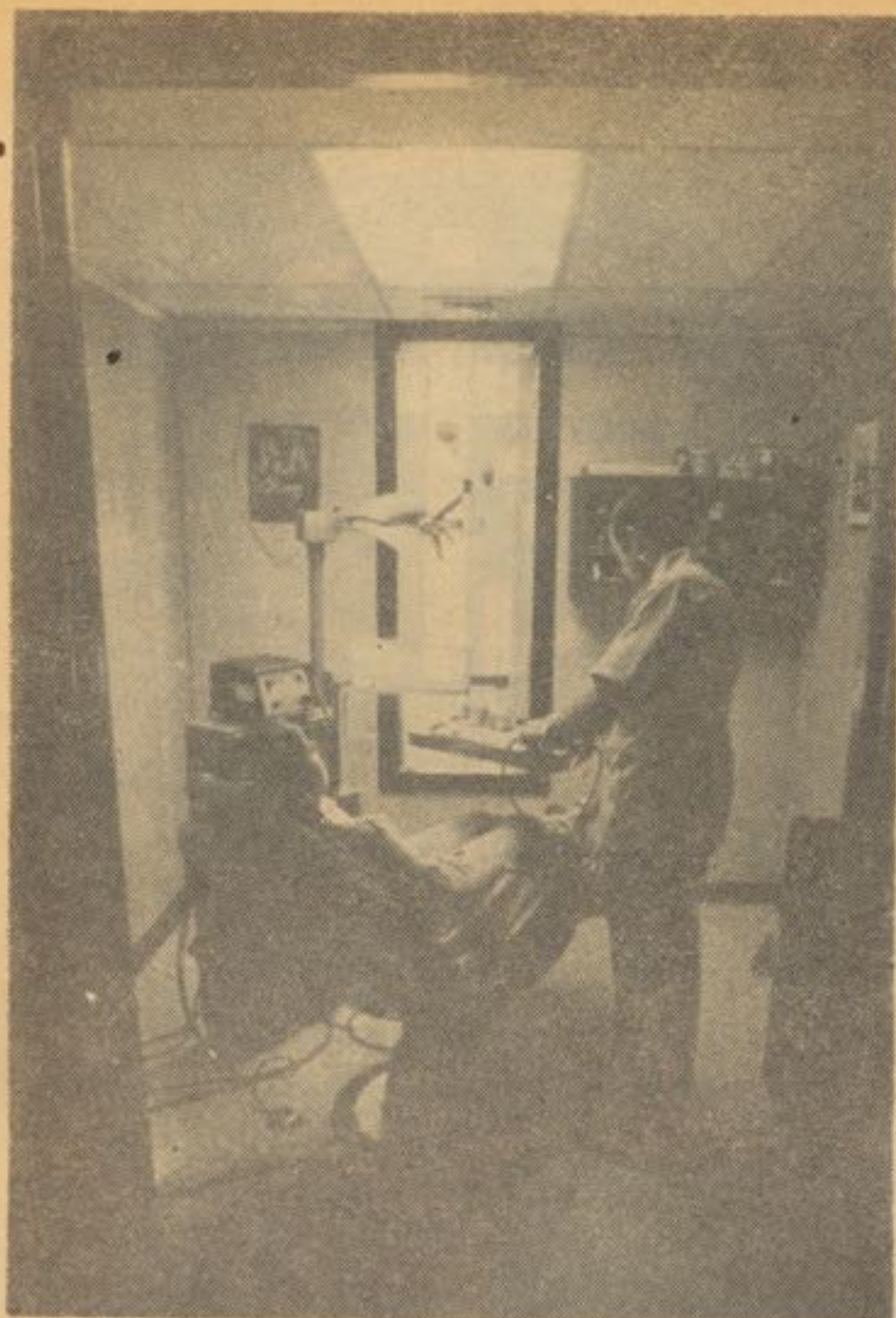
دا دوارد اوسن لیکنه

دغاښونو په ډاکټری

کښی په زړه پوری بدلون



په عکس کښی دناروغ تر څنگ ددرادیو گرافی دستگاه اود غاښونو
پاکو لو ماشین لیدل کیږی.



په لا برا تـو ر کـښی په هغو میکرو بو نو با ندی چـه دخو لی دلاړو په اسید کښی وده کوی اود غاښونو د خرابی سبب کیږی لازم ازما ښتو نه کیږی.

خوا د غاښو نو ډاکترانو عقیده درلوده چه غذاکو چنی نو تی چه غاښو نو ترمنځ پاتی کیږی د غاښو دخرا بی سبب کیږی او له همدی امله بی خلکو ته ویل چه د هروخت ډوډی خوړلو نه وروسته خپل غاښونه یوځل په مسواک وویښی او سر د ډوډی کوچنی ټوټی په دوهم پړاو کی واقع شوی دی «سره له دی چه د غاښو ډاکتران تر اوسه هم عقیده لری چه ډوډی مهم نقش لری» د غاښو نو ډاکترانو کو ښیږی په دی کښی دی چه د ډاکتر یو ټوټه د غاښونو له منځ څخه پا که کړی او خلک هم په غاښونو باندی دهغی درا ټولیدو مخه ونیسی یو هان په دی پوهید لی دی چه د غاښو نو په منځ باندی د ډاکتریو ټوټه دخو لی دلاړو د موادو په استفادی سره په یـوـه سلینینا که مخصوصه ماده بدلیږی چه دغه سلینینا که ماده د غاښونو په منځ په کلکه ځای نیسی.

د ډاکتر برنیتر وا یسی یـوـا زی اوه یااته کاله دمخه دغه ټوټه په مشخصه توگه پیژ ندل شوی، سره له دی چه له اوږدو کلونو څخه را پدی پاتی په ۴۶ مخکښی

خوا د غاښو نو ډاکترانو عقیده درلوده چه غذاکو چنی نو تی چه غاښو نو ترمنځ پاتی کیږی د غاښو دخرا بی سبب کیږی او له همدی امله بی خلکو ته ویل چه د هروخت ډوډی خوړلو نه وروسته خپل غاښونه یوځل په مسواک وویښی او سر د ډوډی کوچنی ټوټی په دوهم پړاو کی واقع شوی دی «سره له دی چه د غاښو ډاکتران تر اوسه هم عقیده لری چه ډوډی مهم نقش لری» د غاښو نو ډاکترانو کو ښیږی په دی کښی دی چه د ډاکتر یو ټوټه د غاښونو له منځ څخه پا که کړی او خلک هم په غاښونو باندی دهغی درا ټولیدو مخه ونیسی یو هان په دی پوهید لی دی چه د غاښو نو په منځ باندی د ډاکتریو ټوټه دخو لی دلاړو د موادو په استفادی سره په یـوـه سلینینا که مخصوصه ماده بدلیږی چه دغه سلینینا که ماده د غاښونو په منځ په کلکه ځای نیسی.

د ډاکتر برنیتر وا یسی یـوـا زی اوه یااته کاله دمخه دغه ټوټه په مشخصه توگه پیژ ندل شوی، سره له دی چه له اوږدو کلونو څخه را پدی پاتی په ۴۶ مخکښی



دیوی مخصوصی وړانگی په وسیله دگریک هیت شیو د غاښو نو ترمنځ د ډاکتریو ټوټی څرگند یری هغه اویو تکنیشن نوموړی ټوټی چه اته سوه ځله لوی شوی دی دا اسلاید له لاری وینی.

وسيله سپړی اود بیسپو شی درمل بهی ډول استعما لیږی چه هم کوچنیان اوهم دهغوی میندی او پلرو نه تردی وروسته د غاښو نو ډاکتر ته له ور تلو څخه ویره او ډار نه لری.

د غاښو نو ډاکتری ځینو اصولو بدلون نه دی کړی د غاښونو ډاکتران تر اوسه هم خلکو ته لار ښوونـه کوی چه دخوړو شیانو یاد پړو خوړو خوراکو نو له خوړلو څخه ځانونه وژغوری او په ټاکلیو وختو نو کښی د خپلو غاښونو ډاکتر ته مراجعه وکړی خود غاښونو اساسی دښمن په غاښونو باندی د ډاکتر یو را ټولیدل دی.

خود غاښو ډاکتر اساسی نظر هماغه دی چه پخوا یعنی تروسه وسه هڅه وشی چه یو غاښ هم ونه ویستل شی، په دی ترڅ کښی د غاښونو ډاکتر خپل افکار په هغو نسجو نو باندی په کار اچوی چه غاښونه ساتی، د غاښو نو ډاکتری ستر هدف ددی چه نوموړو نسجو نو د له منځه تللو مخه ونیوله شی.

د غاښونو د شاوخوا نارو غی هم د غاښو نو د چنچیو خوړ لو په اندازه ارزښت لری او باید دهغو مخه ونیوله دنیو یارک په پوهنتون کښی د غاښونو ډاکتری په پوهنځی کښی د غاښونو د نارو غیو دمخنیوی رئیس ډاکتر هوارد وارد وایی: «داسی عقیده شته چه یوه سلینینا که ماده چه د ډاکتریو څخه جوړه شوی وی د غاښو نود چنچی خوړ لواو فاسدو ولو اصلی عامل ده اود هغسی په له منځه وړلو سره کیدای شی چه په اسانی سره غاښو نه له چنچی خوړ لو او خرابی څخه وساتو»

اغیره لری چه د غاښو نو ډاکتران زیی ور کوی.

دغه بد لون د غاښو نو ډاکتری په ځینو پخوانیو قواعدو او مقرراتو کښی چه د عامه مننی وړی نوی والی ایجاد کړی دی.

د مثال په ډول د غاښونو یو زیات شمیر ډاکترانو یو وخت عقیده در لوده چه کوچنیانو دپاره لازمه نه ده ترڅو چه بی خپل لومړنی دیمعی غاښ نه وی کړی د غاښونو ډاکتر ته مراجعه وکړی، اوس دهغوی یو زیات شمیر د کوچنیانو میندی او پلرو نه تشویق کوی چه خپل کو چنیان په وده کښی یادری کلنی کښی د غاښو نو ډاکتر ته یوځی ترڅو دهغوی د غاښو نور روغتیا بنسټ له هماغو کلونو څخه کښیښودل شی.

یو وخت د غاښو نو ډاکترانو خپلو مرا جعینو ته ویل چه هر خورا که له خوړلو وروسته خپل غاښونه وویښی خون دهغوی یو زیات شمیر په دی عقیده دی چه په ورځ کښی یو ځل د غاښونو وینځل په دی شرط چه په سمه او اساسی توگه وویځل شی کفایت کوی.

پخوا د غاښو نو ډاکترانو ویل چه غاښونه باید پورته او کښته په عمودی ډول دمسواک په وسیله وویځل شی خون دیو نرم مسواک په مرسته باید په عرضی ډول غاښو نه مسواک شی اود غاښو نود وړیو دپا کو لو دمخصوصو تارونو څخه استفاده وشي.

ښایی هغه ستر تحول چه په دی برخه کښی راغلی دی د غاښونو د ډکو لوبه برخه کښی وی ځکه چه په نوی طریق سره هیڅکله درد احساس نه کیږی دغه کار په نویو وسیلو او برمو سره ډیر ژر سر ته رسیدی چه د اوبو په

ترجمه: لطیف بارز

مبارزه برای ریشه کن ساختن سگرت در فرانسه

حکومت فرانسه اخیرا پلانی را افشاء کرده که بموجب آن استعمال سگرت در آن کشور تدریجا ریشه کن ساخته میشود.

سیمونی ویل وزیر صحتیه فرانسه در يك كنفرانس مطبوعاتی گفت كه يك لایحه ریشه کن ساختن استعمال سگرت احتمال دارد در اخیر جلسه خزانگی پارلمان ارائه گردد.

درین لایحه اخطار صحتی بالای تمام قطعی های سگرت بر علاوه منع تدریجی استعمال سگرت در عمارات عامه و در بعضی فعالیت های کاری چاپ و نصب خواهد شد.

میرمین ویل گفت که اعلامات سگرت و تنباکو تدریجا از طریق



جوان و روابط خانوادگی

رعایت يك سلسله مقرر را ت اجتماعی که همه برای بهبود وضع خانواده ها وضع و تدوین گردیده در خو شبختی و سعادت خانواده تاثیر مستقیمی دارد مشروط بر اینکه اعضای خانواده آنرا با در نظر داشت شرایط زندگی تطبیق نمایند. بطور مثال آن عده جوانانی که تازه

تشکیل خانواده را داده اند و آرزو دارند که سعادت متدانه زندگی نمایند بهتر است بدین نکات توجه نمایند و اگر تطبیق آن ممکن و عملی است پس بدون معطلی به آن اقدام نمایند.

۱- مشوره در همه امور زندگی بخصوص در امور داخلی زندگی و خواستن عقیده و نظریه زن شرط اول زندگیست.

۲- گذشت: درین جای شکستی نیست که هر خانواده که تازه تشکیل میشود باید سلسله مشکلات و پروبلمها روبرو میگردد که بعضا ممکن است این مشکلات سبب بروز اختلافات در بین اعضای يك خانواده شود. و در عین زمان بسیار ممکن

است که یکی از اعضا خانوا دهد پارت اشتباهی گردد و در اشتباه خویش نیز پافشاری نماید. درین حال بهترین رویه که باید در پیش گرفت اینست که با حسن نظر و با کلمات نرم طرف را متوجه ساخته و هر دو طرف بگویند که با گذشت فضای مساعد و آرا می را در خانه ایجاد نمایند.

۳- اقتصاد: چیزی یکه پیشتر از همه امروز مورد توجه است اقتصاد است چه اقتصاد سازنده زندگی امروزی است و با اقتصاد ضعیف و نامتنا سب ادامه زندگی بشکلی که آرزو است مشکل است.

داشتن پس انداز بهر اندازه که باشد در بهبود وضع خانوا ده تاثیر مثبت دارد مخصوصا با به میان آمدن يك سلسله تحولات که سازنده زندگی مدرن امروزی است و اکثر از جوانان ما آرزوی چنین زندگی را دارند داشتن پس انداز شرط اساسی است. زیرا از ننگانی خوب امروزی مربوط به داشتن اقتصاد قوی است.



رادیو و تلویزون منع شده و همچنان در سینما های سالون تفریحات و در نشرات جوانان اعلان سگرت قطع خواهد شد.

وی گفت اعلان سگرت در مطبوعات فرانسه کنترل خواهد شد. در سال تعلیمی فرانسه که اخیرا شروع شده به اطفال ۱۲ ساله و بالا تر از آن نسبت به خطرات تنباکو هدایت دادن خواهد شد.

در سال تعلیمی آینده مکاتیب فرانسه موضوع ریشه کن ساختن استعمال سگرت يك جز پروگرام تعلیمی را تشکیل خواهد داد.

میرمین ویل اظهار داشت ۱ ژانویه سال ۱۹۷۶ برای ریشه کن ساختن استعمال سگرت به همکاری وزارت های دفاع، کار، مخابرات، پوسنه و امور جوانان و سپورت يك مبارزه وسیع و عامه برپا انداخته خواهد شد.

وزیر صحتیه فرانسه متذکر شده که این مبارزه يك مبارزه ارشادی

بقیه در صفحه ۶۳



درد دل جوانان

اندیشه‌های جوانان



محمد عظیم: سعادت جو متعلم صنف ۱۲
لیسه حبیبیه:

بلی جوان واقعی کسیست که در
حیات روز مره خود مصدر خد متی
برای وطن و اجتماع گردد. و منفعت
همگانی را بر منفعت شخصی ترجیح
داده و احترام به قوانین جز وظیفه
اصلی او محسوب گردد. و هیچگاه
فکر نکند که از دیگران برتری دارد

زیرا امروز تبعیض برای همیشه از بین رفته و جای خود را به عدالت
اجتماعی داده است.

نجیب اله (قریش) متعلم صنف یازده لیسه انصاری:

از تو ندن تشکر میکنم که برای جوانان موقع داده تا نظریات و اندیشه
های شانرا به نشر می رسد.

منحیت يك جوان وظیفه خود د
میدانم که حقایق را بیان نما یسم
ولو اینکه این حقایق تلخ هم باشد
زیرا با گفتن حقایق است که انسان
راه درست را تشخیص میدهد. و از
راه های که ممکن سبب بد بختی و
سقوط جوانان گردد دوری نمایند
یکی از این حقایق و یا بهتر بگو یسم
نقاط ضعف جوانان ما تقلید و مسود
پرستی است که کن است این سختم
بسیاری از جوانان را خوش نشانی د
ولی این يك حقیقت است.



محمد حسین دین پرو د:

میر هن ویر واضح است کسه
جوامع بشر در پر تو انکشافات
محیر العقول ساینس و تکنولوژی با
پیشرفت های زیادی رو برو بود ه
و جوانان در پیشبرد و تحقق یافتن
این هدف و مرام نقش مهم و بارزی
را ایفا نموده داشته است وقتی سیم
جوانان را در شئون مختلف اجتماعی
از نزدیک مورد ارزیابی قرار دهیم
معلوم خواهد شد که جوانان اند که



در پر تو نیرو و زحمات ایشان کلیه پروگرام های بشری و اجتماعی
در معرض تطبیق قرار گرفته و زمینه برای سعادت و پیشرفت نسل های
آینده بیش از پیش فراهم می گردد.

متصدی صفحه درد دلها سلام:
مدتی است که درد دل جوانان
درین صفحه نشر میشود و امید است
که علت آن چیست؟ بحر حال
امید وارم این نامه که حکایت گر
زندگی اکثر از جوانان ماست در
ستون درد دلها نشر گردد.
اگر بیست و دو سال زندگی پر
مشقت ورنج و از زندگی میگوئید من
بیست و دو سال دارم.
نازه ازدواج کردم به امید اینکه
به زندگانی خوش سر و سامانی
بدهم و خوشبخت شوم اما چه خیال
خامی.

من د

فکر نکنید که مردی هستم که جز
از شکایت و گله کاری دیگری ندارم
خیر اولی طاقت و حوصله هم حدی
دارد يك انسان چقدر اعصاب قوی
داشته باشد تا این همه رنج و مشقت
و کلمات ناپسند را بشنود و طاقت
بیاورد.

از شما میپرسم انسان چقدر
زندگی و عمر خواهد کرد که نیم یا
بیشتر عمر خود را با این همه سختی و
تکلیف بگذراند؟
ببخشید که زیاد حرف زدم می
خواستم از شما درین باره رهنمایی
بخواهم و امیدوارم که گره از این مشکل
من بکشاید.

دو سال قبل ازدواج کردم زن
تحصیل کرده ای گرفتم و دلم خوش
بود از اینکه همسر زن تحصیل کرده
و فهمیده است. اما چقدر اشتباه می
کردم یکاش هرگز ازدواج نکرده
بودم و خود را بدین زحمت نمی انداختم
مشکل ما خرج ها و مصارف بی جای
همسر است معاش ناچیز که در
هر ماه میگیرم مصارف چند روز
محدود همسر میگردد. اگر احیانا تان.

معرفت و دانایی:

بهترین قسمت معرفت آن است که بما می آموزد که معرفت کجا
پایان می رسد و جاهل و نادان آغاز میشود.

(۱ و ۲ هوز)

آنکه علم عمیق دارد. به انداز آنکس که جاهل عمیق دارد درباره
علم سطحی دیگران رجز خوانی نمی کند. بر خلاف بجای گو بیدن
جاهل دیگر آن را تحقیر خود به گوشت ایشان می شتابد. چه میدانند کسه
زمانی بوده است که حتی اشخاص همچو بیک و نیو تون نیز سطحی
بوده اند و نیز می دانند که آنکس که اندکی علم دارد. بهتر از کسی که
هیچ ندارد به بیشتر از آن میتواند دسترس پیدا کند.

(کولتون)

در حمله اول حریف از یادآورده پارچه پارچه خواهد کرد حریف معمولاً لباس مخصوصی بپوشد داشته و پارچه سرخ رنگی در دست میداشته باشد زمانیکه گاو داخل میدان نبرد شد حریف تکه سرخ را چند بار تکان داده نظر گاو وحشت زده را بخود جلب و حمله خشم ناک خود را حواله حریف میکند. حریف با نیزه های دست داشته خویش چند ضربه محکمی بالای حصص مختلف گاو وارد و تا آنکه او را از یاد آورد. این بازی از سپورت های تماشایی این کشور باستانی بوده به حضور هزاران نفر تماشاچی صورت میگیرد.

مادرید پایتخت کنونی و مرکز اداری اسپانیا در مرکز شبه جزیره ابریک واقعست در ساحل دریای متزانار قرار دارد. ساحه شهر مادرید به ۶۰۷ کیلومتر رسیده و نفوس آن بر ۳ میلیون بالغ میشود که منجمله ۱۶ هزار نفر آن خارجی های ساکنین دایمی مادرید را تشکیل میدهند. کثافت نفوس شهر مادرید به ۴۵۰۰ نفر در یک کیلومتر میرسد. تاریخ موقتی برای یافتن اسم پایتخت اسپانیا دردست نیست. تنها همینقدر میتوان گفت که شاید اسم مادرید از برج (ماجرید) که در سال ۹۲۵ ساخته شده است نشئت کرده باشد اولین معلومات راجع به مادرید از قرن ۱۰ باین طرف بدست است که در آن زمان مادرید محل اقامت موریتانیا بی عا بود. در ۹۳۹ مادرید تحت اداره رامیرو دوم و سپس بدست مورفا افتاده و در ۱۰۸۳ توسط شاه کاستیلی الفو نای چهارم در تصرف اهمیت مادرید در مرکز حوضه کاستیلیا از قرن ۱۶ باین طرف شروع گردید. در زمان حکومت کارل پنجم پایتخت اسپانیا «تولید» قرار داده شده بود ولی بعدها فلیپ دوم مادرید را منجبت پایتخت اسپانیا شناخته که بزودی انکشاف و مرکز تجارت و صنایع اسپانیا گردید در قرن ۱۷ در مادرید بهترین قصور بناهای ارستو کراسی تعمیر گردید در ۱۸۵۱-۱۸۶۴ اولین خط قطار بین مادرید و اوانجوس امتداد داده شد در ۱۸۵۸ کانال لوسویا بکار انداخته شد که آب آشامیدنی کافی برای اهالی شهر میرسانید در ختم قرن ۱۹ و اوایل قرن بیستم - مادرید بصورت درست آباد گردیده و در ۱۸۶۸ دیوار قدیمی اطراف شهر مادرید ویران و بجای آن تعمیرات جدیدی آباد و جاده معروف (گران ویا) امتداد داده شد و در ۱۸۷۳ مادرید اولین پایتخت جمهوری اسپانیا انتخاب گردید.

بعد از رویکار آمدن حزب کارگر و خاتمه دولت شاهی بسال ۱۹۳۱ در اثر انقلاب دیموکراسی مادرید پایتخت جمهوری اسپانیا قرار گرفت بین سالهای ۱۹۳۶-۱۹۳۹ مادرید مرکز جنگ جاسوسان فاشیسم جنرالها بود که علیه حکومت اسپانیا قیام نموده بودند و از جانب دیگر مادرید مرکز مجادله علیه آلمان و ایتالیا گردید تا آنکه در ۲۸ مارچ ۱۹۳۹ از طرف فاشیست ها اشغال



هسپانیا کشوریکه اکنون در آن بی نظامی داخلی ...

که اسم وی را (قدح پایتخت) مینامند یکی از آثار مهم و قابل دیدنی این شهر - برج هرکولیس است که ۱۰۴ متر از سطح بحر ارتفاع دارد و منظره خیلی عالی بحر اطلانتیک را منعکس میسازد این برج از ادوار و ساختمانی تروی میبایست و این یگانه لایت هانس رومی است که تا امروز بحالت اولیه خویش در کنار اطلانتیک با برجاست.

یکی از غنعات مهم و برجسته این ناحیه اجتماع اهالی در جنگل است که هزاران نفر از اهالی شهر در روز معینی در جنگل جمع و در فضای آزاد به آواز خوانی پرداخته، صدها نفر برای آنها و این و خوراکی میرسانند از خوراکی که درین روز عمومیت دارد کباب با کچالوی بریان است بر علاوه انواع بازیها و سرگرمی در بین درختان متمرکز میشوند و از مهمترین رقص آن منیرو و پندیرو میباشند که در این حوضه خیلی عمومیت دارد هنگام شب گروهی از نوازندگان با گیتار بنواختن موسیقی پرداخته و هزاران نفر برقص و شادی میپردازند.

در اسپانیا در پهلوی سایر سپورتهای که در آنجا متداول و عمومیت دارد گاو بازیست و در حقیقت گاو بازی بسپورت ملی مردمان این سرزمین تاریخی تبدیل گردیده است و تقریباً در تمام حصص اسپانیا مروج و اجرا می گردد در میان مردمان اسپانیا بهترین نشانه ای نیرومندی و افتخار نیست تادریکی از مسابقات گاو بازی شرکت کند و برای این بازی گاوهای نیرومند و وحشی را انتخاب میکنند که بیننده را در نگاه اول بحیرت می افکند و تصور می کند

کنندگان تقدیم میکنند در آخر باید علاوه کرد که فلا یگانه عید باشکوه اسپانیا بوده کدام رابطه مذهبی ندارد.

والسیا از نگاه بزرگی سومین شهر و بندر مهم اسپانیا و همچنین پایتخت حوزه معروف لوونت میباشد که از رهگذر زراعت و باغداری بهترین منطقه اسپانیا محسوب میشود.

گالیسیا حوزه فشنگ و دلیدر اسپانیا بوده و نسبت به سایر نقاط اسپانیا متفاوت است و میتوان گفت که چنین منطقه مانند گالیسیا در جهان نمیتوان سراغ کرد. گالیسیا شکل غیر منظمی چهار ضلعی در گوشه شمال غرب شبه جزیره ابریک داراست. ضلع غربی در بحر اطلانتیک غوطه وراست ضلع شمالی آن در بحیره کانتا تری و جنوبی آن بایرنگال عصرحد است تنها قسمت شرقی آن مناطق استوریو و لیون را از هم جدا میسازد در بین منطقه نوریست کمتر وارد میشوند مردم جهت عبادت به قبر یعقوب در کمپوستلی، گالیسیا در جهان عیسوی شهرت زیادی حاصل نموده است. صنعت رومن ها در گالیسیا بانتهای اوج و قدرت خود رسیده دارای کلتور عالی میباشد و اولین یادگار ادبیات اسپانیا بزبان گالیسی در همین جا بوجود آمده است.

لوگو رونا یکی از شهر های کوچک و مقبول ایالت گالیسیا میباشد که آثار صنعت و لابریکات در آن دیده نمیشود و این شهر از رهگذر اداری رول مهمی دارد حیات گالیسیا بازی میکند این شهر از سه طرف بایر اتصال و بهترین آب و هوارا داراست و از همین جاست

گروبی از جوانان بیرقی دردست و دوشیزه جوانی با لباس محلی رنگارنگ و مرغوب آراسته به رهنمایی یکعده دوشیزگان دیگری بسوی میدان مذکور پیش می آیند بدین منوال تعداد گروپ ها زیاد شده و همه در میدان کودلیا جمع میشوند بعد اتمت فلا به انتخاب ملکه زیبایی مبادرت ورزیده و از میان آنها زیباترین و خوشگلترین دوشیزه را انتخاب و بنام ملکه زیبایی والنسیا معرفی میکند از گستر اسرود معروف کودلیا را باستقبال ملکه نواخته ولی فوق العاده بلند اعمه اهالی شهر تاحدی امکان از شنیدن آن مستفید گر دند. لباسهای دوشیزگان رنگارنگ و بهترین خامکدوزی در آن بکار رفته میباشد چیزی که در هنگام این مراسم وجود نمیداشته باشد عبارت از خوراکی و نوشابه است تنها یک یادو مزایه پایلاچیده میشود که مشکل عمومی را دارد پایلا یگانه خوراکی عمومی اسپانیا بوده که از برنج و گوشت مرغ ترکیب شده است این غذا خیلی گران بوده و طریق پخت و پز آن گرای بزرگی را ایجاد میکند و تنها مواد سوخت آن چوب انتخاب شده است و هنگام مراسم عید اهالی با گرابی های خوراکی ای مذکور که در منازل خویش قبل تهیه نموده به جاده ها می برانند.

در والنسیا عادت بر این نیست تادر روز عید مهمانان را بمنزل دعوت کنند و هم در منازل خویش خوراکی و نوشابه های این عید را برای مهمانان ترتیب نمی دهند تنها در محل مخصوص غرفه ای ترتیب میدهند که انواع نوشابه سرد و خوراکی باب را برای اشتراك

گردید. مادرید مرکز سیاسی اسپانیا بوده
پارلمان «کورتز» و سران اول کشور در مادرید
زندگی دارند شهر از طرف باروالتی اداره شده و از
۱۲ ناحیه (استریتوس) تشکیل گردیده است
که اداره آن بدست باروالتی مادرید میباشد .
مادرید بعد از بار سلونا دو مین شهر
صنعتی اسپانیا بوده صنایع ثقیله ، طیاره
الکتروتخنیک ، مواد کیمیای و صنایع آلات
حربی در این شهر انکشاف خارق العاده ای
نموده است بر علاوه قالیان بافی بصورت



کارهای روزانه را همه با همکاری دنبال میکنند.

عنعنوی، خامک دوزی و زرگری نیز در این
شهر ترقی خوبی کرده است . بانکهای تجارتی
صنعتی و زراعتی، شرکتهای تجارتی و بیمه
ها همه در مادرید تجمع کرده اند . مادرید
بزرگترین مرکز راه آهن، سرکها و خطوط
هوایی اسپانیا بوده دارند چهار استیشن
بزرگ قطار آهن بوده و چندین میدان هوایی
که بیشتر شکل بین المللی دارند نصیب این
شهر شده است .

مرکز پایتخت شکل مثلثی را داشته که بین
سه میدان مهم و بزرگ پوتیردسول، پلازا مایور
و پلازا دو اسپان قرار دارد که از شعاع آن ده
جاده بزرگ به هر سمت کشیده شده است
و همه سرکهای سوی پرتا دلسول رهنمایی
شده اند . در پیاده روها از سنگ های مقبول
کانتور مملکت نقش شده است که کلمه (صفر
کیلومتر) بانیم گره ای احاطه شده است که
شروع سرکهای هر سمت از همین محل میباشد
و در نزدیکی آن مجلس سیاسی زیر ز مینسی
مادرید وجود دارد در غرب از میدان پیرتادلسول
بسواحل دریا شهر گهت موقعیت دارد که در
آن قصر قدیمی شاهان اسپانیا، موزیم عسکری
و اوپرای مادرید دیده میشود. قصر شاه
یکی از بهترین ساختمانها و بنا های جهان
محسوب میشود که در بزرگترین و قشنگترین
میدان شهر قرار دارد این میدان در سال

۱۸۱۱ بنایافته بر علاوه یادگار فلیپ چهارم
در آن پابرجاست . در میان قصور مادرید
مهمترین آن میتوان قصر عدالت ، قصر سنا و
قصر کانگرس را نامبرد که از هر حیث جالب
و تماشایی است در میدان مایو مجسمه فاتحین
اهالی مادرید علیه فرانسویها که در جنگ
روز دوم ماه می ۱۸۰۸ غالب شده اند دیده میشود.
بالاخره قرن ۱۷ دوره درخشان بنایی مادرید
محسوب میشود که بهترین قصور ، کلیسا
و معابد یکی بعد دیگری ساخته شده که شهرت
جهانی دارند. ساختمانی وارکتیکت قصر شاهان
مادرید از قرن ۱۸ بیشتر شکل کلاسیکی را
بخود گرفته است که عمارت عالی موزیم ،
مجسمه ها و رسامی الپرادو از نمونه های آنست.
مادرید دارند بهترین پارکها با مجسمه ها
و فواره های قشنگ و میباشد که در اروپا معروف بوده
تماشاچیان و علاقه مندان خاص دارد. بزرگترین
پارک پایتخت اسپانیا پارک مقبول و زیبای
کاسادو کمپو است که ۱۴۴۷ هکتار ساحه را
در ساحل دریای منزانارد در گرفته است، دارای
سه جیل و ۹ فواره خیلی عالی میباشد .

۱۱ پل اساسی و مستحکم راست و چپ
مادرید را بهم وصل میکند که پل تولیدان از
مهمترین آنست . مادرید شهر عجیبی است
که میتوان در هر قسمت آن اشیای مختلفی را

مشاهده کرد در مرکز شهر بهتر ین عمارات
تاریخی، جاده های پرچوش، موزیم های
یادگاری، پارکها، باغات، عمارات عصر اداری
و منازل نشیمن، هتلها و لوکل های خوشگذرانی
تجمع کرده اند و منطقه کارگران منازل گهت
و فرسوده که قسمت شمالی و جنوبی را دربر
میگیرد و در آن مجلس کارابانچل که از محاسن
سیاسی و مهم اسپانیا محسوب میشود، قرار
دارد با وجود این همه زیبایی ها کمبود برق
و آب شامیدنی در پایتخت دیده میشود چنانچه
در موقع گرفتن آب سلسله نوبت خیلی طولی
میشود که ساعت ها باید انتظار کشید .

وسایط نقلیه شهری را تراموی (۶۷ کیلومتر)
سرویس (۲۳۲ کیلو متر) ، برای لیبوس
(۴۳ کیلو متر) و مترو در بر میگیرد که طول
خطوط مترو در داخل شهر به ۳۰۷ کیلو متر
و در خارج به ۵۰ کیلو متر میرسد . تعلیمات
ابتدایی و متوسط مادرید در حقیقت بدست
روحانیون بوده و تعلیمات عالی صرف بچوانانی
میسر میشود که از طبقات ثروتمند اجتماع
باشند . مادرید دارای یونیورسیتی بزرگ و
عالی بوده که در ۱۵۰۸ تاسیس و در حال حاضر
۴۰ هزار نفر محصل در آن تدریس میکنند.
پوهنتون مادرید شامل ۱۶ فاکولته مختلفه
میباشد .

بر علاوه انستیتوت اکادمی علوم، اکادمی
تاریخ، علوم اخلاقیات و سیاست ، اکادمی
علوم طبیعی، فزیک، طب، اکادمی کلتور
اسپانوی ، انستیتوت صنایع ملی همه در
مادرید تمرکز یافته اند .

موزیم مادرید در جهان شهرت زیادی داشته
موزیم های امپرادو، صنایع نفیسه و رسامی
ملی که در آن آثار آرتیست های اسپانوی،
پورترت های ایتالوی و غیره جمع گردیده اند
ولی از موزیم های بزرگ پایتخت اسپانیا که
شهرت زیادی دارند میتوان موزیم های
انترپولوی، اتنوگرافی، تاریخ قدیم و موزیم
ملی آرکیو لوژی را نامبرد . در میان تیاتر های
مقبول و زیبای مادرید از همه بیشتر تیاترهای
البینیژ، الکازار، سالدون، تیاتر اسپانوی
و فونتالبا معروف و عمومیت دارند .

مادرید از رهگذر مجلات و روزنامه ها غنی
بوده که ۸ روزنامه آن معروف است ولی از همه
بیشتر روزنامه (ای. پی. سی) (ادریبا) و (تا)
(انفارماسیون) و غیره حیثیت بین المللی دارند.
آژانس خبر رسانی اسپانیا بنام ای. اف. ای
یاد شده و تنها در مادرید چار استیشن رادیویی
و دستگاه عصری تلویزیونی فعالیت دارند .

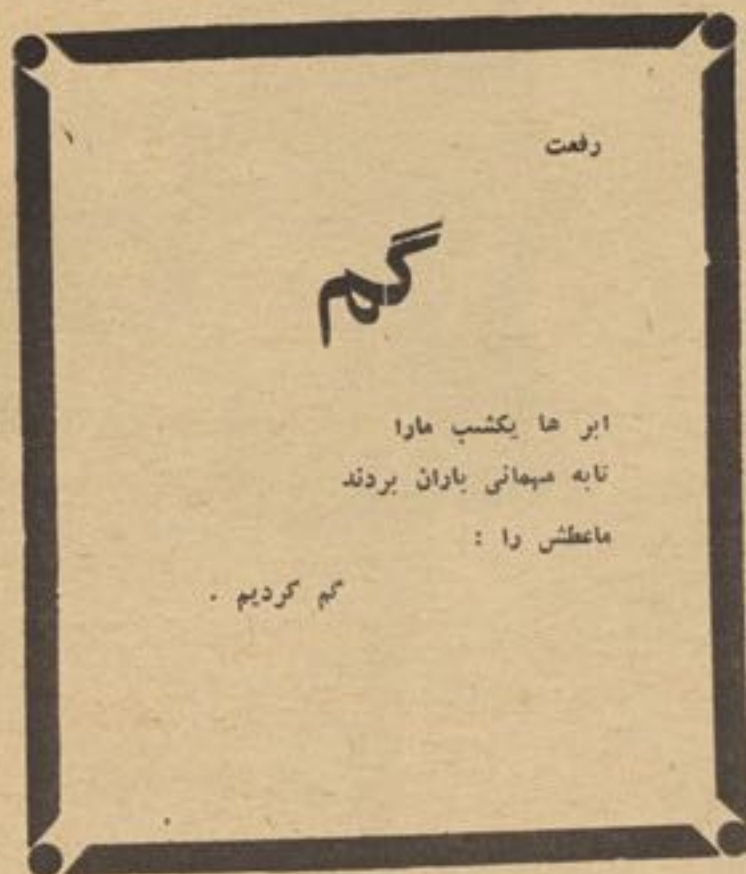
پایان

شعر...

لاتراوس

خه هم چیری فرزانه وم، فرزانه یم لاتراوس
تل بی خوده دیوانه وم، دیوانه یم لاتراوس
چهره‌علی به جهان یم خبرسوی به خیل خان یم
درازونوخزانه وم، خزانه یم لاتراوس
به عالم خماخبری خلق کایه نردی لری
به وگری الفسانه وم، الفسانه یم لاتراوس

چه دمن یلونی واشویومشال وه چه نماشو
هفهوم پر پروانه وم، پروانه یم لاتراوس
چه نی خان سره آشنا کیم له هر چانی شایه شا کیم
له عالمه بیگانه وم، بیگانه یم لاتراوس
هفته شان له خپله یاره، بی وکیله بی ریهاره
خه خوشحال چه یگانه وم، یگانه یم لاتراوس



پ - خانلی

درد

با من
دلت نگفت ، لبیت گفت
آن قصه ها که جان تو بهشت
لیک آن نهفته درد درون را
باتو
لبم نگفت ،
دلم گفت .

ژوندون

بیدل

مر ابرای من آفریدند

برای خاطر غم آفریدند
طفیل چشم من نم آفریدند
وداع غنچه را ، گل نام کردند
طرب را ماتم غم آفریدند
جوسبح آنجا که من پرواز دارم
قفس با بال توام آفریدند
اگر عالم برای خویش پیداست
برای من ، مراهم ، آفریدند
مهر موج آورد، آینه جوهر
دل بی آرزو گم آفریدند
کف خاکی که بر بادش توان داد
به خون گل کرده آدم آفریدند

خانلی

نوا یی زن!

صنم میگو ودر میخانه میرقص
نوا یی میزن وستانه میرقص
عجب ذوقی بود بارقص مستی
نویز ای باده ! در میخانه میرقص
برافشان دست بر ناموس وانگه
میان محرم بیگانه میرقص

به جان باغیر جانان در میا میز
به تن باعقل و دیوانه میرقص
دل از تمکین شود بی ذوق ، زنبهار
گاهی کودک شو و طفلانه میرقص
چو خون از زخم صید گشته میجوش !
چو دل درسته پروانه میرقص !

راغله لاره

لکه دتکی دتورې شیبې به زېږه کی
شی نابېرچی یوسپین پرک دېرېښنا
اودې لارو، لارو ولپاره
له گرتکونو ډکه لاروښی

یابه ترورمېو دنېلیو کی چی
اور اورکی دامیتو خلیری
اویاښه شی دنظرله له اورشو
دکورو مورو تورتمونو شانه

یاداسرود خوږه وچ موکل کی
چی یوناخپه نیز دهیلو راشی
اوکری یوواری یی بیانکلی خبی
دتلوسو دساحل وچی شونډی

یالکه رازو نیاز دپتی مینی
په خوترورو غلچکوکی تیر شی
پسی سلی دیلتهانه وزمولی
آدلیدوپه ارمان تری زپونه

بادیلتون له شوگیرونو څنی
چی له لیمونه لیردی خوب و آرام
له نیمه خواوو ارمانونو سره
داندېښنو له کاروانو نو سره

یالکه جوړه مخه ښی ته دیار
دېزو څوگونه راغلی او ښکه
یوه شیبه چی ستیدلای نشی
یوه شیبه چی تمیدلای نشی

هسی زما دژوند نیزالی هیله
هسی زما دژپه دکور میرمه
پس له عمرونو څنی راغله لاره
په رب دسترگوکی بس راغله لاره !!
دوکتورمجاور احمد زیار
نادرشاه مینه د ۵۴ وږی

پخته

میان موج سبز پنبه زاران
حبابی چون گهردر عقد هرشاخ
دل هر بته گویی داغدار ست
که ایشان عقده ازدل داده بیرون
غلط گفتم، نه این تبخاله باشد
صدف باشد، در ناسفته باشد
عرفای جبین پا ک دهقان
حباب دیر پای پنبه زاران

الهی باد الفزولتر ز باران

حسین عدی
۲۵ میزان - کندز

ساقی

ساقی رایوه پیاله دشراب غواړم
یار په غیږکی لکه چنگ ورباب غواړم
چی سپاز لکه دخما به لاس وی
په گذارنی دهر تارنه جواب غواړم
که په سم دستن کی اوښ تیروی نه سم
زه په جام دخپل نصیب کی دریاب غواړم
پس خورده دتازی آس څره له داروده
دایازنه څکه ناز دنواب غواړم
که قصور دعبادت زما معاف شی
په گناه به ختکه رب نه تواب غواړم
زه طالب احمد دین دومره نادان نه یم
چی دیره یمه په خوږکی سیلاب غواړم
«طالب احمد دین»

ویرینگ کانی

شاعر سیاه امریکایی

بی تصویر

او زیاتش را نمی شناسد
کمان میکند که بدن سیاهش
شکوهری ندارد .

اگر میتوانست برهنه برقصد ،
زیر درختان کاج .
وتصویرش رادر آب رود ببیند ،
آنگاه میدانست .

اما ، درخت کاجی
در خیابان نیست .

و آب نرفشویی هم تصویری منعکس نمیکند.

مرغلرو

ملا رحمت الله

دهقونه زده کړه فن دمرغلرو
چه سينه ئی وی معدن دمرغلرو
دغواص غونډی محنت په درد دچار شه
هوا پرېږده دغلن دمرغلرو

چه يوه دانه داوښکو پری ورتکړی
که څوک درکړی دوتنه من دمرغلرو
روح به څه حظ څنی واخلي له حماده
ورته به څلوه تن دمرغلرو

کاش هر دم «رحمت الله» پخپله تاته

سترگی ډکی کی لمن دمرغلرو

احمد

(۱۳۵ پېړی شاعر)

عاشقان که صنم غواړی صنم دادی
سوختگان که مرهم غواړی مرهم دادی
چه ئی لمر سپوږمۍ دحسن شانی نه دی

رېانی ددرست عربو عجم دادی
حاجیان درومی طوافی دکعبی کا
زه طواف دیارددرکرم حرم دادی
زندگی ددنیا غم دی راحت نشته
چه دیار غم یکښی وهری حرم دادی
یارچه مخ کله خرگندکاکله پټ کا
دغه مېرووفانه ده ستم دادی
دوزخ ندی جالیدلی به دنیا کښی
جدایی ستایه تحقیق جهنم دادی

پیوسته بگذشته

فریادهای

مرگ

- فراد معلوم دیروز شام خانم پروتیرو از باغچه منزل آقای کلمنت عبور کرده است .
- آری، این درست است و وقتی میگذشت به اوسلام کردم و اونیز گلهای مرابانظر تقدیر کننده نگاه کرد .

- میتوانید بگویند این برخورد چه ساعتی صورت گرفت ؟

- تقریبا هفده عهده دقیقه از شش گذشته بود زیرا چند دقیقه پیش از آن ناقوس کلیسا ساعت شش را اعلام داشته بود .

- خیلی خوب ، بعدچه واقع شد ؟

- خانم پروتیرو گفت که به منزل آقای کلمنت میرود و از آنجا باشوهرش یکجا به قصر خود شان بر میگردد . سپس از طریق درب حیاط وارد منزل آقای کلمنت شد .

- یعنی پروتیرو از درب عقبی وارد منزل جناب کشیش شد ؟

- آری . بشما نشان میدهم . سپس من و مدیر پلیس راباهیجان زیاد به باغچه منزل خود برد و درب راباز نموده گفت: از اینجا خانم پروتیرو از طریق دهکده آمده بود .

مالچت گفت :

- میدانم . خلاصه اینکه خانم پروتیرو وارد منزل آقای کشیش گردید ؟

- آری بخوبی دیدم که عرض حیاط را پیموده از گوشه عمارت دور خورد . اما فکر میکنم پروتیرو در آن لحظه آنجا نبود زیرا خانم بی معطلی مراجعت کرد و به آتلیه رسمی آقای ریدینگ رفت .

- میدانم . ولی آیا شما صدای سلاح بگوش تان خورد ؟

- در آن موقع نشنیدم .

- آیا خیلی بعد شنیدید ؟

- آری .. بنظرم اینطور آمده که در جنگل مجاور باکمی اینسو و آنسو صدای فیری بلند

شد ولی در حال این ... در حال این ...
میس مارپل خاموش شد و از شدت هیجان رنگش کاملا سپید شده بود .
مالچت سر تکان داده گفت : آری آری ...
روی این مطلب بعدا توقف می کنیم شما لطفا داستان خود را تمام کنید ... کجا بود ؟ خانم پروتیرو به آتلیه نقاش رفت .

- دوست است . داخل شد و مدتی آنجا ماند . کمی بعد آقای ریدینگ از طریق دهکده پیدا شد . به درب حیاط منزل آقای کلمنت نزدیک شده تگاهی به اطراف خود افکند .

- و شما را دید ، میس مارپل ؟

زن سالخورده کمی سرخ شد و جواب داد :
خیر ، مراندید چه درست در همان موقع من روی باغچه خم شده مشغول جیدن علف های هرزه بودم . اصلا خیشاوه کار دشواری است .

درست موقعی که من سر برداشتم دیدم مرد رسام از در منزل آقای کشیش وارد شده به سوی آتلیه خود میرود .

- آیا به طرف منزل آقای کشیش نزدیک نشد ؟

- خیر ... خیر ... مستقیما بطرف آتلیه خود رفت و خانم پروتیرو را در مدخل آتلیه استقبال کرد سپس هردو بداخل رفتند .

آنگاه میس مارپل به شکل معنی داری خاموش شد . من داخل صحبت شدم :

- شاید خانم پروتیرو تصویر خود را میکشید .

میس مارپل مختصرا جواب داد :

- شاید .

- از آتلیه چه موقع خارج شدند ؟

- تقریبا ده دقیقه بعد .

- یعنی ساعت چند ؟

- زنگ کوچک ساعت کلیسا را شنیدم

بودم . از درب عقبی حیاط خارج شده راه افتادند . در همان لحظه دوکتور ستون برای که بسوی قصر قدیمی میرفت ، روانه گردید و پس از طی حاشیه راه به آنسان پیوست .
غالبا چند لحظه بعد میس کروم نیز به آنان ملحق گردید درینمورد زیاد مطمئن نیستم ولی تصور میکنم اخیرالذکر باید میس کروم بوده باشد زیرا دامن پیراهنش خیلی کوتاه بود .

- وقتی ازین فاصله دور میتوانید اشخاص را دیده تعیین هویت بکنید حتما چشمان خیلی قوی دارید ، میس مارپل .

- من در آن لحظه به تماشای یک پرنده مشغول بودم و در آن لحظه دوربین خود را در دست داشتم . بهمین دلیل متوجه همراه شدن میس کروم به آنان گردیدم . طبعا باید آن خانم کلادیس کروم باید باشد .

مالچت گفت :

- امکان دارد ، وقتی ایبمه دقیق هستید آیا توانستید متوجه شوید که موقع خروج آقای ریدینگ و خانم پروتیرو در چه درجهی شان چه حالتی نقش بسته بود ؟

پیرزن خنده معنی داری بر لب رانده جواب داد :

- باهم حرف میزدند . چون در کنار هم بودند خیلی خوشبخت جلوه میکردند در حال متوجه هستید که من چه میخواهم بگویم ؟

- پس سیمایی گرفته یا اندوهگین نداشتند ؟
- خیر ، خیر ، بالعکس .

مالچت گفت :

- خیلی عجیب است . در تمام این جریان نوعی غرابت وجود دارد .

گفته های بعدی میس مارپل عادتا جان ما را به لب رساند . در نهایت سوال کرد : مثل اینکه خانم پروتیرو ادعا میکند که قاتل است .

مالچت نعره زد :

- این را چگونه حدس زدید ، میس مارپل ؟
- من فکر میکردم چنین چیزی اتفاق می افتد . تصور میکنم لیتس عزیز هم باین فکر باشد او دختر ذکی و تیز هوشی است ولی زیاد صداقت ندارد . بگذریم . یعنی آن پروتیرو مدعی است که شوهر خودش را به قتل رسانده است . من این حرف را باور نمیکنم آنهم از زبان زنی بخوبی خانم پروتیرو خیر ، من چنین روایتی را نمیتوانم قبول کنم . البته انسان نمیتواند نسبت بهمه اشخاص اعتماد داشته باشد که این حرف جداگانه ایست .

من این مساله را قبلا حدس زدم . خوب نگفتید آن راجع به ساعت قتل چه میگوید ؟

- ساعت شش و سی دقیقه . یعنی لحظه ای بعد از آنکه باشما صحبت کرده بود .

میس مارپل سر خود را با مهربانی اینسو و آنسو حرکت داده پرسید :

- خوب با چه سلاخی او را گشته است ؟

- با تیپانچه .

- سلاح را از کجا بدست آورده ؟

- از خانه با خود آورده است .

میس مارپل با قاطعیت غیر منظره ای گفت :
این قسمت راست نیست میتوانم این را بسوگند یاد کنم . چنین چیزی نزد او نبود .

- ممکن است شما سلاح را ندیده باشید ؟

- خیلی خوب میتوانستم ببینم .

- شاید تیپانچه در دستکول او قرار داشته است .

- آن، در آن روز دستکولی با خود نداشت .
- بالاخره شاید جایی آنرا پنهان کرده بود .

پیرزن تگاهی حقارت آمیز به مالچت افکنده گفت : شما بهتر میدانید زنان جوان با چه لباس و قیافه ای از خانه بیرون می آیند . هرگز فراموش نمیکنند که خدا آنان را در بدو خلقت چگونه آفریده بود . (آن) حتی یک دستمال را هم لای جرابش پنهان نکرده بود تاجه رسد به یک تیپانچه . این کاملا پیدا بود که چیزی مخفی با خود ندارد .

مالچت روی عناد گفت : ولی این را باید قبول کنید که برکه ها ادعای آنرا تایید میکند . مثلا ساعتی که روی زمین افتاده بود ، شش و ۲۲ دقیقه رانشان میداد و این

میس مارپل حرف او را بریده بمن گفت :
این موضوع ساعت چیست آقای کلمنت ؟
مساله را شرح دادم . مالچت ناراحت شده گفت چرا این مساله را ردیشب به مفتش سلاک نگفتید ؟

- بدلیل آنکه او مرا به حرف زدن نگذاشت و از من چیزی نپرسید .

- اشتباه شده ، باید برای تذکر این موضوع اصرار میورزیدید .

- مفتش سلاک آنطوریکه در برابر شما آرام است و اطاعت می کند ، بامن این بردباری را نشان نمیدهد . اصرار من غیر ممکن بود .

- واقعه عجیبی است . اگر شخص سومی پیدا شده و ادعا کند که پروتیرو او کشته است ، مسلما کار من بدارالمجانین می کشد . میس مارپل زیر لب گفت : میتوانم توصیه ای بشما بکنم ؟

- آری .

- به آقای ریدینگ بگوئید که خانم (آن) پروتیرو به قتل شوهرش اعتراف کرده و بعد هم اظهار عقیده کند که بنظر شما هم « آن » ممکن است قاتل باشد .

بعدم به خانم « آن » مراجعه کرده اطمینان بدهید که برای آقای ریدینگ ، دیگر خطری وجود ندارد . در چنین شرایطی است که هردو حاضر به گفتن حقیقت میشوند و این خیلی نفع دارد . اما من یقین دارم که این دو عاشق بدشانس درباره قتل چیز زیادی نمیدانند .

درد از طریق کار زندگی خود را پیش ببرد ولی چه کسی او را استخدام خواهد کرد؟ در یک هفته او را جواب خواهند داد. ولی اگر بخواهد مانکن شود باین وضع لباسی که می پوشد و شق ورق راه میرود، موفق خواهد شد ... آری بنظر من لیتس فقط به درد این شغل میتواند بخورد .

گریژلدا با سر اشاره مثبت کرده گفت : آری لیتس میتواند مانکن خوبی بشود. اندام فوق العاده متناسب و زیبا دارد . راستی او چه موقع این حرف را زد که از طریق کار میخواهد زندگی کند ؟

« با قیادارد »

خوبی هم بدست می آورم. دوکتور ستون هم مردی بتمام معنی چنتلمین است ولی هر چه باشد انسان در ساعات خارج کار به یک اندازه تفریح احتیاج دارد. دوین دهکده راستش مصاحبی بهتر از شما سراغ ندارم خانم کلمنت بقیه یک مشت پیرزن صراف اند .

من گفتم: ولی لیتس پروتیرو هم هست . میس گرام سر خود را بیکسو چنانده گفت: او امثال مرا به نظر حقارت می بیند و خود را خیلی درستط با فکر میکند. ازینجهت حاضر نیست با دخترانی امثال من که خود را بطریق کار زندگی خود را تامین میکنند، به صحبت بنشیند . باری شنیدم وی اظهار علاقه کرده که خوش

نیست ؟ وقتی خبر را شنیدم خیلی دچار حیرت شدم . با خود گفتم : عجیب است آیا در سن دهکده بی سروصدا و آرام آیا چنانیتی اتفاق افتاده ؟ بی سروصدا بودن دهکده را البته رد نمیکنید زیرا در اینجا اقلایک سینما وجود ندارد . بعدش هم از اینکه اطلاع یافتیم او را گشته اند بازم باورم نیامد زیرا تاجالیکه من می شناختم مردی قابل کشتن نبود. در حال این یک حادثه همچنان آور است و من دلم برای یک سرگرمی همچنان انگیز سخت مشتاق بود. البته نه بخاطر اینکه کارم خسته کننده است . نه کارم خوب است و پول

ولی از بین بردن پروتیرو فقط به نفع این دو نفر تمام میشود . پیرزن اعتراض کرد : - اینطور نگویید آقای مالچت . - چرا؟ آیا چیز دیگری بخاطر شما میگذرد ؟ - طبعاً .

سپس شروع به شمارش انگشتان خود کرده گفت: یک، دو، سه ، چهار، پنج، شش و حتی هفت نفر . آری قتل پروتیرو بنفع هفت نفر است و هر هفت در آرزوی از بین رفتن پروتیرو بودند .

مدیر پلیس در حالیکه حیران حیران به این بانوی پیرمی تگریست گفت :

هفت نفر و آنهم درست هاری مید ؟ میس ماربل سر خود را به شیرینی چنانده اظهار داشت : اما من حاضر به معرفی اسامی آنان نیستم چه این درست نیست می ترسم اشتباهی رخ دهد. حقیقت را خدایمیدانند و اسامی کاملاً گاه نیستند ، آقای مالچت. مدیر پلیس ترجیح داد خاموش بماند .

پس از خروج از منزل میس ماربل ، آنچه اسر پلیس راجع به پیرزن میگفت چندان مناسب و خوب تلقی شده نمیتوانست : (این مادموازل پیر تصور می کند از همه چیز با اطلاع است . در حالیکه از داخل این دهکده تاییک فرسخ به مسایل پیچیده زندگی نمیداند.)

بملاحت توضیح دادم که میس ماربل راجع به آنچه در دهکده اتفاق افتاده معلومات خوبی میتواند ارائه کند. و مالچت اظهارات مرا بادل نخواست تا یاید کرد و گفت : در حال او شاید با ارزشی است . مخصوصاً از لحاظ خانم پروتیرو . در گفتارش هیچگونه شبیه ای وجود ندارد .

- میس ماربل اظهار میدارد که خانم پروتیرو تپانچه با خود نداشته است . و این عین حقیقت است زیرا اگر آن پروتیرو با خود سلاح میداشت میس ماربل حتما آنرا میدید .

- این قسمت درست است . حال برویم سری باین آتلیه نقاش دیدینگ بزنیم . آتلیه ساختمان کوچکی بود که از سنگ اعمار شده بود، یک در داشت و در سقف آن شیشه کار شده بود. پنجره دیگری در آن دیده نمی شد. مالچت که اینک از اینکه خروج رسام و خانم آن ، بنون آنکه دیده شوند . ناممکن است ، مطمئن بنظر میرسید، گفت : من ازینجابه مرکز میروم و بعد در محبت مفتش سلاک نزد شما خواهیم شد .

وقتی از در خانه داخل می شدم یک سلسله زمزمه ها بگوشم خورد. درب اتاق پذیرایی را کشودم دیدم گریژلدا با هیجان زیاد بامیس گرام صحبت میکند. گلادیس گرام جرابهای سپید بپاداشت و در حالیکه پاهایش را روی هم افکنده بود گوش میداد .

وقتی حرف گریژلدا تمام شد، میس گرام مرادیده گفت: صبح بغیر پدر مقدس . واقعه پروتیرو خیلی وحشت آور است ، اینطور



ازدوستان

فکر او عمل

هم یوډول حرکت شته نوویلی شو
چه دواقعیت ټول اجزاء تل ترنله
متغییر متحرک او پر مخلونکی او په
نوی رنگ څرگند پری، چه دغه نوی
رنگونه له زړو رنگو نو څخه تو پیر
لری اودنویو حالاتو له غو بختنوسره
سمون خوری هیڅ لیک ددغه پرمختګ
ملخه نه شی نیولی ددغه پرمختګ موقتی
مخنیوی دهمدغه پرمختګ متانت
اوپو خوالی زیاتوی دواقعیت دبدلون
اوپرمختګ علت یوازی حرکت د-
واقعیت دمتضادو اړخو نو دمبارزی
نتیجه ده مثلاً که د واقعیت اړخونو
ترمنځ تضاد نه وی نو دغه واقعیت
به هیڅکله تغیر او تحول نکاوه نو
ویلی شو چه دواقعیت دبدلون او تحول
اساسی علت په خپله په واقعیت
کښی دننه دی چه عبارت دواقعیت
داړخونو له تضادو نو اوتنا قضاتو
څخه دی دا چه بدلون او تحول
پخپله داضدادو له مبارزې
څخه عبارت دی او خارجی عوا مل
په کښی مستقیمه برخه نه لری مثلاً
کله که په کوچنی کی عضوی لیک
او قدرت نه وی چه وگرځی نو که ده
تهدگر ځیدو ټول وسا بل چمتو هم
شی داکوچنی گرځیدی نه شی دا-
کوچنی هغه وخت گرځیدی لی شی
چه دده غړی په خپله غښتلی او قوی
شی.

په واقعیت کی بدلون او تحول
ارومرو مهال غواړی ځکه دواقعیت
زاړه اړخو نه اونوی اړخو نه سره
مبارزه کوی، نوی په زړو بریالی کیږی
له منځه ځی او نوی وده اوانکشاف
کوی، نوی په خپله په زاړه کښی پیدا
کیږی او په پای کی په عین حال کښی
چه په زاړه متکی هم وی زوړ له منځه
وړی اوځای یی نوی نیسی دغه نوی
اړخ نسبتاً دیوبل زیات نوی داخلی
اړخ سره بیا په مبارزه لگیا کیږی
په پای کښی زیات نوی بریالی
کیږی اونسی نوی له منځه وړی په
پاتی په (۶۰) مخکښی

دیونان فیلسوفانو په تیره بیا
ارسطو ددی دپاره چه فکر له خطاؤ
څخه سالم او محفوظ پاتی شی، یو
شمیر قواعد او کلیات ایښی دی چه
دی قواعد او کلیاتو ته منطق وایسی
څرنگه چه دغه قواعد او کلیات په
صوری اومادی دوو برخو ویشل
شویدی نو له همدی کبله منطق هم
دوه ډوله لری چه یوه ته زوړ اوصوری
منطق وایی او بل ته مادی اونوی منطق
وایی دمنطق موضوع هغه کلیات او
قواعد دی چه دسم فکر په پیدا کولو
کښی له هغو څخه کار اخیستل کیږی
دغه قواعد یوازی تشخیلی او-
تصوری قواعد نه دی، بلکه مهمه او
اساسی برخه انسان دشعور په-
مرسته له طبیعت او ټولنی څخه لاس
ته راوړی دی نو یوازی طبیعت او
ټولنه ده چه انسان ته یی سم منطق
ښودلی دی له همدی کبله انسان په
دی پوه شویدی چه هره چاره چه له
طبیعت او ټولنی سره سمون نه لری
دداسی چاری په سرته رسو لوهیڅ
سبک او قدرت نه لری انسان یوازی
هغه څه کوی چه له طبیعت او ټولنی
سره سمون لری اوداسی کارته
وړاندی کیدل چه له طبیعت او ټولنی
سره سمون نه خوری عبث بو لی.

څرنگه چه طبیعت او ټولنه یو
واقعیت دی اواقعیت یی شمیره
متضاد اړخونه لری نو دهمدغو متضادو
اړخونو یووالی او وحدت دټولو طبیعی
اواجتماعی فعالیتو نو دعلت یعنی
حرکت بنسټ اواساس دی دواقعیت
اړخونه سره یو تر بله یو پر بل اغیزه
اوتأثیر کوی اوددی اړخو نو تر
منځ ټینګ ارتباط او اړیکې وجود لری
دواقعیت داړخو نو ترمنځ اړیکې
یامثبتی اویا منفی انسان دشعور په
مرسته دگټورو او مضرو اړیکو په
پیژندنه بریالی کیږی اود خپلی گټې
دپاره له دغو اړیکو څخه کار اخلی
څرنگه چه حرکت مطلق او سکون
نسبی دی یعنی دسکون په حالت کی

گمشکو

په قلبش مهر اغیار است گمشکو
لبش گر لعل آبدار است گمشکو
کتون دوست ریاکار است گمشکو
قدش چون نخل بی بار است گمشکو
په پشتت مست گفتار است گمشکو
په مود (نو) گرفتار است گمشکو
رخش چون نقش دیوار است گمشکو
سرایا پوش طومار است گمشکو
اگر شوقش به بازار است گمشکو
بگردن زرد بخروار است گمشکو

دلا دلبردل آزار است گمشکو
ترا در آتش هجرش بسوزاند
بروز اولت گفت من ترا دوست
به تنهایی بسوز و بالم ساز
به مگرو حیله گرید پیش رویت
نباشد در غم بود و نبودت
خونت بر لب بهالد عو ش رنگ
به عرف وعادت لرتوت بود بند
چو درخانه درآیی او بر آید
ندارد طوق دانش یا که ببتش

به خواستهای زمان گزینست تابع

نه بر دین بلکه دیندار است گمشکو

پویان سیدی

ولیا تجلی

مهرگان

شراب کهنه آرد بهر من ای باغبان امشب
ز سوز قلب پر دلم مگر بلبل خبر دارد
شمال سرد پائیزی دل و جان مرا افسرد
بحسرت یاد می آید بهار پار یفغان را
بجزاز صحبت مستان نمی خواهد دلم چیزی
بیای مونس دیرین فراموشم مکن دیگر
جهان بی وفا را چون وفائی نیست میدانم
دل بلبل بلرزاند هوای مهرگان امشب

سخندان نغز در باره زن

- زن بهترین و آخرین تحفه آسمانی است.

(میلتون)

- زن کودکی است که با اندک تبسمی خندان و با کمترین بی مهری گریان می شود.

(هرود)

- زن تانزاید دلبر است و چون بزاید مادر است.

(انگلیسی)

- قلب زن هر گناه مرد را می بخشد به جز یک گناه و آن علاقه داشتن به زن دیگر است.

(روس)

زن در عشق سرد نمی کند زیرا اگر سرد می کرد هرگز دل به عشق نمی سپرد.

(گریگوری بک)

- آن جاه که ازدواج بدون عشق صورت بگیرد حتماً عشق بدون ازدواج در آن رخته خواهد کرد.

(فرانکین)

- یک زن که دانا و وظیفه شناس نیست نقش یک جسم متحرک را بازی می کند.

(ژرژ ساندر)

- زن در جوانی معشوقه مردود زمان پیری پرستار اوست.

(بایکون)

ارسالی : آینه از ولایت کندز



گوشه‌ای از صحنه‌ای درام هشتم می‌باشم در ادیتورم لیس استقلال

هشتم می‌باشم

حیران می‌ماند و نمی‌داند چه کند... بالاخره از انتوانت وقت می‌گیرد تا درباره فکر نماید. کنتس، خاله هوبرت سخت مخالف طلاق است. از اینرو نمی‌داند چگونه موضوع را به کنتس بفهماند.

روزی کنتس نیز از موضوع باخبر می‌شود. این صحنه نیز تماشایی و جالب است.

همه هنرمندان نمایشنامه در رول خود موفق به نظر می‌رسند و کمتر خلایق در کار هایشان به ملاحظه می‌رسد، تازه این هنرمندان حرفه‌ای نیستند و در همین جا در کابل همکاری خویش را با مرکز کلتوری فرانسه شروع نموده‌اند که به این اساس می‌توان بازی‌شان را تحسین نمود، به دیده قدر نگریست و چشم گیر دانست.

چند نفر محدود از هنرمندان این کمپیدی سابقه خیلی کم از هنر تئاتر دارند و پس.

موقعیکه کنتس از واقعه‌ای که به وقوع پیوسته مطلع می‌گردد، مجبور می‌شود تا کوشش نماید موقعیکه کار دینال به آنجا آمده‌اند موضوع چیزی نفهمد اظهار می‌دارد که اگر کار دینال از موضوع آگاه نشد و خواهرزاده دیگر خود را یعنی برادر هوبرت را کار دینال مقرر نمود به طلاق آنها موافقت خواهد کرد. انتوانت که نامزد خود را نیز با خود آورده در قصر مدت کوتاه راسپری می‌نمایند. درین مدت هوبرت تغییر عقیده داده و حالا می‌خواهد تا با همین انتوانت اصلی زندگی نماید.

از لابلای دوسیه...

کوناگون صورت می‌گرفت تا در اثر آن، شخص متهم مجبور با اعتراف ساخته شود و در نتیجه سبب آرامش و اطمینان و جدان محکمه گردد.

چنین حکم صادر شد که بایستی نخست دست هایش را از بند قطع کنند و سپس خودش را زنده در آتش افکنند و اینگونه جزا به صورت استثنایی در مورد کسانی اجرا می‌گردد که مرتکب قتل پدر و یا مادر می‌شوند، اما در مورد همسر او، حکم چنان صادر گردید که وی را بدون قطع دست همچنان زنده و سالم در آتش بسوزانند.

مطابق بحکم محکمه، سوال معینی و مورد نظر اجرا گردید، طوریکه متهم را از دوشانه آوریختند و کره‌های بزرگ آهنین را دریاها یش بستند و تمام اطراف بدنش را با تناب‌ها در هم پیچیدند و افراد موظف در حالیکه سر تناب‌ها را در دست داشتند بسمت‌های مختلف کشش می‌کردند و عذاب بدان حد رسید که برخی از اعضای بدنش از هم جدا گردید و چون این عذاب در حقیقت، عذاب در جریان تحقیق و به قصد اعتراف متهم انجام می‌یافت، این متهم در آن حال نیز با کلمات لرزان و حزین پیوسته برائت و بی‌گناهی خویش را ابراز می‌داشت و مقاومت و تحمل او بحدی بود که موظفین همه در حیرت رفته بودند و متهم در حالیکه کلمه برائت و شعار اینکه دستش بخون مادرش آلوده نشده، حکم محکمه نافذ گردید و اعدام وی انجام گرفت اما او همانطور بدون اعتراف از جهان رفت.

قبل از اعدام، مردم همه در عرض راه در انتظار رسیدن متهم بودند و چون او را دیدند برخی کلمات زشت و طعن آمیز بوی حواله کردند و او پیوسته برائت خویش را بر زبان داشت و چون به محل مو عود اعدام رسید و محل آتشی را که اکنون در آن انداخته میشد بچشم دید باز هم اصرار خویش را دوام دادند تا بقتل اعتراف نماید، ولی او می‌گفت: «مغفرت می‌خواهم از خداوند در گناهانی که از من سر زده است ولیکن از گناهی که هرگز از من سر نزده چه مغفرت بخواهم؟» در عذاب و شکنجه او بحدی مبالغه

نامزد انتوانت نیز بایکی از خدمه‌های قصر آشنا می‌شود و پنهانی با هم ملاقات نموده و عاشق سینه چاک یکدیگر می‌گردند.

صحنه دیدنی دیگر این نمایشنامه موقعی است که کار دینال از موضوع باخبر می‌شود و آن وقتی است که کار دینال در تراس مشغول مطالعه می‌باشد که زمره عاشقانه هوبرت و ژیزیل را می‌شنود، ازین بابت خیلی مایوس می‌گردد و انتوانت را که فکر می‌کند خانم اصلی هوبرت است از جریان باخبر بسازد، اما متوجه می‌گردد که انتوانت هیچ عکس‌العمل منفی از خود نشان نمی‌دهد. کار دینال سخت متعجب می‌گردد. بالاخره هوبرت تصمیم می‌گیرد که با انتوانت مرسیه زندگی کند، ژول و آن خدمه اظهار می‌دارند که می‌خواهند با هم ازدواج نمایند. به ژول و معشوقه‌اش، انتوانت مرسیه وعده

دادند که سبب مرگ زن مذکور حمله قلبی بوده که در اثر خوردن افراطی مشروب الکلی اتفاق افتاده و چون او بی اختیار بر زمین سقوط کرده لذا این جراحات و صدمه‌ها را بار آورده است و از نگاه دلایل طبیعی و جراحی هیچ دستی درین حادثه دخیل نیست، از اینرو حکم محکمه درین باره عاری از حقیقت و دور از هرگونه دلیل قانونی است. ولی افسوس که اکنون شخصی بموجب این حکم با درد ناکترین حالی زندگی

اش را از دست داده است. در نتیجه بتاريخ ۸ اپریل سال ۱۷۷۲ حکمی در باره برائت و بی گناهی این زن و مرد صادر گردید، ولی چه حاصل که این حکم در برابر یک عمل انجام شده قرار داشت، مردم در حالت تأثر می‌گفتند: این قربانی انحرافات قضایی، چه شهادتی است بزرگ و عالیمقام!

باز در هم رسید و امر صادر کرد که بموجب آن حکم و قرار محکمه استیناف که در نهم نومبر سال ۱۷۷۰ در مورد این متهم صادر شده بود نقض و فسخ گردید، در همین حال «ولتر» نیز که ازین جریان نهایت متأثر شده بود انتقادات شدیدش را علیه نظام و قانون عدالت آنجا وارد ساخت و ضمن هزاران نسخه نشرات جریان موضوع و دور از واقعیت بودن آن را بگوش همه مردم رسانید.

اطبای معروف جراحی احضار شدند و مجلس بزرگی تشکیل گردید تا حقیقت موضوع روشن شود که علت مرگ آن زن چه و مسئولین محکمه نیز روی چه دلیلی و استنادی اینگونه فیصله و حکم صادر کرده‌اند، در مجلس همه جوانب قضیه چه از نظر طبیی و چه از نگاه قانونی مورد مباحثه قرار گرفت و بالاخره ثابت

دغابونوپه داکتری کبني

کړی شی اود غابونو نو دویځلو په وخت کبني باید دمسواک نیما یی برخه دغابونو نو په مخ او نیما یی نوره برخه یی دغابونو نو په اړخ واکبیری دوهمه داچه هڅه وکړی چه دغابونو نو ترمنځ خایونه او په تیره بیا هغه غابونو نه چه یو دبل سره زیات نښتی وی دغابونو دمحصولو صو نارونو په وسیله پاک کړی.

دریم داچه هغه نابلیتونه چه دغابونو داکتر ناسی نه در کړی او بی ضرره دی وژوی دغه نابلیتونه دغابونو نو دباکتریو ټوټی راسپړی او ناسی کولی شی چه دهینداری په مرسته هغه وړینی دغه برخه بیا په مسواک وبری ترڅو نسی پاکي شی. څرنګه چه څیرنو څر ګنده کړی ده دباکتریو ټوټی کولی شی چه په خلیو ویشو ساعتو کبني بیا جوړی شی که هره ورځ مسواک وکړو ته دوام ورکړی ستاسی غابونو نه به د باکتریو له ناحیې څخه دضرر او خطر څخه خوندي پاتی وی.

دغابونو داکتران یقین لری چه به دغو لارو عمل کول بالا څیره ستاسی غابونو نه روغ وساتی. دغابونو نو داکتران وایی چه دفلور له مادی څخه استفادی دامریکی به زیاتو ښارونو کبني دغابونو نو خرابوایی او چنچي خوړل په ناڅاپی او حیرانوونکی توګه کم کړی دی.

دفلور څخه د استفادی فکر ۱۹۰۰ کالونو په لومړیو وختو نو کبني پیدا شو یعنی هغه وخت چه دکلورا دو به ایالت کبني دغابونو نو داکتران دردریک مک کی دی ته متوجه شو چه ددغه ایالت دخلکو غابونو نه قهوه ایزه ښه لری او په دی ترڅ کی همدغه خلک ډیر لږ دغابونو نو په درد اود غابونو په ریزیدو اخته وو ډیر کلونه تیر شول ترڅو څر ګنده شوه چه هغوی دغابونو نو دقهوه ایزی ښی اود چنچيو خوړلو داندازی دکموالی علت هغه څه وو چه هغوی دڅښلو په اوبو کبني یی ځای نیولی و او هغه دفلور څخه عبارت دفلور یو ډول کیمیا وی ماده ده چه غابونو نو جذب کړی او هغه یی سخت او کلک کړی دی او په نتیجه کبني دچنچي خوړلو په ناروغی لږ اخته کبیری په پای کبني څیرونکو دا خبره څر ګنده کړه چه په

دوی سره سره دفلور لرونکو اوبو څښل دټولو خلکو دپاره یو ډول ګټه نه لری او باید په دی برخه کبني څینی شرايط په نظر کبني ونيول شی اول داچه باید دغه ماده په ځوانی کبني سړی ته ورکړی شی ترڅو اغیزمنه واقع شی فلور په لومړیو کلونو کی چه غابونو ده کوی دغابونو نو ډوبی برخی ښه غوره کوی، هغه کسان چه غابونو یی په کافی اندازه وده کړی وی هغوی له فلور څخه تر یوی

اندازی پوری دساتنی استفاده نه شی کولی، سر پیره په دی یوزیات شمیر امریکا لیان یعنی له هرو څلورو تنو څخه یون یی خپلی دڅښلو اوبه له څه څخه تر لاسه کوی چه په هغوی فلور اچولی نه شو.

له دی امله دغابونو نو داکتری د ځانګی پوهان هڅه کوی چه دساتنی نوی طریق پیدا کړی.

دمیکرو بونو په مقابل کبني د غابونو نو دساتنی دپاره یوه لاره واده چه قند لږ و خوړل شی ځکه پوهان دی نتیجی ته رسیدلی دی چه دغه باکتری په قند او خوړو شیانو کبني وده کوی اوسمهنا خواړه شیان اسید تولیدوی اواسید هم دغابونو نو د خرابی سبب کبیری. له دی امله چه هرامریکا یی په منځنی ډول په کال کبني ۴۵۰ کیلو په شا وخوا کی قندی مواد لکوی شک نه شته چه خوراکی ناوړه رژیم په هغوی ته صد مه ورسوی دغه مطلب په تیره بیا په هغو کوچنیانو کبني زیات صدق کوی چه د خوړو او خوړو لرونکو شیانو د خوړلو سره زیاته علاقه لری.

له دی امله چه د خوړو شیا نو د خوړلو څخه د کوچنیانو مخه نه شو نیولی نو پوهان دهغوی دغابونو نو دساتنی دپاره بله لاره پیشنهاد وی دمثال په ډول دغابونو نو او میکرو بونو ترمنځ دساتنی د یوسپر په جوړولو سره دهغوی دغابونو دساتنی سره مرسته کیدلی شی.

پوهانو له کلونو کلونو ازما یښتونو نه وروسته یو ډول بلاستیکی ماده جوړه کړی ده اود غابونو نو په مخ مزل کبیری او په لږه موده کبني وجه اوسختیری او دغابونو دپاره یو نامریی پوښ جوړ وی دغه بلاستیکی پوښ دوه مشکله ایجادوی لومړی داچه یوازی دغابونو نو دیو ډول فساد په مقابل کبني اغیزمن دی او هغه له هغه فساد او خرابوایی څخه عبارت دی چه دغابونو په غاړو پیدا کبیری.

دوهم سره له دی چه دغی مادی په ازما یښتو نو کبني مطلوب په نتیجه ورکړی دمخرنګه چه کار له پیل څخه تر اوسه پوری زیاته موده نه تیریزی نو دغابونو داکتران نه شی کولی پیڅی ډاډور کړی چه دټولو خلکو دپاره به مطلوب بی اغیزی ولری له دی نه پرته نوموړی بلاستیکی پوښ باید کله کله بدل شی.

دغابونو دساتنی دپاره نسوری لاری دغابونو دڅیر نی دملی مؤسسی دیوهانو په وسیله پیشنهاد شوی دی چه دغابونو دروغتیا دمسو ولودولتی

ادارو څخه ددغه پرو ګرام هدف ډیر ساده دی او هغه دغابونو دټولو خرابیو له منځه وړل دی. دهغو نظریو له جملی څخه چه د غابونو دروغتیا دساتنی دپاره یی سپارښت شوی دی یوه هم دا ده چه د باکتریو د تولیدو نکو میکرو بونو دله منځه وړلو دپاره واکسین تطبیق کړی او په آنتی بیو تیکو ټولرونکو اوبو باندي غابونو نو وینځل شی. دغه اوبه میکرو بونه وژنی او حتی دفلور څخه هم ښه غابونو کلک ساتی ددغو نظریو څخه یوه یی هم تراوسه پوری استفادی ته تیار نه ده خوا میدی چه ځینی نظریی به یی تر خورا لږو نکو کلونو پوری له لابر اتوارونو څخه را وځی اود غابونو نو داکتران به دغابونو نو دناړو غیو په تداوی کی استفاده تری وکړی.

ددی په څنګ کبني لکه څنګه چه وویل شول دغابونو داکترانو کنځنی به تردی وروسته دخلکو دپاره دویزی اودار ځای نه وی په لومړیو کلونو کبني دغابونو داکتر ته دورتللو دګټو څخه دخلکو خبرول به ددی سبب شی چه دامریکی راتلونکی نسل به دغابونو داکتر ته دورنگ څخه څه ویره اودار نه لری.

دغابونو دناړو غیو کنترول او مخنیوی تقریبا دمخنیوی وړ ناروغیو څخه دغابونو ساتل دامریکی دغابونو داوسنیو داکترانو ستر هدف دی اوسنی اقدامات اوفعالیتونه څر ګند وی چه تر څو نورو لسیزو پوری په متحده ایالاتو کبني دغابونو د ډاکتری کسب دکسبو نو نه رديف څخه ووځی.



اطلاعات وکلتور

رئيس تحرير: محمد ابراهيم عباسي

مدیر مسؤول نجيب رحيق

معاون: پيغله راحله راسخ

مستهم: علي محمد عثمان زاده

تيلفون دفتر رئيس تحرير ۲۶۹۴۵

تيلفون منزل رئيس تحرير ۲۲۹۵۹

تيلفون دفتر مدير مسؤول ۲۶۸۴۹

تيلفون ارتباطي معاون ۱۰

تيلفون منزل معاون ۴۰۷۶۰

سو چپورد ۲۶۸۵۱

مدیریت توزیع ۵۹

آدرس: انصاری واک

وجه اشتراك:

درداخل کشور ۵۰۰ افغانی

فامیل پر معلومات

يك شب كه با اعضای فامیل پولدار زاده دور يك ميز نشسته بودم ازمن خواستند تادریاره موضوعی صحبت كنم ناچار گلویم را صاف كره بیه سخنرانی آغاز نمودم، میخواستم دریاره سیاه ست حرف بزنم، از استعمار وامپریالیزم، مشکلات كشورهای روبه انكشاف، بلاك های سیاسی و خلع سلاح صحبت نمودم، دیدم، قیافه های همگی شان درهم رفت.

خشویم طاقت نیاورده گفت:

خلع سلاح... ای چه مزخرفات اس بعضی ایكه راجع به دست پخت مه صحبت كند چه میكه انسان به خوراك زنده اس... چرا از خوردنی ها كپ نمیزی... آدم باید وقت خود صرف معلومات غذایی كند آخر گفته اند كه عقل سلیم در شكم سپر است به خوبه دخترم گفته بودم كه سرای بچه بوی قورمه چلو كوفته دارم بیه نامزد در حالیکه از خشم مثل لیلوی قندی سرخ شده بود گفت،

چرا دریاره سینما صحبت نمی كنی... ای چه چرندیات اس كه... میگی

برادرش هم اعتراض كرد:

بابا از فو تبالست ها كپ بزن یا قهر مانان زیبا بی اندام و خسرم انتقاد نمود:

پرندگان، خزندگان، پستانداران از دنیای اینها حرف بزن ماره به استعمار و خلع سلاح چه غرض دنیای سوم و ممالك روبه انكشافه چه كنیم؟

خلاصه دیدم وضعم بكلی خراب است، یا از وصلت با این فامیل دست بشویم و یا باید «آدم» شوم یعنی آدم پر معلو ماتی كه به سازهر يك از اعضای فامیل پولدار زاده رقصیده بتواند، خلاصه من آدم دلخواه آنها شدم، آخر خسرم كار خوب و جو کی قشنگی برایم دست و پاكرده بود.

بعد از آن من فهمیدم كه چكو نه بحث كنم، ولی مشكل من این بودكه باید زمانیکه تمام اعضای فامیل پولدار زاده يكجا هستند طوری صحبت كنم كه دل همه را بدست آورم، آنوقت سخنرانی من چنین شكلی رايخود میكر فت.

عرض كنم حضور شما كه فرا نك سینما ترا اخيرا برای

شرایط عادلانه زیست و كار

هامی بینند و امید واری ها از جهتی هم دوبالا می شود كه كشور های متمدنی و سازمان های آزادی آفرین و مردان آزادی دوست و آزادی پسند جهان يكجا با زنان، دست بدست هم در رفع مظالمی می كوشند كه سالهای سال برابر طول تاریخ بر زنان تحمیل شده است.

در اعلامیه، اختتامیه كنفرانس ماسكو خواست اساسی و انسانی كنفرانس را تأمین صلح پایدار و دایمی جهان، رفع تبعیض لسانی و نژادی و ایجاد محیط مصئون از بی عدالتی های اجتماعی خاطر نشان ساخته و از مبارزه مردمان جنوب آسیا، كشور های عربی و مبارزان فلسطینی و ممالك تحت استعمار قویاً دفاع گردیده است.

به امید تدویر كنفرانسهای ملی و بین المللی زن زند باد نهضت ملی و بین المللی زنان.

زندگی انسان

درست نكند وار غنایم و داشته های آن بنفع خود استفاده نكند و تمدن خویش را ازین طریق وسعت ندهد بخشد ؟

چنانچه در مسیانیه پلان های اعمار خانه های تحت البحری نیز رویدست گرفته شده است.

بشر با این تمدن نوین یعنی با آغاز زندگی در بحر میتواند به طبقات مختلف بحر آشنا شده بزنگی خرجك ها، ماهیان، نهنگ ها، صدف ها و سایر موجودات بحری كه شاید خیلی ها برای زندگی بشر مهم نافع و ارزشمند باشد آشنایی یابد، زیرا ابحار نیز در قلبش خزان را نهفته دارد.

طوریكه میدانیم كانال های منكان همه در سطح ابحار قرار دارد گذشته از آن ابحار دارای منرال ها میباشد و اگر ما همه منرال ها را امتزاج دهیم همه قارها از پنجسای مرمرا لها پوشیده شده میتوانند بهمه حال اگر بشر مستقیماً در بحر اقامت اختیار كند و یا نكند بوجود اقیانوس ها و ابحار تازه است نیاز دارد و مفكوره اعمار شهر های زیر آب بوسیله دانشمندان جایابی در نوع خود بیسابقه و عالی است.

شده تجار و گرانها و سنت های ارزنده ای با خویش دارند كه با تحلیل خاص شرایط اجتماعی قابل تطبیق به حساب می آید و كنفرانس های بین المللی راه تبادل افكار و آموختن تجربه های علمی و تجربی را باز می نماید.

آنچه نمایندگان كشور های افریقا، آسیا و امریكا ی لاتین طرح مینماید به یقین با همه مختصات بین المللی، مطالب مذکور نشانه های ملی و قاره وی را با خود دارد و بر عكس صحبت نمایندگان كشور های متمدنی از نتایج مبارزاتی نمایندگی می نماید كه برای زنان كشور های عقب كذاشته شده آموخته شده است.

این تبادل افكار و اتخاذ تصمیم در طول سال ۱۹۷۵ به سویه ملی و بین المللی چنان ذی اثر و با تأثیر است كه با گام های بعدی در دهه انكشاف زن و آتی نهضت پیروزمند زنان چهره جهان را دگرگون خواهد نمود و آن اینکه امروز همه انسان دوستان و طرفداران عدالت اجتماعی و رفاه همگانی، آینه سعادت مند را در پیوند تساوی زنان با مردان بدون تبعیض در همه ساحه

ارزش زیاده این تابلو قایل شدم.

از (نانا) پرسیدم كه آینده هنر را در جهان چه مبینی گفت:

هر جا كه رویم و هر سبکی را كه انتخاب كنیم و هر مكتبی را كه بوجود آوریم بالاخره به ریالیزم رو خواهیم آورد و آنرا نمیتوانیم از بین ببریم.

وقتی خواستم هنرش را با یگانه طفلش در معرض مقایسه بگذارد و بگوید كه كداميك نزدش ارزش بیشتر دارد این مادر كه واقعا احساسات مادری اش طغیان كرده بود گفت: اگر روزی مصروف نقاشی باشم و ظلم كره كند همان لحظه است كه هنرم فراموشم خواهد شد و دنبال طفل خویش خواهم رفت نه به عقب نقاشی هایم ولی اگر شوهرم مانع كارم شود جدا دنبال نقاشی را خواهم گرفت و به تقاضای او توجه زیادی نخواهم كرد.

آخرین پرسش را از میرمن (نانا شورمایر) چنین مطرح كردم كه اگر روزی خواسته باشی كه پور تریتی از خود بكشد چه سبکی را بكار خواهد گرفت.

در حالیکه میخندید گفت: من از كویزیم پیروی خواهم كرد ولی از ریالیزم بیرون نخواهم شد.

ششمین بار ازدواج نموده و لسی برزیت بار دو کی از او پس می ماند او هم شوهر هفتم خود را عنقریب طلاق خواهد كرد اما جالب اینست كه زرافه عجب گردن درازی دارد این گردن دراز كمك ميكند تا برگ های درختان را خورده بتواند خرطوم فیل خیلی بدردش میخورد ولی يك قاشق مرچ، قدری لیمو مقداری لوبیا نخود، گندم و با قلی آس را فوق العاده مزه دار می سازد گرچه محمد علی كلی هنوز هم یكه تاز میدان بوكس و پله ستاره فوتبال است ولی پلنگ افریقا بی ومار بووا از خطرناكترین حیوانات محسوب میشوند و باید علاوه كرد كه كبابه مولن روز در شانزه لیزه پاریس محل تجمع ستاره های سینما است.

بلی طوریكه می بینید حالا آدم پر معلو ماتی شده ام راستی خوب شد یادم آمد، اکنون من باید سری به باغ وحش بزنم تا حرفهای تازه ای برای خسرم داشته باشم و ضمناً بایست كتاب آشپزی مدرن را با چند عكس فلمی خریده با خود برای نامزد و خشویم ببرم.

نمایشگاه آثار

چنان با آن انس گرفته كه بگفته خودش وقتی میخوام پورتیتی رسم كنم تنها یكبار لازم است تا چهره يك افغان را بینم از یثرو آدو دارد كه مدت زیادی را درین كشور سپری نماید گرچه چندی بعد او بوطنش خواهد رفت ولی آرزوی بازگشت به افغانستان را از همین حال در ذهن خویش دارد.

(نانا) كه در پورتیتی های خویش نام های چون «عبدل»، «گل جان» و غیره گذاشته نه تنها چهره مادران تابلو ها خیلی بواقعیته كشیده شده بلكه نام های انتخابی آن نیز با واقعیت توأم است وقتی متوجه شدم كه یکی از تابلو هایش «قیمت عروس» نام دارد بر آن قیمت زیادی را گذاشته پرسیده شدم كه از چه میدانی عروس ها قیمت دارد و به پول خرید و فروش میشوند گفت:

این يك واقعیت است كه عروس دارای ارزش است و این دو میان مردم اروپا مخصوصاً جرمن ها متداول است كه میگویند: (عروس با ارزش) و غیره كه من هم روی همین عقیده

پله همه گفته هایش
رابه دالو ترجیح داد



تیم فوتبال کابل به عراق میرود



یادداشت ویرسپ های فوتبال امروز آشنا ساخته که این تقیصه در چنین مسابقات خلی بسا بزرگ و جبران ناپذیر است بودند عدد که عضویت رادرین تیم حاصل نمودند از عدد همجو مسابقات باشکرت شان به خوبی بدر آیتند، زیر آنان باتجربه ترجیزفهم ترو میدان دیده تراند که کمیته انتخاب تیم الدکی توجه به خرج میداد به یقین کامل گفته میتوانیم که نتیجه خوبتر و بهتر حاصل میشد امید است جوانان پر قدرت و آزموده که درین مسابقات شرکت میکنند با نتایج خوب و سودمند به کشور باز گردند.

ع - لطیف

و برای بار سوم به هانکانت دور هم جمع میشوند و مسابقاتی را انجام خواهند داد و تیمی که فعلا بنا م فوتبال افغانستان در یازدهمین دور مسابقات فوتبال کشور های آسیایی اشتراک میکند از نگاه تشکیلات خود خوب است ولی از نظر استراتیژی مسابقه چندان آشنائی ندارند و در بین بازیکنان این تیم جوانان خیلی خوب ورزیده و آزموده دیده میشود که از نگاه تاکتیک تخنیک خوب بازی موفق هستند ولی عدد هستند که درین شرایط خاص بازی که اشتراک عدد بی زیاد از فوتبال بازان ماهر و چیره دست کشور های شرکت کننده میباشد آنان کمتر آموختن و کمتر خود را

یازدهمین دور مسابقات فوتبال جوانان آسیا روز ۲۹ قمر در عراق دایر میشود . حیات بیست و دومتری فوتبال بازان افغانی غرض اشتراک در یازدهمین دور مسابقات فوتبال کشور های آسیایی که در عراق برگزار میشود یک سلسله مسابقات فوتبال را مطابق به پروگرام مرتبه فدراسیون فوتبال آسیایی پاکستان های بنگله دیش، عراق، عربستان سعودی، هندوستان نیپال و قطر انجام خواهند داد .

بعد از ختم این مسابقات تیم هائیکه در ین دور سهم میگیرند برای بار دوم به کشور بنگال

پله مروارید سیاه بازیکن سرشناس فوتبال جهان از گوشه گیری خارج میشود به همه گفته هایش که پشت پامیریزد برای دیگر داخل میدان سبز فوتبال میشود .

او که قول داده بود دیگر پیراهن تیمی رابه جز سافورابه تن نکند وی به تمام قولهای خود وفا نکرده همه گوشه گیری و قول دادن ها رابه دلالت ترجیح داد .

پله می گوید: خودش میداند که چه در انتظارش است و می افزاید همه فکر می کنند که فوتبال امریکا درجه حالی قرار دارد و هیچکسی آنرا جدی نمی گیرد و من بی پرده ام که حریفانم بامن هیچ معامله بی ندارند من برای دفاع از خود و تیم که در آن عضویت را قبول میکنم باید همیشه در شرایط بدنی کامل قرار داشته باشم.

پله در جای دیگری می گوید این یک ماجرای هیجان انگیز است و ممکن است راه یکی از بزرگترین کشور های جهان را بروی محبوبترین فوتبالست جهان بکشاید من امیدوارم علمبردار این نبرد باشم طاهرا نبرد کنندگان آماده اند تا بر تارک اسپهای شان شوند و به دنبال پله خود به راه بیفتند .



دوستان محترم به شما معلوم است که از چند سال بدینطرف يك سلسله مسابقات بزکشی درشیر کابل و ولایات به اساس پروگرام مرتبه کمیته عالی المپیک دایر میگردد و از همه مهتر اینکه همه ساله يك سلسله اصلاحات در قوانین آن رونما گردیده که بر زیبایی و انتظام این بازی افزوده و آرامنحیت هیجانی ترین بازی در میان همه رشته های ورزشی درکشور ما قرار داده است .

درینجا صحبتی داریم باشیاغلی عبدالقیوم عضو فنی ریاست المپیک و حکم مسابقات بزکشی . گرچه سن این سوارکار خیلی زیاد است اما وقتی او را بر پشت اسبی سوار ببینید مانند يك جوان تنومند استوار است و بر اسب و سواری چنان مسلط است که گویی سوارکار تولد شده است .

نخست این پیر پرازنجارب درمورد اسب صحبتی کرد و اسب رایگانه موجود خودورفیق دیرین انسانها دانسته درحالیکه دستش از فرط کهنسالی زغنه میکرد یادداشتی را از جیب خویش برآورده و بعدآن به سخنش ادامه داد :

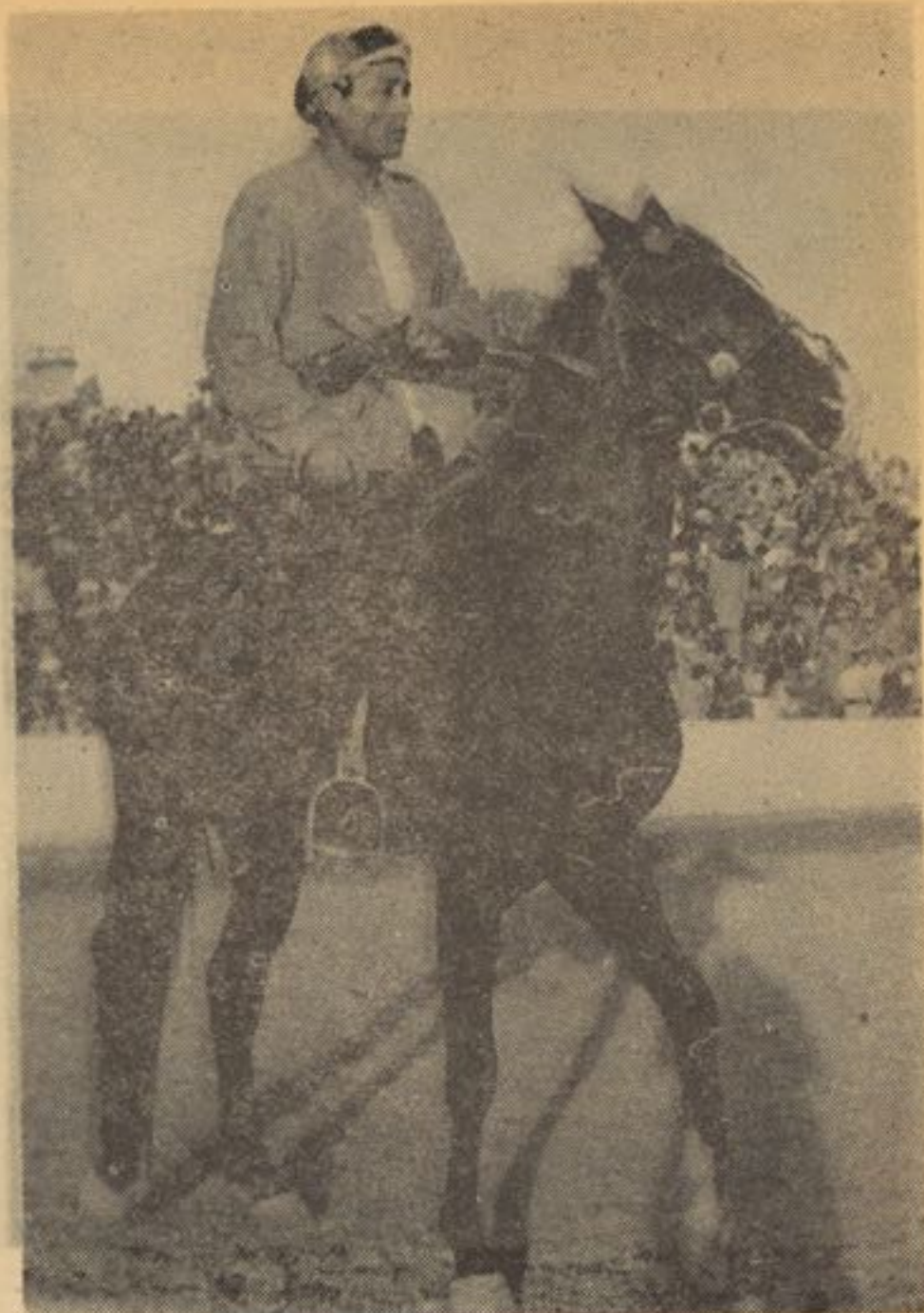
— در میان همه حیوانات که بدنیا موجودیت دارند و تا امروز در خدمت بشر قرار گرفته يك حیوان خوش هیكل و جسور که هم قوی ممتاز است اسب رامیتوان نام برد. این حیوان خوش هیكل و جسور که هم قوی است و هم چالاک درداشتن حس کمتر رقیب در میان سایر حیوانات دارد و برای هر وقت و زمان صادق و باطاعت است .

این حیوان حتی قبل اهلی شدن از خصایل خوب بر خوردار بود زیرا نه بر حیوانات ضعیف تعرض میکرد و نه بر حیوانات قوی اطاعت داشت او خودآزاده زندگی میکرد و باهمه تنوع خویش گله هارا میساخت و باهم به چرا میرفت . اصالت خویش را زایل نکرد تا بالاخره خوبترین دوست انسان شد و با او کاروان زندگی را به پیش برد .

شیاغلی عبدالقیوم : مناسبت اسب را با انسانها قبل از هفتاد عصر تاریخ میداند و اولین بار این حیوان را انسانهای بغاظر تغذیه شکار میکردند. او را باوسایلی که در دست داشتند شکار میکردند . می گشتند و از گوشت و پوست آن استفاده میبردند .

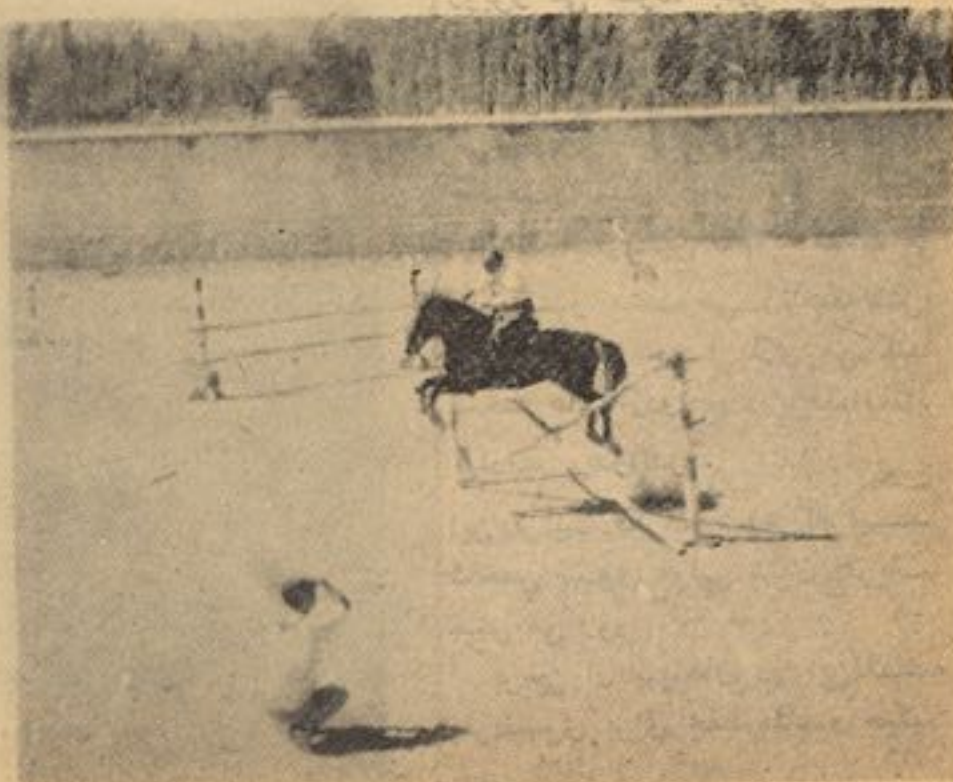
اینکه اسب اولین بار در کدام نقطه دنیا ظهور کرده و انسانهای کدام قسمت برای بار اول با این حیوان اتس گرفته اند چندان معلوم نیست تنها طوریکه بسیاری از کتب تاریخ گواه مطلب است برای نخستین بار ظهور این حیوان را در آسیای مرکزی میدانند و ازین قسمت است که به اروپا و کشور های عربی رفته و آنجا به امریکا و سایر نقاط جهان نسل آن گسترش یافته است .

اسب را بطور بسیار شایسته و عالی آن برای اولین بار مغل ها مورد استفاده قرار داده و اهمیت آنرا در جنگ ها به اثبات رسانیدند .



باداشتن اسب خوب چاپ اندازش افتخار میکند

حکم بزکشی پیرامون اسب و سوار کاری باشما صحبت میکند!



شیاغلی عبدالقیوم در حالیکه با اسب از یک مانع می برد.

شمه‌ای

از فیستوال نیویارک

سینما، هنر واقعی و وهم انگیز، اکنون بسوی جاده شکستن قرار داده‌ای، گام برمیدارد. روی همین دلیل عنوان سیزدهمین فیستوال فلم در نیویارک را میتوان «وهم و واقعیت در جهان ما» نام گذارد.

سینماگرانی از سویس تا سنگال و از آلمان غرب تا امریکای جنوبی صرف نظر از عقاید سیاسی شان، خواه بوسیله فلم دراز دوساعته و یا يك فلم کوتاه چند دقیقه ای، سعی کرده اند پرده از اسرار جامعه شان بردارند. دو فلم قابل توجه امریکایی در مرکز

داستان بروی يك

فلم باغ‌های خاکستری

این فلم تکان دهنده است ولی بگو نه دیگر قصر فرسوده که در کنار بحر قرار دارد و در آن ادیت بیل هفتاد و نه ساله و دختر پنجاه و شش ساله اش بنامادی زندگی میکنند، بنا می‌بند.

کمره‌های داوید و لبرت ما سل این فلم مستند را رهبری کرده اند، در زرفای زندگی ایندو پیر زن که از همه جهان بریده اند، راه می‌یابد. ادویت وادی در بین دیوارهای که از شدت فرسودگی پوست می‌دهند، سالون که در آن فقط حیوانات

می‌خیزند، بروی بستری که فضله حیوانات آلوده شده است فقط نفس می‌کشند و برنگی تاثیر انگیز و خنده آور شان ادامه دهند. ادیت در بسترش دراز کشید و باریکارد، کهنه ای آهنگ قدیمیکه با لهجه مردمان سال‌های بیست خوانده شده، سرمی‌دهد. مادر و دختر با شدت وحدت دشتمانه با هم پر خاش می‌کنند و بعد در می‌یابند که به



جدیدترین سینما را می‌توان، در جدیدترین کشورهای جاییکه و هم به شدت وهم از واقعیت است، یافت به این دلیل فلم (خلا) ساخته عثمان

سمین از سنگال که یکی از معروف بیسی رادر وجود لحا جی می‌توان ترین ناول نویسان و فلم سازان جهان است، میتوان به اینگو نه پنداشت. درین کمیدی ظریف و دقیق سیاهان از سپیدان پیشی می‌گیرند، این پیشی رادر وجود لحا جی میتوان دید که تا آبی که از فرانسه نیا مده باشد نمی‌نوشد و در جای دیگر هر سانس بنز ش را می‌شوید این مرد زن سوم می‌گیرد و به نفرین «خدا»

رو برو می‌شود. جادو گر ها، و داکتران کاری نمی‌توانند بکنند او غیر انسانی می‌شود تجارتش بر هم می‌خورد و از ولیکارشی سودا گری که حکومت را می‌سازد بپایین می‌افتد. هنر مندان در این فلم به شدت می، درخشند و بخصوص زنانیکه نقش دو زن اول لحا جی بازی می‌کنند، صحنه های ازدواج درین فلم انسانرا بیادفلم «پدراندر» می‌اندازد، و به، این ترتیب فکر می‌شود که این شخص بسوی مولیر شدن افریقا پیش می‌رود.

برخی از سیاهان در این فلم بفرانسوی برای حفظ مقام و حیثیت خود حرف می‌زنند. بقیه در صفحه ۵۵



دغه مور او پلار دخپلو درې—وما شومانو څخه دنورو زیا—
اولا دونو هیله نه لری

کاردپاره لازمه ده چه د زیات نفوس ژوندانه تضمین ونشی کړای ځکه څخه استفاده ونشی لاکن بل پلو ته نو ورځ به ورځ اقتصادی مشکلات بیا لیدل کیږی کله چه په یوی هیواد کی نفوس زیات شی اود هغه ځای طبیعی منابع او غذایی مواد دخلکود پاتی په ۵۵ مخکی



دنفو سو زیا توالی زیاتی اقتصادی ستونزی منځ ته راوولی

دنفو سوزیاتوالی اواقتصادی ستوزی

په یوه هیواد کی دخلکو دپاره دروند دوام او تحول په خپله دهغی ټولنی دافرادو دزیا توب، کمښت، زیږیدنی اومړینی سره مستقیمه اړیکه لری. دغه تعادل په دوو متضادو ډولو نو سره څر گند یری یو تعادل پدی تو گه منځ ته راځی چه زیات وزیری او په همدغه پیمانه مړه شی اوبل هغه تعادل دی چه به مو لږ ډول دنفو سو دزیا توب دمخنیوی په صورت کی تحقوق مو ند لی شی دنفو سو دزیا توب دمخنیوی څخه یوازینی هدف باید داوی چه دنوو زیږیدونکو اومړو تر منځ پوره تعادل وساتل شی اود انسانانو داقصا دی ستو نزو درفع کو لوبه مقصد دډاډ وړ شرایط منځ ته راوړل شی.

په ډیرو مواردو کښی کیدای شی چه د زیات نفوس څخه زیاته گټه ترلاسه شی دنمونی په ډول دتولیدی

هغه څه چه پورته وویل شول د— انسانی ارزښتو نو له پلوه ټول شیان په یوه بلا اویوه وخت کی په ځان کی نه ځایوی بلکه تش دیوی مهمی او حیاتی مو ضوع په حیث یی جها نی پرابل منځ ته راوړی دی اود خپل خاص ارزښت له کبله عمو می تشویش پیدا کړی دی البته انسانان کولی شی چه دخپل راتلونکی پوهی په زور او قدرت دغی جها نی موضوع ته په ښه وجه پای ورکړی اریا د— نفوسو دزیا توالی اواقصا دی مشکلاتو درفع کیدو په برخه کښی براخ گټور تدابیر تر لاس لاندی ونیسی اوددغی مو ضوع په باب پوره کنترول منځ ته راوړی.

نن ورځ دنړی دودی په حال کی اووروسته پاتی هیوادونو کښی د— نفوسو دکمښت او کنترول موضوع یوه ډیره مهمه او حیاتی مسله ده داځکه چه دنفو سودزیا تو بمخنیوی خامخا ددغو هیوادو داقصا دی مشکلاتو دخل اوانکشا فا تو په لاره کښی موثری اغیزی منځ ته راوړی. نن ورځ دنړی په زیاترو هیوادونو په تیره بیا دودی په حال کښی هیوادونو باندی د فقر، غر بښت، بیوزلی اوراز راز اجتماعی ناروغیو

پنجره حمام

خانمی، وقتی شوهرش موقع ظهر از اداره به خانه آمد باز احتی گفت:

— عزیزم باید پشت پنجره حمام پرده بزنیم، چون همسایه روبه روی

من وقتی که من برهنه در حمام هستم می تواند به خوبی مرا ببیند.

آنمرد سری تکان داد و گفت:

— ناراحت نباشی عزیزم! اگر يك

روز او ترا برهنه در حمام ببیند

خودش پشت پنجره اطا قش پرده

خواهد زد.

دوستان منتظر الو کاله

آقای می خواست و کیل مجلس

شود، به همین جهت از او پرسیدند

— اگر انتخاب شوید، چه کار

خواهید کرد.

منتظر الو کاله جواب داد:

— من از این لحاظ نگران

نیستم، چیزی که برایم مهم است

این است که اگر انتخاب نشوم

چه کار کنم.

زنده

خانمی زیبا به مامور که احضاریه

می گرفت گفت که: شوهرش چهار

سال است فوت کرده ما مامور

برسید:

— چند تا بچه دارید؟

سه تا.

— بچه هایتان چند ساله اند؟

— يك ساله و دوساله و سه

ساله!

— شما خوب گفتید شوهرتان

چهار سال است مرده!

— ولی من خونمرده ام.



حف، حف، حف خا موش باشی
مادرت حالا از سینما می آید
ژوندون



کچالوی ایتالوی

خانم ایتا لوی از سبزی فروشی

تقاضای کچالو کرد سبزی فروش

گفت:

— بلی کچا لوی هالندی دارم.

— من کچا لوی ایتا لوی می خواهم

— شما میخواهید کچا لوی بخورید

یا میخواهید با کچالو صحبت کنید؟



بدون شرح

این همه راه

دزدی محکوم به اعدام شد جلا دی و رابایاده به میدان اعدام می برد که

گردنش بزند.

درواه محکوم بی چاره گفت تو خود مرا می بکشی پس چرا دیگر

این قدر زجر می دهی و این همه راه را پیاده می بردی؟

جلاد گفت ای برادر تو فقط تا میدان اعدام بیشتر نخواهی رفت

مرا بگو که این راه را باز پیاده برگردم

عاشق بی پول

جوانی بادرختی آشنا شد و تصمیم

گرفت او را برای ناهار به رستورانی

دعوت کند، دختر هم دعوت او را

قبول کرد، و به اتفاق به رستورانی

رفتند در رستوران پیشخدمت

بیش آمد و گفت:

— بفرمایید صاحب چه میل

دارید؟

دختر، برای آنکه اظهار ادب کند

رو به جوان کرد و گفت:

— هر چه تو میخواهی، برای من

هم همان سفارش را بده جوان از

جا بلند شد و گفت:

— من اصلا امروز میل به غذا

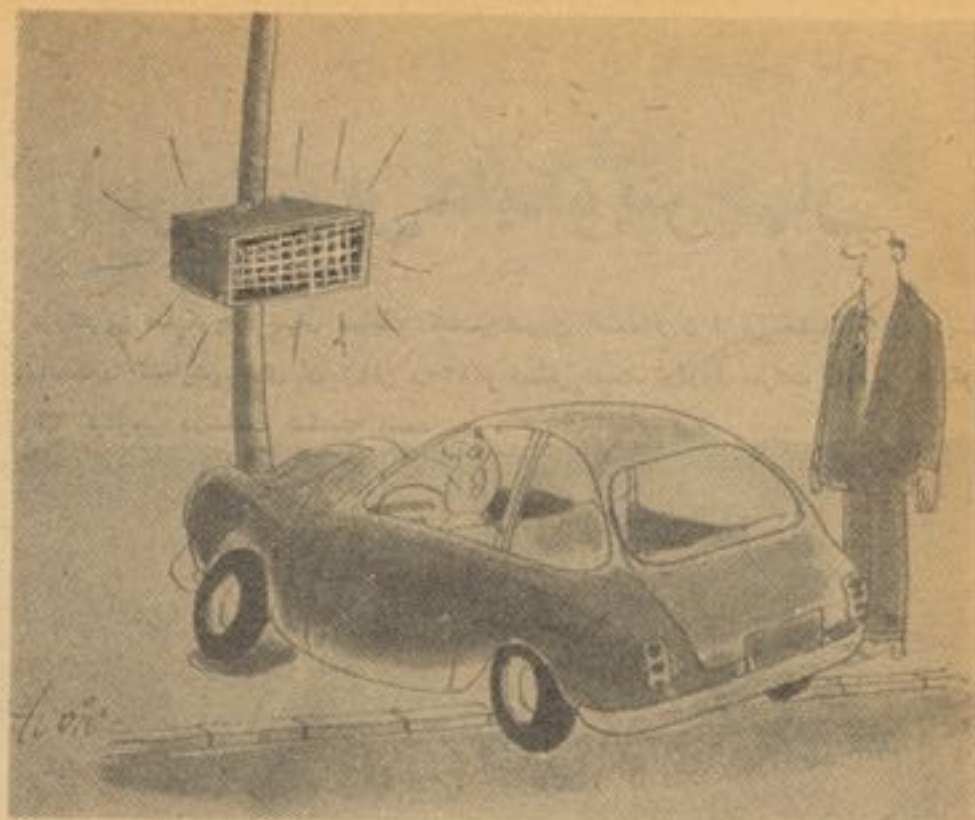
ندارم، باشد برای يك روز دیگر.



بدون شرح

درامته جان

پروفسوری موقع امتحان به یکی از شاگردانش گفت :
 شما می خواهید به يك نفر مریضی تان که درد زیادی دارد
 مورفین بدهید، چه قدر باید استعمال کنید؟
 شاگرد گفت :
 يك قاشق ماست خوری ، - استاد.
 درین وقت پروفسور شروع کرد به خندیدن محصل که فهمید
 درست جواب نداده و پاسخ خوب نگفته است بلا فاصله اظهار
 داشت :
 استاد: من حالا تا چند دقیقه دیگر جواب میدهم.
 پروفسور به ساعت خود نگاه کرده گفت :
 متأسفانه دیگر وقت نیست زیرا مریض شما باهما ن نسخه
 اول فوت کرده است .



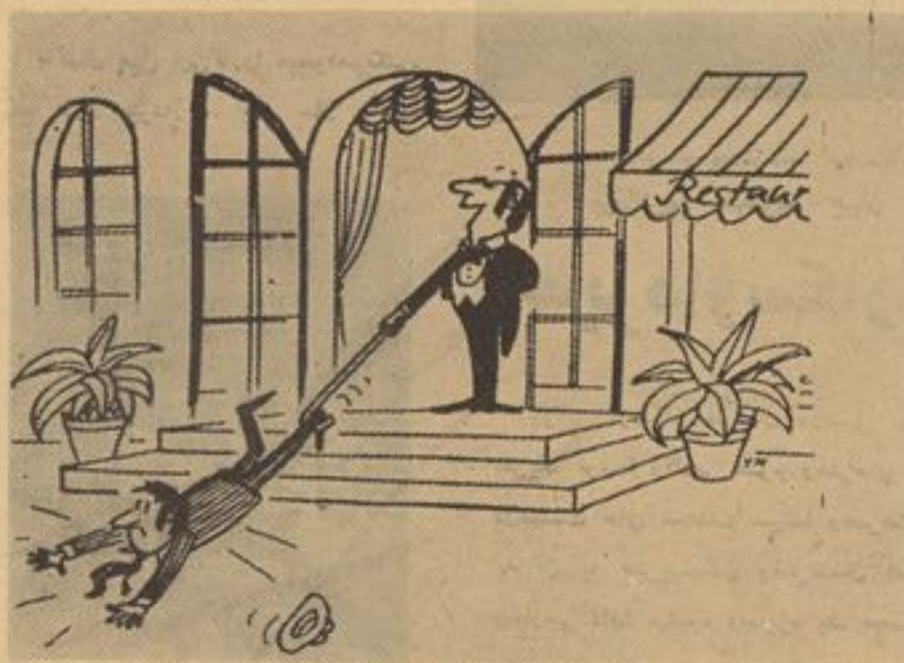
آه! اشاره سبز

گذشت

بین دو نفر از رفیق ها ، چند
 وقت نزاعی در گرفته بود و تا مدتی
 باهم قهر بودند . تصادفاً یکروز
 مردو در یکی از پیاده رو هایی که
 توسط مردم آن منطقه ساخته شده
 بود ، و برای عبور یک نفر کافی بود
 نفر دوم قطعاً از آن عبور کرده نمی
 توانست با هم روبرو شدند چند
 لحظه ای گذشت و هیچ کدام از
 طرفین حاضر نشد راه را برای
 دیگری باز کند !

بالاخره یکی از آنها با عصبانیت
 گفت :

- من هیچ وقت برای آدمهای
 بی عقل و پررو راه باز نمی کنم!
 دومی وقتی حرف او را شنید ،
 خودش را کنار کشید و گفت :
 - ولی من باز می کنم .



داماد گریز پاه و خسر چالاک

دندان فیل

يك عتیقه فروشی عصای بلندی را به اسم این که از دندان فیل
 ساخته شده به قیمت گزاف فروخت.
 خریدار وقتی عصای خود را به متخصص نشان داد معلوم شد از
 پلاستیک ساخته شده باشد ، پیش فروشنده رفت و با اعتراض گفت :
 این عصا از دندان فیل نیست .
 فروشنده جواب داده گفت : مطمئن باشید از دندان فیل است ،
 ولی شاید دندان فیل مصنوعی بوده باشد .

شاعر و رفیق

شاعر مهمل گوئی ، قصیده ای
 نامربوط ساخته ، برای شخصی
 که رفیقش بود خواند و او پرسید :
 چگونه است ؟
 گفت بسیار بی مزه و نامربوط
 ساخته ای .
 شاعر خشمگین شده و او را
 دشنام داد آن شخصی گفت :
 - الحق نثرت به مراتب از
 شعرت بهتر است .



درس گیاهشناسی

یکی از معلمین کانادا شاگردان
 خود را به باغ ملی شهر به گردش
 برده بود . در ضمن گردش بدرخت
 پر شاخ و برگ رسیدند و معلم به
 خیالش رسید که از موقع استفاده
 کرده چیزی بر معلومان شاگردان
 بیفزاید .

پس گفت : این درخت کهنی که
 می بینید ناجو است سپس شرحی
 در خصوصیات آن گفته اظهار
 نمود که سالها از عمر این ناجومی
 گذرد نسل ها از سایه آن استفاده
 کرده اند ، و اگر این درخت زبانی
 می داشت چه حکایت های شیرینی
 توانست برای شما نقل کند .

از بدبختی معلم در همان هنگام
 پیرمردی از آنجا می گذشت و همین
 که عبارات اخیر را شنید ، روبه
 شاگردان کرده گفت .

- بلی ، اگر این درخت کهنی
 زبان می داشت به شما می گفت که :
 (آقایان محترم ، بنده ناجو نیستم
 اجازه بدید که خود را بگویم طمعرفی
 کنم) .

بزرگترین هلیکوپتر جهان

بزرگترین هلیکوپتر جهان ساخت کشور شوروی است وزن آن ۱۲ تن است. گنجایش باری آن ۱۲ تن و ۱۲۰ نفر مسافر است. رکورد سرعت را همین هلیکوپتر با ۳۳۹ کیلومتر در ساعت شکسته است.



بزرگترین هلیکوپتر جهان

کدام اطاق

مردی که در تصادف موتر به شدت مجروح شده بود، پس از چند ساعت به هوش آمد. درحالیکه به زحمت حرف میزد گفت: من در کجا هستم؟ به او گفتند در اتاق ۱۰۸، مرد باز به اضطراب گفت: که لطفاً واضح تر بگویید اتاق ۱۰۸ شفاخانه یا بندی خانه.

• • •

گفته گوید: شخصی اگر فریب دوستانش را بخورد به مراتب بهتر از آن است که دوستانش را فریب بدهد.



آنان را به آینده درخشان تقویت می بخشد. بهشت دموکراتیک زنان در حیات بین المللی بسط و تحکیم نیروهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و مبارزه برای صلح و استقلال ملی و ترقی اجتماعی بیش از پیش کمک خواهد کرد.

جوایز اوسکار هر سال در شهر «هالیوود» آمریکا توسط اکادمی علوم و هنرهای سینمایی در قسمت های مختلف سینما و هنرهای مربوط به آن به هنرپیشگان و هنرمندان آمریکا و خارجی داده میشود و جایزه یک مجسمه کوچک طلایی است که بر حسب تصادف توسط یکی از کارمندان اکادمی اوسکار نامیده شد و از آن به بعد نام اوسکار مترادف با شهرت و ثروت در جهان سینما گردید.

زن و مرد تحقق یافته است نه خیر زنان برای کار تقریباً یک ثلث کمتر از مردان دستمزد میگیرند.

سیم زنان در پوست های اساس از دو فیصد بیشتر نیست از ۴۹۶ نفر نماینده پارلمان آلمان فدرال فقط سی نفرشان زن هستند. مخصوصاً در حال حاضر در اکثر کشورها تعداد بیکاران به میلیون ها نفر میرسد و همچنان در حال افزایش است. که روی این اساس قبل از همه زنان بیکار میشوند و این خود یک امر عادی نیست. تبعیض در حق زنان تا امروز به حال خود باقی مانده است.

شاید آزادی، برابری، حقوق و تسلط زنان در کلیه شیون حیاتی فقط آرزوی دلکش است؟ نه خیر حال عملاً به ثبوت رسیده که این هدف کاملاً تحقیق پذیر خواهد بود. بهبود مناسبات بین المللی برای آزادی واقعی زنان شرایط نوین فراهم می آورد و امید



جریمه بخاطر سنگ:

دهقانی که اوراسکی دندان گرفته بود. نزد صاحب سنگ که شوهرش وکیل بود رفت و با او گفت: سنگی که به همسایه ای تعلق دارد مرا دندان گرفته، حالا چه کار میتوانم بکنم؟

وکیل جواب داد: این کاملاً واضح است. زنی که سنگش شمارا دندان کنده، باید سی مارک جریمه به شما بدهد. دهقان که ازین پاسخ خوشش آمده بود گفت: سنگ خانم شما بود که مرادندان کنده بود. پس حالا پول را بدهید.

وکیل که ازین ماجرا اوقاتش تلخ شده بود گفت: باکمال میل این کار را میخواهم بکنم. اما برای مشوره که به شما داده ام باید بمن چهل و پنج مارک بپردازید. پس حالا پانزده مارک روی میز بگذارید.



جریمه بخاطر سنگ

موقف زن در

جامعه

کلمات آزادی، برابری و حقوق زنان مورد شده است ولی این کلمات در همه جا با شرایط اوضاع فرق میکند.

در کشور های که زنان پایند کار های خانگی نیستند بسیاری از آنان شامل کار هستند مثلاً در جمهوری فدرالی آلمان تعداد زنان که کار میکنند تقریباً به نه میلیون نفر میرسد. این تقریباً نیمی از شماره تمام کارکنان کشور را تشکیل میدهد. آیدرین کشور برابری

برابری، ترقی و صلح وضع زنان در هر جامعه نمودار ماهیت آن جامعه است. البته در بسیاری از کشورها وظیفه زن کودک داری، خوراک پزی و خانه داری است. که اکنون ریشه کن گردیده است.

حکم بز کشی

طرفین صورت میگرفت و گاهگاهی در انلای محاربه شمشیر و پانیزه یکی از طرفین به زمین می افتاد که برای گرفتن آن فرصت آنرا نداشتند تا از اسب فرود آیند و آنرا بدست آورند و ازینرو کوشش میکردند با سرعتی که اسب دارد شمشیر افتاده خود و یا طرف مقابل را بدست آورند و گاهگاهی بسوی شخصی که شمشیری بدلتش فرو رفته حمله میکردند و با چاکی خاصی آنرا بدست می آوردند و به پیکار خویش ادامه میدادند و این امر بخاطر آمادگی بیشتر عساکر بالاخره رنگ و رخ و ورزش را بخود گرفت و میان مردم رواج پیدا نمود.

بنام علی عبدالقیوم در اخیر صحبت خویشی از اسب هانام برده چنین گفت:

«سند» اسب هائیرا میگویند که در خان آباد و نهرین تحت تربیه گرفته شده و از آن جا به سایر نقاط رفته است و امروز بسیاری از اسب های بزکشی ما از همین نسل است.

(کهر) - (کهر سیاه) - (کهر تیلی) از نسل عربی است و هم اسب های چون (کرنگ) که رنگش نزدیک برنگ حناست مایل به طلایی سمند سیاه زانو نیز از انواع خوب اسب هاست (کیود) - (کیود سرخون) که در اصل سفید است و گل های کیود دارد.

مشکی (سیاه خالص) - ابلق (دو رنگ) شتری میباشد. گرچه بنام علی عبدالقیوم پیرامون سوارکاری هم صحبتی کردند که مانسبت ضیقی صلفه از آن معذرت خواسته و شما خوانندگان ارجمند را براخواندن آن به یکی از شماره های آینده انتظار میگذاریم.

این ورزش که همه به آن علاقمند بودند در عروسی ها بخاطر هیجانی که داشت همیشه برگزار میشد تا اینکه تحت نظم و دستپاچگی خاصی بخود گرفت و بعد مرور قرن ها بشکل امروزی آن درآمد این ورزش باعث تشویق مردم گردیده و ذوق نگهداری اسب ها و گله های آن در دل همه مردم پیدا شده و آنها را به داشتن اسب ها تشویق نمودند.

امروز آن تعداد از اسب هائیکه در افغانستان است از نسل های مختلفه پارتیک های مختلفه آن است که گرگ و سمند و غیره را میتوان نامبرد. گرچه اسب سوار و اسب داری در اعصار مختلفه از خصلت های مشهور مردم ما بوده ولی برای بار اول گله هائیکه در افغانستان بوجود آمد در زمان سلطنت امیر عبدالرحمن خان بود که درین زمان اسب عربی و اسپانی را که زیخارا آورده بودند در میان گله های آنوقت به نسل گیری آغاز کردند. اسب عربی یا (کهر) را در آن وقت (پیوند بچه) که خودش عربی الاصل بود اسب بخارایی یا «سمند» را ملاکیم بای تحت تربیه و نگهداری قرار داده و از آن نسل گیری میکردند.

یکی از کرم های (کهر) را مردم تاتار که در دواب زندگی میکردند بدست آورده تحت تربیه گرفتند که این کرم بعد از مدتی نسبت زخمی که دیده بوده همه وجودش پر از زخم های متعدد شد و بابه اصطلاح این کرم را (گرگ) زد و مدت ها بعد از آن این کرم دوباره صحبت یافت و از آن نسل گرفتند که تا امروز به نام نسل (گرگ) یاد می کنند و در بسیاری از ولایات شمال کشور ماتحت این اسم اسب های قوی و عیقل و خوش اندامی وجود دارند که در بزکشی مورد استفاده قرار میگیرند.

(حیش) هم که امروز در میان اسب های افغانستان شهرت دارد از نسل (کهر) عربی است و آنهم از برادر های (گرگ) می باشد. ناگفته نباید گذاشت که وقتی حبش میگوئیم هدف ما حبشی نبوده یعنی کدام نسل از اسب

دنفوسوزیا توالی

خینی اقتصاد پوهان بدی عقیده دی چه به یوه هیواد کبشی دنفوسوزیا توب مو ضوغ هیخه دول اقتصادی علتونه نلری مثلا هغه وخت چه به یوه هیواد کبشی دملی طاقت او ملسی بشری بیاوړ تیا مسئله منخ ته راخی دغه دول استند لا لونه نسبت پخوا ته به اوسنی زما نه کبشی بی اساسه او غیر اقتصاد دی بریښی اون ورخ به یوه هیواد کبشی زیات نفوس - حیثیت او اعتبار نه گپل کیږی مونږ نن ورخ ډیر دسی ملتو نه یوږ نو چه نفوس یی لږدی لکن دو پانندی تگ او مترقی حالت له پلوه نسبت ډیرو هغو هیوادو نو ته چه نفوس یی زیات دی دستایینی و اعتبار وړ - هیوادونه گپلی شو او د نړی په بین المللی وضعیت کی ستر رول لوبوی د مثال په ډول: که لویدیځی اروپا هیوادونه، کاناډا، استرالیا اونوی زیلا ندرت ژوری کتنی لاندی ونیسو سمدستی دی نتیجی ته رسیدای شو

البته بدی برخه کی معقول کنترول اود کو چنیا نودم پښی او ضایع کولو مخنیوی ډیر منطقی او قدر وړ کار دی ددی دپاره چه د نړی په ټولو هیوادونو له ټولو نه زیات دودی به حال او وروسته پاتی هیوادونو کبشی نوموړی مسئله پوره تحقق ومومی پکار ده چه ټول هیوادونه دخپلو طبیعی شتمنیو څخه دساینس او تکنالوژی په مرسته کار واخلی اود خپلو تولیداتو حجم ته دماشین په قدرت نظم او ترتیب ورکړی.

شمه ای از فیستوال



نمایشگاه

فلم است که در آن بیگنا هسی و عصیان بهم می آمیزد و آنرا میتوان اولین فلم سکسی و پروتو گرافی در این فستیوال دانست. این فلم پوره از روی زندگی یکی از ستارگان

سینما منخط سکس برمی دارد. آن فرانسیسکو کار گردان فلم سعی می کند در ژرفای زندگی رنجبار این هنرمند از نظر گاه انسانی نفوذ کند این فلم پرده از روی قصه،

کاقرینا بلم

از ریالست ترین فلم ها بحساب آورد که نشان میدهد سینمای بزرگ آلمان که مدتی بخواب عمیق رفته بود، دوباره بیدار می شود.



در بین فلم سازان این فیستوال، گروهی که از همه بیشتر بچشم می خورد فلم سازان جوان آلمانی اند. در فلم (آبروی از دست رفته کاترینا بلم) ولکر شوندر ووف و زن هنرمندش مارگرت دان تروت ناولی را که، هائیش با ل نوشته است بروی پرده می آورد، این ناول پرده از زندگی یک دختر خانه بر میدارد که شب شاری را با یک ماجرا جو گذرانده است و زندگی فردایش به تیرگی کشانده می شود، این فلم را میتوان

شخصیت زن در آئینه مطبوعات کشور

تهیه و ترتیب از: ر.ر.

نویسنده: (ارمیت)

پایان

تراژیدی زن

آنکائیکه بشر در مغاره هازیبست
مینمود ، آنروز که انسان بدون از
سنگ و صیقل آن، دیگر به چیزی
شناخت نداشت و آنزمان که انسانها
از مکتب تمدن شمه را نمیدا بستند
زن با مرد یکجا کار مینمود و در کوه
پایه های خوش رنگ طبیعت قدم آزاد
بخاطر تامین معیشت میبرد داشت.
سیر تاریخ با گذشت ایام قسراز
ونشیبی در زندگی این قشر معصوم
پدید آورد ، لحظاتی چون متاع بازاری
خرید و فروش شد ، روز گاری بسان
مرغ های اسیر شده در قلب زمین
مدفون گشت و ایامی مورد تاخت و تاز
زمانه هاقزار گرفت.
با آنهم این قشر در نهایت انسو و
مهربانی توانست موقفش را منحیت

بشر حفظ کند و حیاتش را به هر
شکلی که بود ادامه داده در پیدآوری
نسل های جدید بذل مساعی نماید .
طو ریکه گفته آمد یم همراه
با دگرگونی های دیگر در کلیه
شئون حیاتی بشر ، جهان دانش
روشنی انداخت تازن هم در ساختمان
جوامع بشری سهم گردد و منحیت
افراد مسؤول فردای جا معه طوری
که بایست حرکات فعالانه شانرا به
اتمام برسانند .
روی چنین اساس هما نشد که
سال ۱۹۷۵ از طرف موسسه بین
المللی جهان بنام سال پایان تراژیدی
زن اعلام و روزنه های نمو ، تکامل
و ارتقا را منحیت مفکوره نهضت
خواهی بر ایشان باز نمود .



بر زنان و دوشیزگان منور و پیش آهنگ است تا مبارزه دوا انداز و پیگیر را علیه جهل و بیسوادی و این گابوس و خستناك جهان بشری آغاز نمایند
و به مادران و خواهران بیسواد خویش سواد آموزانده و ایشانرا در مقابل تخته های سواد آموزی قرار دهند .

زن در اجتماع

همانگونه که مرد وزن را مکمل یکدیگر گفته
اند، این دو عنصر همیشه در سازماندهی حیات
و تشکیل خانواده هاو جوامع نقش بساوری
داشته اند که از آغاز پیدایش تا هم اکنون که
عصر مدنیت است یکدیگر خود را درك کرده
و در کار های زندگی از یکدیگر کمک چسته
و به یکدیگر کمک کرده اند و همکار همبستگی در
ساختن زمینه های حیاتی خویش بوده اند .
از دوره بدویت که در کار تقلاي غذا مشترکا
تلاش کرده در تخم و بدرو آبیاری و حاصل گیری
حتی شکار و نوآوری شریك واقعی یکدیگر
بوده اند تا دوره دوخت و دوخت و پختن غذا و
گذشتادن ادوار مختلف حیات الی دوره مدنیت
کنونی در شیوه های تکامل مددگار و مکمل
یکدیگر بوده اند .

مگر چه یگروز مدنیت های نیم پخته بنام
جانبداری از آن و بعنوان وقایه لطافت جسمی
زن این موجود تشنگر و کانون ساز را پرده
نشین ساخت و بنام دلسوزی از وی، حصاری
از عنعنات و رسوم و باب و رواج ناشیانه گرداگرد
او کشید که از یکطرف پرده نشینی ایشان
محرومیت هایی در ساحات تلاش و فعالیت
برایشان خلق کرد و از جانب دیگر نیروی خلاقه
ایشان را آهسته آهسته از خاطره هار برد تا بجایی
که بنام عضو ناقص اجتماع شهرت یافت .
اما یگروز آمد ، که جهان بشریت بسپو
بزرگ خودپی برده ، در پرتو علم و دانش
در یافتند که نیم پیکر خود را بدست خود فلج
ساخته اند و نیم قدرت خود را با دست خود
زنده دفن کرده بنام دلسوزی ظلمی بر یکدیگر
اجتماع خویش روا داشته اند .

سرانجام ، جهان باتکای که در خود احساس
کرد با تابندگی و جنبش عظیم انسانی در صدد
تکریم واقعی زن برآمد ، در تنویر ذهنیت ها از
موجودیت این ودیعه گرانی و نیروی عظیم
خلقت دامنه مساعی را گسترده ساخت و برای
احیای حقوق زن کوشید و با صدای بلند ایشان
را در ساحه کار و عمل خواند ، تا به آئین آفرینش
همدوش با مردان تا حدیکه توان شان است در
کار ساختمان زندگی داخل شوند و همپای
بامردان دارای حقوق مدنی باشند ، از مزایای
زندگی با حق تساوی برخوردار و هم آهنگ
بامردان جهان در آموزش ، پرورش ، فهم و
دانش ، کار و عمل ، فکر و اندیشه ، و بهره یاب
شدن از آن ساختمان کشور و مردم خویش
سهم گردند .

امروز کاروان کوشش و فعالیت و بالاخره
کاروان زندگی ما با همراهی زن و مرد بسوی
اهداف مترقی کشور خویش روان میشود .

ثروت زن

به هیچ بحث و دیباچه ای قضا ننوشت
برای مرد کمال و برای زن نقصان

اگر پلاطن و سقراط بوده اند بزرگ
بزرگ بوده پرستار خردی ایشان

به ماهواره مادر به کودکی بس خفت
سپس به مکتب حکمت، حکیم شد لقمان

چه پهلوان و چه سالک، چه زاهد و چه فقیه
شدند یکسره شاگرد این دبیرستان

حدیث مهر کجا خواند طفل بی مادر
نظام و امن کجا یافت ملک بی سلطان

همیشه دختر امروز مادر فرداست
ز مادر است میسر بزرگی پسران

توان و توش به مرد چیست؟ یادی ز ن
حطام و ثروت زن چیست؟ مهر و فرزندان

دسرور زوی ژباړه

ستاسی دواو نو په باب

يو په زړه پوري ازماينست

- ۵- آیا په یوه بستره کې وید پیری؟
- ۶- آیا دهغه بی وځایی بختیلسی شی؟
- ۷- هغی به خپلو افکارو کښی هم دهغه سره وفا لری؟
- ۸- آیا ستاسی لانجی تل په ښکلوونو سره پای ته رسیږی؟
- ۹- آیا کله چه ستاسی میړه په سفر کوی د زړه تنگوا لی احساس کوی؟
- ۱۰- آیا دهغه له اشتهیا ها توڅخه تیر پیری؟
- ۱۱- آیا داسی فکر کوی چه له هغه نه ښه او غوره میړه نه شی پیدا کیدلی؟
- ۱۲- آیا داسی احساس کوی چه که چیری تاسی پریردی هر څه موله لاسه ورکړی دی؟

د نارینه وو دپاره پوښتنی:

- ۱- آیا دهغو کسانو به حال افسوس کوی چه تراوسه یی واده ونه دی کړی؟
- ۲- آیا دو رځنیو کارو نو له پای ته رسیدو وروسته کورنه په تنگ کی تلوار او بیره لری؟
- ۳- آیا خپلی میړمنی ته دخپلو دوستانو په نسبت زیات ارزښت ورکوی؟
- ۴- آیا له روحی نظره هم دهغه وجود ستاسی دپاره خوښه وړدی؟

که ژوند د تل دپاره ایډه آل نه وی خو له بده مرغه چه دغه مطلب زیاتره خلک له واده ونه وروسته درک کوی او کله کله داسی هم کیږی چه د ښځی او میړه تر منځ د عشق د کموالی مسئله نه وی چه نیکمر غی منځ ته رانه وړی بلکه د نوافق او همفکری نشتوالی دی چه واده د نا کامی سره مخا منځ کوی. هغه پوښتنی چه په لاندی ډول وړاندی کیږی له هر ډول کموا لی اوزیاد توالی نه پرته خواب کړی. ستاسی د واده موده د پوښتنو او خوابونو په طرح کښی څه اغیزه نه لری خو موږ ستاسی دمنفی او مثبتو خوابونو په شمیرلو سره تاسی ته ویلی شو چه آیا تاسی د واده دپاره جوړ شوی یا ست او که نه ښه به دوی چه یوازی ژوند ته دوام ورکړی.

د پوښتنی د میړمنو دپاره دی:

- ۱- آیا ستاسی ژوند ستاسی د میړه سره ستاسی دپاره ښه ښکاری؟
- ۲- آیا سپاناری زیاتره تاسی په خپله ورته تیاری؟
- ۳- آیا له جسمی نظره دهغه وجود تاسی ته خوښه وړدی؟
- ۴- آیا له روحی نظره هم دهغه وجود ستاسی دپاره خوښه وړدی؟

نقش زن
در انکشاف جامعه

بهبود وضع زن در همه کشور ها در تمام نقاط جهان مساعی دامنه داری صورت گیرد روشن است . که مشکلات زن روستایی هر گاه بیشتر از مشکلات زن شهرنشین نباشد کمتر هم نیست .

ازجانبی هم این مشکلات چنان ریشه دار، عمیق و پیچیده است که برای از میان بردن آن ها کار فراوان دقیق و دوامدار باید بعمل آید. در کشور ما، اکنون تلاش صادقانه صورت میگیرد که زن افغان همدوش با برادران خود در تمام امور سهم مساوی داشته باشد .

این تلاش وقتی خوبتر برآورده می شود که زنان کشور ما با مصمیت و مطابق با شرایط جامعه خود در تحقق آنها بدل مساعی نماید .

نقش زن در پیشرفت و انکشاف جوامع با ارزش و روشن است برای آن که از استعداد و نیروی زنان در فعالیت های اقتصادی اجتماعی و فرهنگی استفاده موثر شود جنبش جهانی زن گسترش بیشتر می یابد تا شرایط و امکاناتی فراهم گردد که حقوق، امتیازات و وجایب زنان محترم شناخته شود و تحقق یابد .

محرومیت های زنان در جوامع در حال رشد بیشتر است .

قیودی که نتیجه غنعات ، رسوم و عادات کهنه میباشد زن را از اشتراک موثر در ساختمان اقتصادی جوامع باز داشته و آن را در محدوده تنگی از کار و طرز تفکر قرار داده است . جنبش جهانی زن ایجاب می کند که برای



زن یعنی، نصف از بیکر اجتماع بشر از زمانه های خیلی بعید در تولید نعمات مادی و دیگر فعالیت های معنوی و اجتماعی رول فعال داشته و حتی در بعضی ساعات نسبت به مردن بیشتر ابراز فعالیت و لیاقت نموده و خواهند نمود

بدختران شرق

ای دختر با تمیز ما در ای تازه نهال باغ مشرق ای شرق بساط گلشن از تو ای نامه نا نوشته شرق ای آمده ها به انتظارت ای ما در مهر بان فردا در رهبر محاط زندگانی زن لنگر و مرد باد بانست زن ها دی کاروان هستیست در حق و حقوق اجتماعی سهم زن و مرد شد برابری در محمل کاروان هستی دو دست ز هم گره گشاید یکدست صدا نمی براید

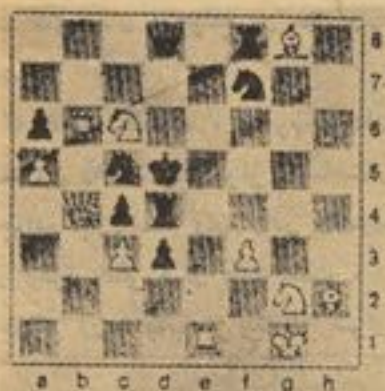
(ارسالی شمس)



صفحه‌های ادبی

این بار هم پیغله هو سی غشی متعلمه صنف هفتم رابعه بلخی برای ما جدولی فرستاده است ماز پیغله غشی تشکر نموده از دوستانی که علاقمند این صفحه می باشند خواهش میکنیم تا با ما همکاری نموده انتقادات و پیشنهادات خود را برای بهبود و زیبای این صفحه بما فرستند.

مسئله تشریح



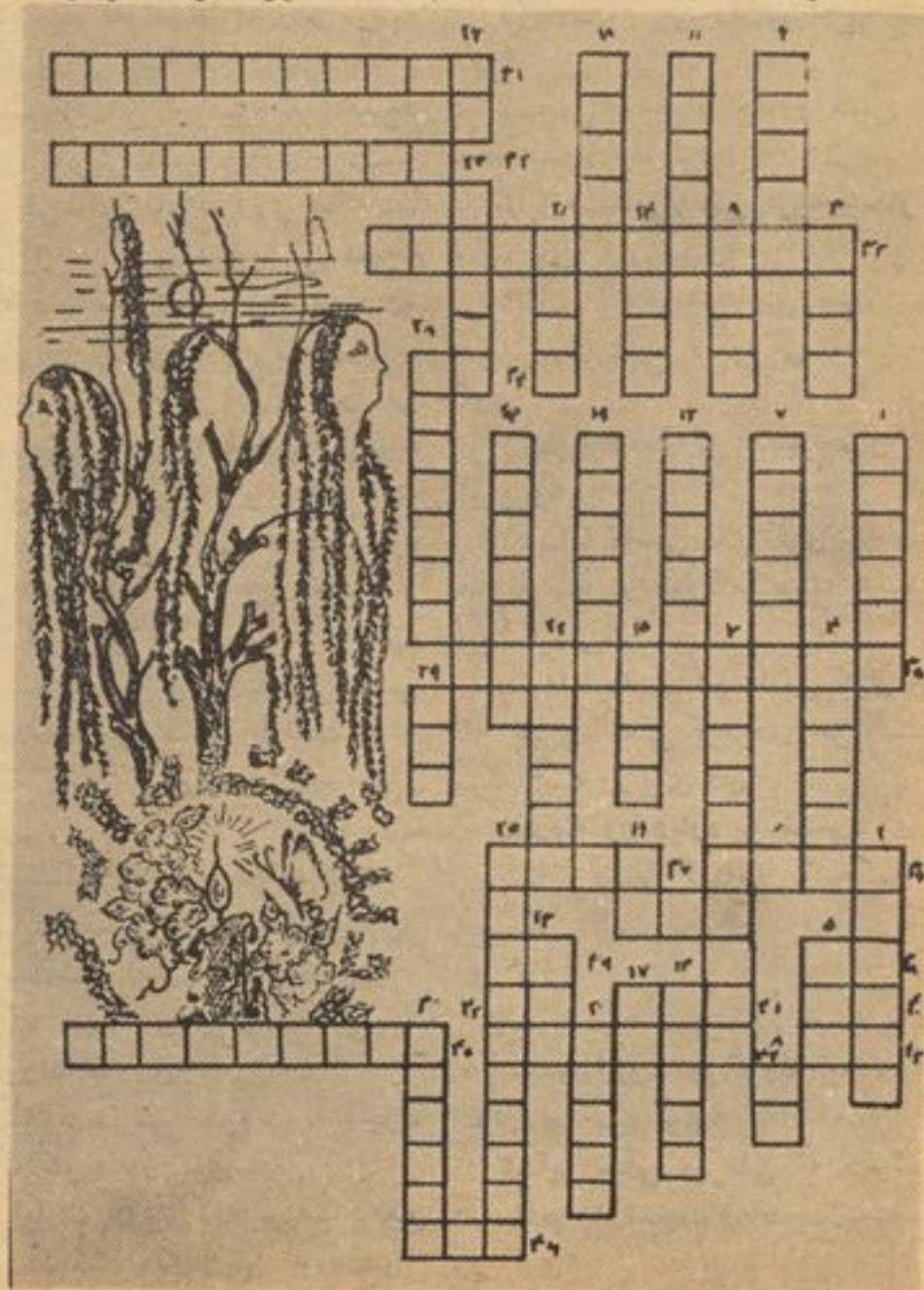
درین مسأله سفید بازی را شروع نموده در دو حرکت سیاه را مات میکند، شما طرز حرکات مهره های سفید را بما بنویسید.

نویسندگان وفیلسوف افغانسی
۲۶- درنده ۲۷- اثری از نویسنده
فرانسوی پرو سیه مریه ۲۸- از
ادبای جهان ۲۹- از فلمهای هندی
۳۰- اثری از شو لو خف ۳۱- اثری
از بالزاک ۳۲- اثر یکی از نویسنده
های جهان ۳۳- مشهور ترین
نقاش جهان ۳۴- نصف نژاد ۳۵
از مشهور ترین ادبای جهان است
۳۶- اگر راسته شود در قلم
ایک موتی اسمان کار کرده ۳۷-
قطره قطره ... میشود ۳۸- نصف
تجمل ۳۹- اگر آخرش تکمیل شود
فون می شود ۴۰- خودما ۴۱- سبب
پراگنده ۴۲- لعل نارسیده ۴۳-
مادر عزب ۴۴- آخرش را کسم
سازید تا اثری از ارسطو باقی ماند
۴۵- اثری از الکساندر پو شکین
۴۶- نام

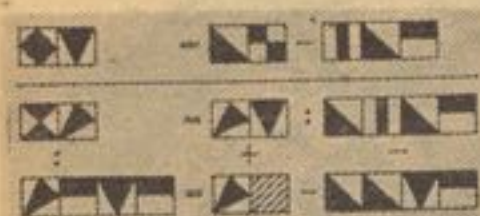
۱- اثری از دافنه دو موریه ۲-
مخترعین ایالتا لیا بی ۱۵- وعظ
زوری کردن ۳- نفره سفید
نباتی ۴- از خواننده های رادیو
افغانستان ۵- در جم مشهور
است ۶- از ولایات کشور ما ۷-
پایتخت کشور تایلند ۸- عدد دوم
۹- از قصول چهار گانه سنال
۱۰- اثری روزن شو ۱۱- کامل
و مکمل ۱۲- از مخترعین المانی
۱۳- از شعرا ی کشور ما ۷۴- از
مخترعین ایالتا لیا بی ۱۵- وعظ
کننده ۱۶- مدت بی آغاز ۱۷-
نصف ساعت ۱۸- اگر راسته -
شود آله موسیقی میگردد ۱۹- از
مالک امریکا بی جنو بی ۲۰- از
فلم های هندی ۲۱- مددکار ۲۲-
افلاطون به همین سرز میسین
منسوب گردیده است ۲۳- از
مخترعین امریکایی ۲۴- اثری بر
جسته از لیون تولستوی ۲۵- از



به کاپیتان کشتی دستور داده شده وقتی بمركز رسید به کشتی بانان خود دستور دهد تا شش جعبه ای را که مواد محترقه و منفجره مثل باروت و دینامیت می باشد آرام از جای خود برداشته و داخل کشتی کوچک بگذارند و به صاحب منصب خویش تحویل دهد کاپیتان پس از برافراشتن کشتی میخواست جای آنها را با هم عوض کند و قو طهای مذکور را از جای خود حرکت دهد و در جاهای مخصوص که برای آنها در نظر گرفته شده بگذارد عقلش بجای نرسید حالا شما می توانید با حداکثر هفت حرکت که بطور افقی و عمودی باید انجام شود این جعبه ها را یک در میان در کنار هم بگذارید؟ اگر توانستید برای ما هم این حرکات را بنویسید



اعدادنا عالم



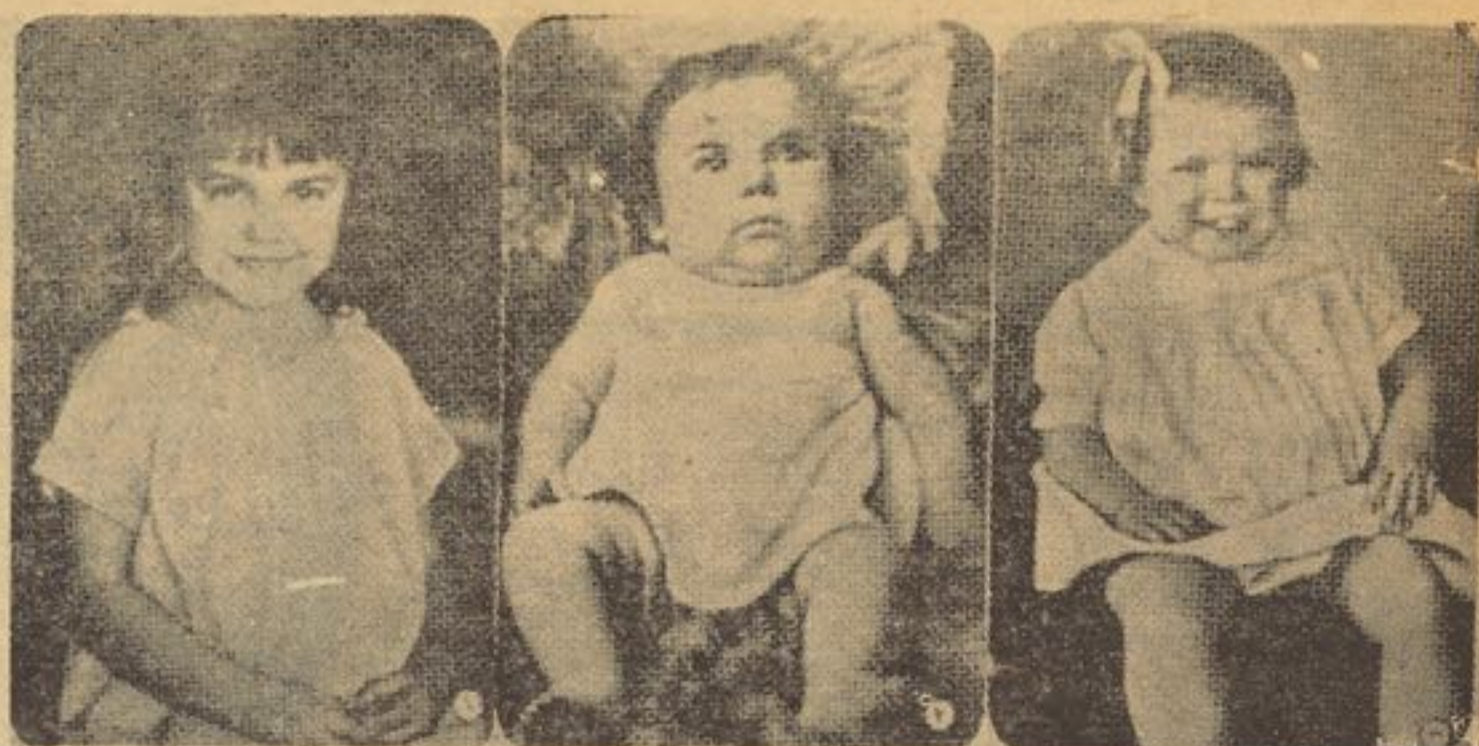
درین مساله حسابی بعو فس
اعداد اشکال گزاشته شده است
آیا می توانید اصل اعداد را پیدا
کنید ؟

ع



این ستاره زیبا هندی امروز هم
بقدر کافی شهرت و محبوبیت دارد
و هنوز هم بحیث هیرو بین فلمهای
هندی نقش های رابعده اش می
گذارند، منتهی این عکس وی متعلق
به زمانی است که تازه کار هنری خود
را آغاز کرده در اولین فلمهایش نقش
بازی میکرد اگر موفق به شناختن
وی شدید اسمش را با نام یکی از
معروفترین فلمهایش برای ما بنویسید

ستاره شناسی



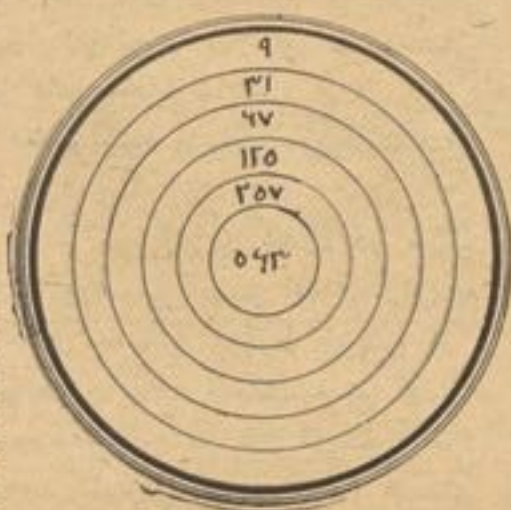
درین شش عکس شما سه کودک
وسه زن جوان را مشاهده میکنید ،
باید عرض کنیم که این سه زن هر
کدام از معروفترین ستارگان سینمای
غرب هستند که فلمهای شانرا بارها
در سینماهای مشهور دیده اید اگر
موفق به شناختن این سه ستاره زیبا
روی سینما شدید اسمای شانرا
برای ما هم بنویسید

ولی باید بگویم که قسمت دوم سوال

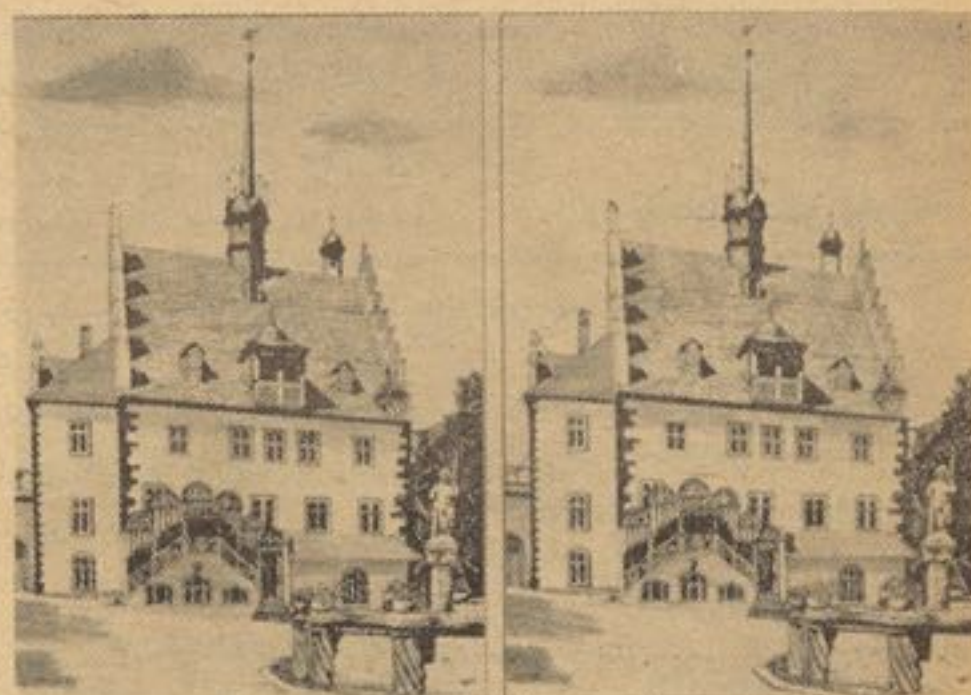
شناختن این سه کودک است این سه کودک نیز در حقیقت همین سه ستاره زیباست حال شما بنویسید که کدام
عکس مربوط به کودکی این سه هنرمند می باشد،

عدد هزار

درین دایره چندین عدد را می
بینید شما تیری را به اهدا فطوری
شش بار فیر کنید که حاصل جمع
آنها (۱۰۰۰) گردد تفاوت ندارد اگر
در هر خانه چند بار تصادف کند
منظور اینست که از شش بار زیادتر
فیر نکرده و هم حاصل جمع آن هزار
گردد .



چند اختلاف



بین این دو عکس که شبیه هم بنظر میرسند هفت اختلاف وجود
دارد اگر موفق بیافتن اختلافات شدید برای ما بنویسید

فال حافظ



دهر روز از هفته که میخواهید فال بگیرید به تصویر بالا توجه نموده یک حرف از حروف نام خود را انتخاب کنید و آنرا از دایره بزرگ پیدا نمایید. (فرقی نمی کند که حرف اول باشد یا دوم باشد یا سیم یا چهارم یا پنجم) در زیر همان حرف مثلثی قرار دارد که دارای خانه های سفید و سیاه میباشد و در داخل خانه های سفید آن سه عدد ثبت شده است از آن سه عدد هر کدام را که دلخواه شماست انتخاب کنید و آنگاه به همان شماره در زیر نام همان روز از هفته مراجعه کنید و جواب خود را از زبان حافظ شیرین سخن دریافت نمایید.

مثلا روز یکشنبه حرف چهارم نام خود را که سه است انتخاب و از جمله سه عددی که در زیر قوس مربوط به این حرف دیده میشود بیت ۷۰ را اختیار نموده اید. باید به بیت هفتم روز یکشنبه به اشعار صفحه مقابل مراجعه کنید و بخوانید لسان اللقیب بشما

چه می گوید !

۶۳ نفر دختر و پسر

۱۲ و ۱۴ باشد اینها در لیسه موزیک شامل صنف هفتم میشوند، شاگردان جدید الشمول در ایام زمستان یک دوره کورس مقد ماتی را تعقیب نموده، بعد امتحان کانکور میدهند و شامل میشوند که شمولیت آنها تا صنف (۱۳) دوام میکند امتحان کانکور در شروع شمولیت اخذ میشود.

موقعی که از او میرسم چگونه موسیقی افغانی را تقویه کرد؟ در جواب اظهار داشت:

موسیقی اصیل افغانی بذات خود تقویه شده است، تنها تا حال شامل نو تشمین بین المللی نشده است، اگر شامل نوت گردد و اشخاص فنی که بنوت موسیقی بلدیت داشتند میتوانند بصورت اعظمی از آن استفاده نمایند. اما حیث کیه

موسیقی غیر علمی، موسیقی افغانی را تحت تأثیر خویش قرار داده است. وی اضافه کرد:

برای آنکه موسیقی اصیل افغانی بهتر تقویه گردد اشخاص فنی موزیک بصورت جدی بکوشند که موسیقی اصیل افغانی را از تأثیرات موسیقی غیر علمی مجزا نمایند.

مدیر لیسه مسلکی موزیک همچنان افزود:

لیسه موزیک در حدود دو صد پارچه موسیقی اصیل افغانی را به همکاری معلمین مربوط خویش از اطراف و کناف مملکت جمع آوری و بصورت تیپ شده در آرشیف خود موجود دارد و ضمناً پارچه های متذکره را شامل نوت کرده و بقسم کتاب طبع نموده است.

فکر او عمل

همدی ډول دغه سیر مسلسل دوام مومی او صیخ قدرت ددغه مسمر سیر مخه نه شی نیو لی کله چه دواقعیت داړخو نو ترمنځ تضاد او تناقض وده وکړی نو دتازگی او سمسور-تیا سبب کیږی او یونوی او بریا لی اړخ ظهور لری له همدی کبله ویلی شو چه طبقاتی مبارزی دیوی لوی او پر مختللی ټولنی دراپیدا کیسود موجب اوسبب دی. دواقعیت متضاد اړخو نه یو تر بله پیلیدو نکی نه دی اومستمر وحدت تشکیلوی دغه اړخونه کله یوی خوا متعارض دی نو له بلی خوا تنک ارتباط لری یو په بل اغیزه کوی او یو پر بل پی ډډه اچولی ده دغه اړخونه یو په بل تفوق نه لری یعنی که یو تغییر وکړی هغه بدلیری اوله ادنی څخه اعلی ته بل ورسره اړومرو تغییر کوی او دانتقال لاره هواریری.

په طبیعت کی دحرکت اساسی بڼه دجذب او دفع دقواو ترمنځ له مبارزی څخه عبارت ده مثلاً دشمسی نظام مجموعو په نظر کی نیسو گورو چه دلمر نه چاپیره دستورو دگرځیدو او تاویدو مهم دلمر دجذب اودستورو دفرار ترمنځ له مبارزی څخه پرته ممکن نه دی په اتم کی هم الکترون او پروتون نسبی توازن دمثبت او منفی برقی چار جوتو دجذب اودفعی د مبارزی نتیجه ده نو ویلی شو چه طبیعت تل تر تله متحول او بدلیدو-نکی دی او یوه شیبه مطلق سکون هم وجود نه لری بشری ټولنی هم زمونږ د نیکو نو او د طبیعت ترمنځ مبارزه له مبارزی څخه راپیدا شوی دی. زمونږ د نیکو او طبیعت ترمنځ مبارزه له کار او عمل څخه عبارت ده چه هم یی په طبیعت کی بدلون راوستلی دی اوهم یی په انسان کی. اوهمدغه کار او عمل دی چه د طبیعت په ضد

او بپاسخ سوال دیگری چنین بیان داشت:

طبق پرو گرام مرتبه سال بسال شاگردان لیسه موزیک به صنوف بالاتر ارتقاء نموده ودر صنوف هفتم این لیسه شاگرد جدید پذیرفته میشود، آخرین صنف لیسه مسلکی موزیک صنف (۱۳) مد نظر گرفته شده که بعد از آن شاگرد یا به بوهنتون شامل خواهند شد و یا جهت خدمت به جا معه معرفی خواهند شد.

مبارزه کی یی دبریا لیتوب په هیله زمونږ نیکو نه په یو خای کی سره راټول کیږی چه په همدی اساس کار دانسان یی ټولنو دمنځ ته را تلو اساسی علت بللی شو اوهمدار کار دی چه انسان یی له حیوا ناتو څخه رایستلی او ممتاز انسان یی نوع یی تری جوړه کیږی د فکر دکار او عمل محصول دی او بیا همدغه کار او عمل دی چه انسان یی فکر ته وده ور کوی او پر مخ یی بیایی هغه فکر نه سم ویلی شو چه له واقعیت یعنی طبیعت او ټولنی سره سمون خوری یعنی په طبیعت کی گټور بدلون راولی او ټولنی ته دترقی په لور حرکت ورکوی که چیری فکر پخپله همدغه وظیفه کی نه بریالی کیږی او یا له واقعی نحو لا تو سره اړخ نه لکوی دغه فکر غلط اواناسم فکر دی په دغه ډول فکر ټینکار او کلکیدل یا خود هغه چا کاردی چه د شعور سطحه یی ډیره ټیټه وی او واقعیت سم او په اصلی شکل نه شی درک کولی او یا خو هغه څوک په دغه ډول فکر ټینک دریری چه عملاً دمثبتو نحو لا تو مخه نیول غواړی، ښکته چه په دغو نحو لا تو کی دخپل آنسی مفاد تاوان گوری او که دغه مثبت او گټور بدلون واقعیت پیدا کړی دده په شا تلونکی او منفی پرستیز او نفوذ مخه نیسی بریا لیتوب دسم فکر په برخه دی اوهغه فکر چه ددغه سم فکر په مقابل کبسی سرچک کړی سربسی حتماً تر خاورو لا ندی کیدو نکی دی او بادی ماتی یی په برخه ده ځکه دواقعیت دتحو لا تو او بدلون جریان حتمی او جبری دی او یوه شیبه دریدل هم نه منی.

دثريا عادل الياس راليزنه

خواهند شد. در آخرین پرسش میگویم: تاحال از لیسه مسلکی موزیک چه تعداد اشخاص فارغ شده است؟ ښاغلی ښی و هاب مدیر لیسه میگوید: لیسه مسلکی موزیک معارف در حمل ۵۳ تاسیس گردیده فعلاً دارای یک صنف هشتم و (۲) صنف هفت میباشد. چون دوسال از تاسیس این مکتب میگذرد تا بحال شاگردان ازین لیسه فارغ نشده اند.

فناك حافظ

شنبه

۱- خم عاهمه درجوش و خروشد زمستی
وان می که در آنجاست حقیقت نه مجاز است
۲- ازوی همه مستی و غرور ست و تکبر
وزما همه بیچارگی و عجز و نیاز است
۳- راز یکه بر غیر نگفتم و نگو نیم

با دوست بگوئیم که او محرم راز است
۱- شرح شکن زلف خم اندر خم جانان
۲- کوه نتوان کرد که این قصه دراز است
۳- بار دل مجنون و خم طره لیل

رخساره محمود و کف پای ایاز است
۱- بردوخته ام دیده جو باز از همه عالم
تا دیده من بر رخ زیبای تو باز است
۲- ای مجلسیان سوز دل حافظ مسکین
از شمع ببرسد که در سوز و گداز است

یکشنبه

۱- در حجر تو گرچشم مرا آب روان است
گو خون جگر ریز که معلور نماند ست
۲- صبر است مرا چاره هجران تو لیکن
چون صبر توان کرد که مقذور نماندست
۳- نزدیک شد آندم که رفیق تو بگوید

دور از رخت این خسته رنجور نماندست
۱- باغ مرا چه حاجت سرو و صنوبرست
۲- شمشاد خانه پرور ما از که کمتر است
۳- صوفی از بر تو می راز نهانی داشت

گوهر هر کس ازین لعل توانی دانست
۱- می بیاور که نتازد بگل باغ جهان
هر که غارت گری باد خزانی دانست
۲- بدام زلف تودل مبتلای خوشتن است
بکش به غمزه که اینش سزای خوشتن است

دوشنبه

۱- صبا اگر گذری افتد بکشور دوست
بیار نفعه از گیسوی معنبر دوست
۲- اگر چه دوست به چیزی نمی خرد مارا
به عالمی نفروسیم مونی از سر دوست
۳- روی تو کس ندید و هزارت رفیق هست

در غنچه هنوز و صدت عندلیب هست
۱- در عشق خانقا و خرابات فرق نیست
۲- هر جا که هست بر تو روی حبیب است
۳- بلبل برک گلی خوش رنگ در مقام داشت

وندان برگ و نوا خوش ناله های زار داشت
۱- خیز تا بر ملک آن نقاش جان افشان کشم
کاین همه نقش عجب در گردش پر کار داشت
۲- به می عمارت دم کن که این جهان خراب
بر آن سر ست که از خاک مابسا زد خشت

سه شنبه

۱- دیدی که یار جز سر جو رو ستم نداشت
بشکست عیدو از غم ما هیچ غم نداشت
۲- میانی در پی آزار و هر چه خواهی کن
که در شریعت ما غیر از ین گناهی نیست
۳- عیب رندان مکن ای زاهد پاکیزه سرشت

که گناه دیگران بر تو نخواهند نو شست
۱- من اگر نیکم و اگر بد تو برو خود را باش
۲- هر کسی آن درود عاقبت کار که گشت
۳- آن ترک پری چهره که دوش از بر مارت

آیا چه خطا دید که از راه خطا رفت
۱- تا رفت مرا از نظر آن چشم جهان بین
کس واقف ما نیست که از دیده چپا رفت
۲- ناامیدم مکن از سابقه لطف ازل
تو پس پرده چمدانی که کی خوشت و کی زشت

چهارشنبه

۱- ساقیا بیا که یار ز رخ پرده برگرفت
کار چراغ خلوتیان باز در گسرفت
۲- آن شمع سرگشته در چهره برافروخت
وین پیر سالخورده جوانی ز سر گرفت
۳- آن عشوه داد عشق که مفتی راه برفت

وان لطف کرد دوست که دشمن حذر گرفت
۱- ز نهار از آن عبارت شیرین دلفریب
۲- کوئی که بسته تو سخن در شکر گرفت
۳- میگرم و مرادم از ین سیل اشکبار

نغم مجبست که دودل بکار مست
۱- تا دامن کفن نکشم زیر پای خا ک
باور مکن که دست ز دامن بدارمست
۲- ز حال ما دلست آکه شود مگر وقتی
که لاله بردمد از خا ک گشتگان غمت

پنجشنبه

۱- مدام مست میدارد سیم جعد گیسویت
خرابم می کند هر دم فریب چشم جادویت
۲- پس از چندین شکبائی شبی یارب توان دیدن
که شمع دیده افروزم در محراب ابرویت
۳- سواد لوح بپیش راعیز از بر آن دارم

که جانرا نسخه باشد ز لوح خال هندویت
۱- دی پیرمی فروش که ذکرش بغیر باد
۲- گفتا شراب نوش و غم دل پیر زیساد
۳- گفتم بیاد میدهد باده نام و نشک

گفتا قبول کن سخن و هر چه باد باد
۱- بیا بیا که زمانی ز می خراب شویم
مگر ریسیم به گنجی در یسن خراب آباد
۲- ساروان بار من افتاد خدا را مددی
که امید گرم همزه این محمل بود

جمعه

۱- فردا که پیشگاه حقیقت شود بدید
شرمنده رهروی که عمل بر مجاز کرد
۲- دست در حلقه آن زلف دوتا نتوان کرد
تکیه بر عهد تو باد صبا نتوان کرد
۳- دل از من برد و روی از من نهان کرد

خدا را با که این بازی توان کرد
۱- کی شعر ترانگیزد خاطر که حزن باشد
۲- يك نکته درین معنی گفتیم و همین باشد
۳- غمناک نباید بود از طعن حسودای دل

شاید که جو وایینی خبر تو همین باشد
۱- چشم از ناز حافظ نکند میل آری
سر گرانی صفت ترکش رعنا باشد
۲- خوشست خلوت اگر یار یار من باشد
نه من بسوزم و او شمع انجمن باشد

زبان پدیده ایست اجتماعی که ناشی از ضرورت مبرم انسانی بوده و به منظور افهام و تفهیم مطالب حیاتی در مسیر یک زمان پرمعجزه و طولانی کسب وجود کرده است. و نظر به اهمیت و نقشیکه این پدیده از بدو اختراع و ایجاد خود در حیات مدنی انسان بجا گذاشته است. آنرا یکی از پایه های متین و تزلزل ناپذیر سه گانه تمدن و فرهنگ بشری شمرده اند. (۱) و الحق که سطح حیات رو به ارتقاء انسان بر مبنای همین پایه های سه گانه استوار است. که آنها عبارتند از: زبان - آتش و کشاورزی که روح کنجکاو و بیکار جوی بشری بنابر احتیاجیکه داشت در روند تاریخ متدرجا با اختراع آنها جهت حل معضله زندگی فایز آمدن تمدن و توسعه انسان از بدو تلاشها و جیش های مدنی تا تسخیر کره ماه و شگافتن قلباتم مبنی بر همین اختراعات سودمند است. و بیروزی های بشر معاصر پیوند بلا فصل و تردید ناپذیری به آنها دارد. و هر پیشرفتیکه در مسیر تاریخ و در پهنای جهان هستی نصیب نسل بشری شود بدون انکار ممثل نیروی خلاقه و مظهر تلاشیهای پیگیر و خستگی ناپذیر نیاکان اولیه ما خواهد بود.

از آنجائیکه این مبحث خیلی دلنشین و شیرین است و مذاق هراسان با ذوق را که علاقه به فرهنگ جهان باستان و عرق ریزی های انسانان اولیه داشته باشد مسحوظ میسازد. لذا جریانات آن نیز نمیتواند در چنین مختصری گنجایش یابد از آنرو بادنبال کردن هدف اصلی و تئیل به ارمان غایی به همان تذکر فوق در قبایل سه پدیده تذکار یافته اکتفا کرده و از آنجمله زبان آریایی را مطلق نظر قرار میدهم زیرا این مختصر تفصیلات مزید را در موارد فوق نسبت جلوگیری از تطویل کلام پذیرا شده نمیتواند.

درک کردن زبان اولیه آریین ها کاریست سخت دشوار و این مشکل ناشی از فقدان اسناد موثق است که بدسترس مافراتر ندارد. و آنچه در این باره از خامه پژوهشگران تاریخ اعصار باستانی این نژاد تراوش کرده بر مبنای حدس و خیال استوار بوده و ریشه عمیقی ندارد. و از اینکه این گمانها از حقیقت فاصله دارند به آنها اعتماد کردن از محالات است. اما این قدر مسلم است و باید ایضاح گردد که منظور از طرح چنین وسیله ای آن نیست که نگارنده با همه نارسایی که در خود سراغ دارد خود را به تصریح این عقاید که آیا آریا به چه شیوه و در کجا و در چه زمانی به سخن گفتن آغاز کردند مکلف نمیداند، زیرا تحقیق و برامون حل این پرابلم ها از وجانب ایمن نبشته نیست و هم روحیه این نبشته ایمن

(۱) تاریخ اجتماعی ایران تألیف مرتضی راوندی چاپ دوم سال ۱۳۴۷ ص ۱۹ - ج ۱.

نویسنده: غ. فاروق (نیل آب رحیمی)

زبان آریایی

(۱)

+++++

زرف تگری ها و ریشه یالی ها را ایجاد نمیکند. تجویز یک در این مورد اتخاذ شده ایضاح زبان اولیه آریایی دوسرزمین زیبا و باستانی بلخ است. زیرا این سرزمین مرکز کلیه فعالیت و نژاد آریین و گاتون همه تلاشیهای ایشان و منبع بسط و گسترش و مهاجرت های شان بجانب شرق و غرب میباشد.

زبان از بدو تکوین با بشر همراه بوده است و تدریجا در اثر انکشاف ساحة فعالیت های حیاتی و وسعت و ارتقاء سطح ذهنی این پدیده نیز جامع ترو متکامل تر از آب برآمده و بسرحد کمال نزدیک تر شد. و زبان اولیه آریین ها نیز در بر توی این اصالت تاریخی موقف خود را با گذشت زمان تثبیت کرد و بدیهیست که در بدو مرحله کلیه عشایریکه از نژاد آریین مجزا شدند به همین زبان واحد مطالب خود را ادا میکردند. در نخستین مهاجرت هایی که نسبت تنگی جای وقت مراتع رونما گردید نژاد آریین نام هندواروپایی را بخود گرفت که زبان شان نیز در تحت الشعاع همین نام در تاریخ فرهنگی شان مندرج گردید. و این زمانی بود که محل بودو باش اقوام آریین را حوزه سرسبز و شاداب سر دریا تشکیل میداد. بنابران زبانهای شان با هم شباهت داشت (۱).

تکثر نفوس و فشرده شدن جای آریین ها را داشت تا وحدت اجتماعی خود را نادیده گرفته و از مشکلات روز افزون خود بگماهند لذا قدم دیگری در عرصه مهاجرت و بدست آوردن سر زمین های نوین بجلو گذاشتند همان بود که سیراژه شان از هم متلاشی شده و عشیره های متفرق را ایجاد کردند. که این رویداد بنابر بر اهن تاریخی در حدود سه هزار سال قبل از میلاد مسیح صورت گرفت. این مهاجرت ها بعضی را جانب هند و برخی را هم بصوب ایران رهسار ساخت و عده در باختر متمرکز ماندند و زبان واحدی را که این عشایر مدتها به

(۱) تاریخ قدیم افغانستان تألیف احمد علی کهزاد ص ۳۶ - ج ۱.

و افزوده و تقریبا با هم رابطه بلا فصلی دارند. کلمه ای را مورد بررسی قرار میدهم، مثلا کلمه پدر را انتخاب می کنیم. این کلمه را که در دردی پدر میگویند، در فرانسوی (پرس)، در انگلیسی (فادر)، در سانسکریت (پتریل) در یونانی (پتر)، در لاتین (پتر) و در یونانی (پتر) گفته میشود (۲). و این مشابهت بلا تردید بیانگر يك وحدت ریشه ای بوده و يك پیوند تاریخی ای را نشان میدهد. بدین ملحوظ و بانگای این برهان شك و تردید را کنار گذاشته ابراز عقیده نماییم که زبان آریین باستانی

زبان های چینی، سریانی، عبری و عربی، مادر اکثر زبان های زنده جهان معلوم بوده که آنها را در کانون قلب خود پرورش داده است. شعباتی که از زبان اولین آریین ناشی شده و در جهان شایع اند خیلی زیاد بوده که از آنجمله مایه فرس باستان، سانسکریت یا زبان ویدا اوستا، سغدی، تغاری پهلوی، لاتین، یونانی سکی، اسلاوی، سلتی، توتونیک و غیره را میتوان نامبرد که هر کدام این زبان ها بتوجه خود منشأ زبان های دیگر بوده و لپچه های مختلفی از آنها مشتق شده است که هم اکنون در بعضی قسمت های افغانستان مثل نورستان، سغنان، پامیر، درواز، بلوچی، پشه ای و غیره مروج بوده و به آن سخن میگویند و نفوس زیادی در قلب هندوکش و دره های پر خم و پیچ سرزمین باستانی افغانستان و میادین همواران با استعمال زبان های فوق الذکر مشکلات حیاتی خود را مرفوع می سازند.

در اوایل تحلیل این مبحث بایست تذکر داد که زبان های آریایی بنابر پژوهش و تدقیق علمای زبان شناسی و در تصنیفیکه زبانهای جهان را کرده اند آنها را به سه بخش (یک) عجیب، مستقیم و پیوندی، (دوم) پیوندی و پیوندی، (سوم) پیوندی و پیوندی است. درین زبانها بر ریشه لغات های هیجاها افزوده می شود. و این افزودن منحصر به آخر نیست. بلکه نظریه ایجاد لغت و موضوع در اول آن نیز به مثل آخر پیوند هیجا صورت میگیرد. اما در اثر این افزایش ریشه لغت تغییر می کند و فاصله ای بین ریشه کلمه و قسمت مضاعف شده احساس نمی گردد و تصور می شود که با همچون خورده است و پیوند یافته است (۱) و این خصوصیت محدود يك شاخه نبود بلکه

(۱) ص ۵ تاریخ هند - تألیف ت. ف. در لاغور. ترجمه فخر داعی گیلانی چاپ اول سال ۱۳۱۶.
(۲) تاریخ ادبیات ایران تألیف جلال همایی ص ۹۵ - ۹۶.
(۳) ص ۵۹ تاریخ ادبیات ایران - جلال همایی.

(۱) ص ۲ - ج ۱ - سیک شناسی تألیف ملک الشعراء محمد تقی بهار.

باقی دارد

ژوندون



از راست به چپ: استاد محمد عمر، گل علم، شمس الدین مسرور، مجید و ملنگ

بجواب نامه های شما

قبل از اینکه بجواب نامه های این هفته بپردازیم باید بگوئیم که به نشر نامه های حق تقدیم داده می شود که در مورد مجله ژوندون باشد چه همانطور یک در شما ره گذشته اشته کردیم، تصمیم اینست تا به کمک خوانندگان ژوندون مجله بهتر داشته باشیم. خوب حالا هم بجواب نامه های رسیده می پردازیم تا دیده شود خوانندگان عزیز درین هفته برای مجله شان چه چیز های دارند.

پیغله فوزیه موج متعلمه صنف یازدهم لیسه ملا لی:

برای بهتر شدن مجله ژوندون پیشنهادات و نظریات درخور تأمل عرضه کرده اند که البته قایل تطبیق هم است، مثلاً محترم موج از ما خواسته اند تا برای بلند بردن سطح ژوندون از نظر محتوی از نویسندگان ورزیده و خوب طلب همکاری کنیم.

دوست ارجمند:

کارکنان ژوندون نیز اهمیت بیشتری به محتوی ژوندون قایل اند تا به شکل وسایر موضوعات. چه به نظر ما هم این یگانه را هیست که ما را به هدف مان نزدیکتر ساخته و مجله ازین طریق کسب محبوبیت بیشتر می نماید. باتوجه به همین نکته اخیراً یک تعداد از نویسندگان

خوب با ما وعده همکاری داده اند. که مطمئناً به وعده خود وفا دارند. خواهند ماند.

آقای غلام مصطفی:

مامور وزارت زراعت تصمیم دارند با مجله ژوندون همکاری نمایند. ازینرو طالب معلومات در مورد شرایط همکاری با مجله ژوندون شده اند.

عرض شود همکاری (بدو ن قیدو شرط) چون شما در مکتوبتان نحوه همکاری را بایک نشریه خوب تشریح کرده و زمینه های همکاری را هم تذکر داده اید.

شباغلی عبداللطیف از لیسه حبیبیه:

طی نامه کوتاهی می پرسند: چرا مجله ژوندون با کاغذ بهتر چاپ نمی شود البته منظور از همین کاغذ سفید است که فقط یکی دو صفحه ژوندون روی آن چاپ می شود.

دوست عزیز:

استفاده از کاغذ درجه اول از آن جهت برای ما در تمام صفحات ژوندون مقدور نیست که مصرف بسیار را ایجاب میکند. از آن گذشته چون مجله ژوندون در ماشین های طبع حروفی به نشر میرسد، کلیشه یعنی عکسها روی کاغذ درجه اول «افسیت» خوب رنگ نمی گیرد.

شباغلی محمد کریم «آرزو»

از مدیریت عمو می تعلیم و تربیه م ه خواجه رواش طی نامه می نویسد: (باباز شدن این صفحه مشکل عده خوانندگان مجله حل می شود چه هم سوالات آنها پاسخ گفته میشود و در ضمن انتقادات و نظریات آنها منعکس می گردد.

اگر چه درین آواخر مجله با نشر مضامین آموزشی، داستانی، جالب وده ها مطلب خواندنی به عده خوانندگان خود افزوده است ولی اگر انتقادات و پیشنهادات معقول خوانندگان پذیرفته شده و عملی گردد در آن صورت به مزیت این مجله محبوب خانواده ها افزوده می گردد.

حالا پیشنهادی داریم که امید است در صورت امکان عملی گردد.

اگر صفحه برای معرفی هنرمندان، نویسندگان و شعرای نامدار گذشته و حالیه کشور باز گردد بهتر خواهد بود.

به همین ترتیب اگر صفحه بنام (شما و صحت و شما) در مجله گشوده شود مشکلات صحی خوانندگان

مجله راحل می نماید.

در مورد پیشنهادات شباغلی محمد کریم آرزو باید بگوئیم که نظریاتشان در مجله ژوندون عملی است. تصمیم داریم برای معرفی هنرمندان نامدار متقدم کشور صفحه داشته باشیم.

ولی در مورد صفحه (شما و صحت شما) باید گفت که همچو پروگرام در رادیو افغانستان بنام (طیب - رادیو) صبا نه به نشر سپرده می شود که فکر میکنم یک تعداد کثیر شنونده ها از آن استفاده میکنند.

نشر همچو پروگرام از طریق یک وسیله سمعی مثرتر هم است از آن گذشته در روز نامه جمهوریت هم در مورد مسایل صحی هر هفته مضامین به نشر میرسد که می شود از آن استفاده کرد.

• • •

شباغلی حبیب الله از کندز:

باید بگوئیم که نزد شما (سفید روی) شدیم چون هما نظر یک ملاحظه میفرمایید به خواسته شما ترتیب اثر دادیم و حسب فرمایش صفحه به جواب نامه های شما را سر از شماره گذشته باز کردیم.

مبارزه برای ریشه کن

ده هزار ملیون فرانک را بالای سگرت بمصرف رسا نیده است. میرمن ویل در اولین روز مبارزه خود درین راه شاهد یک پیروزی جزئی بود و آن اینست که در کنفرانس مطبوعاتی وی هیچیک از خبرنگاران سگرت دود نکرده اند.

دولتی مطبعه



Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library